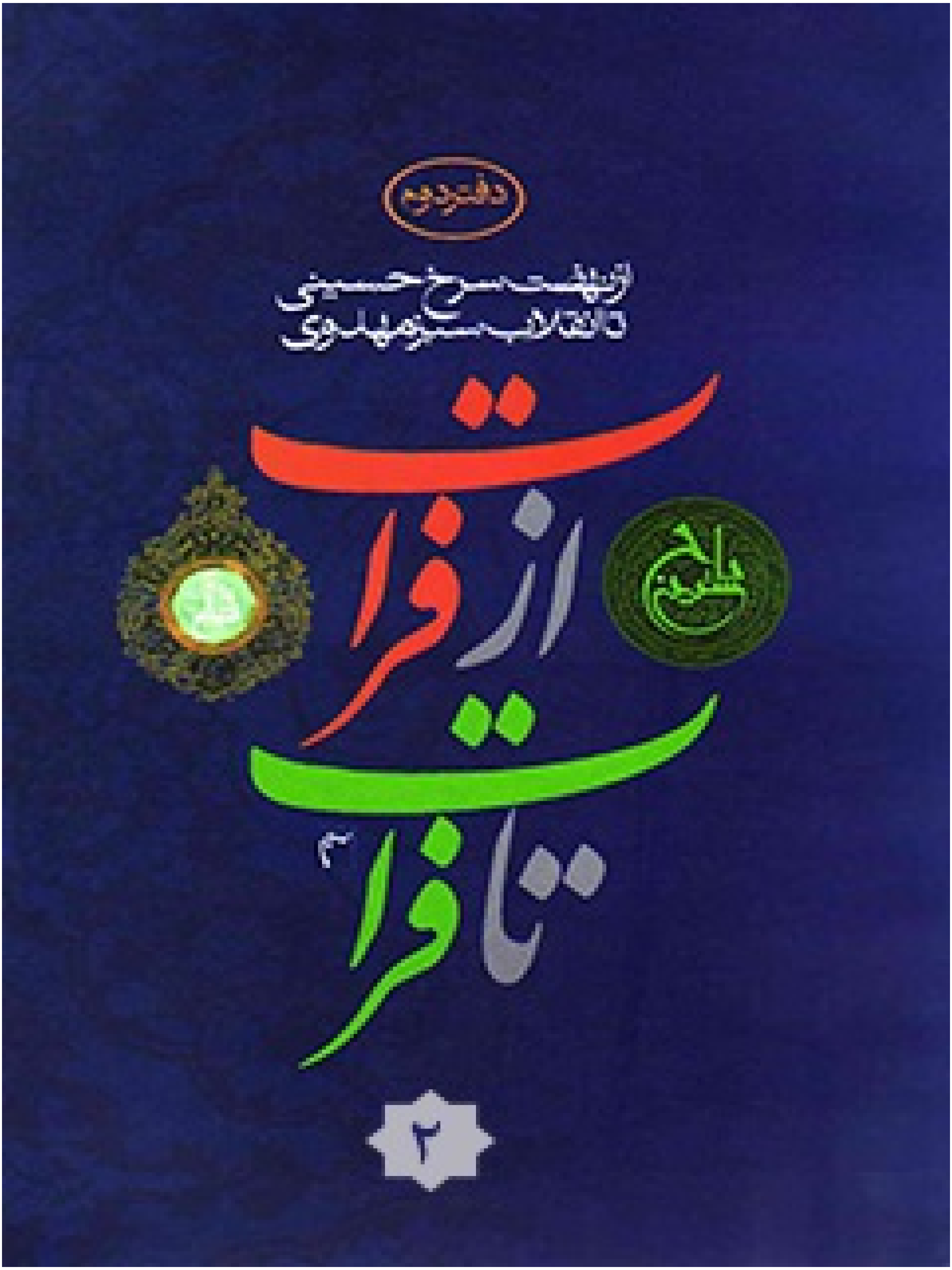


دفتر دوم
از نهضت سرخ حسینی
تا انقلاب سبز مهدوی
از فرات تا فرات
۲

بسم الله الرحمن الرحیم

فرات تا فرات ۲

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فرات تا فرات ۲

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : فرات تا فرات ۲ / مولف جمعی از نویسندگان.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام،مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۶

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۵-۳ : ؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج.۱، چاپ سوم: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۳-۹ ؛ ۱۴۰۰۰ ریال: ج.۱، چاپ اول: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۳-۹

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری

یادداشت : فهرست نویسی بر اساس جلد دوم، ۱۳۸۸.

یادداشت : ج.۱(چاپ اول: ۱۳۸۶).

یادداشت : ج.۱ (چاپ سوم: تابستان ۱۳۸۸).

یادداشت : چاپ سوم.

یادداشت : عنوان روی جلد:از نهضت سرخ حسینی تا انقلاب سبز مهدوی از فرات تا فرات.

یادداشت : عنوان عطف:از فرات تا فرات مقالاتی پیرامون انتظار و عاشورا.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

عنوان روی جلد : از نهضت سرخ حسینی تا انقلاب سبز مهدوی از فرات تا فرات.

عنوان عطف : از فرات تا فرات مقالاتی پیرامون انتظار و عاشورا

موضوع : مهدویت-- انتظار-- مقاله ها و خطابه ها

موضوع : عاشورا -- مقاله ها و خطابه ها

شناسه افزوده : بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام،مرکز تخصصی مهدویت

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/ف۴ ۱۳۰۰ی

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۵۸۱۰۸

ص:۱

اشاره

فرات تا فرات

دفتر دوم

مرکز تخصصی مهدویّت

فرات تا فرات (۲)

مؤلف/ جمعی از نویسندگان

ویراستار/ زینب احمدیان

صفحه آرا/ رضا فریدی

شمارگان/ هزار نسخه

نوبت چاپ/ ششم، پاییز ۱۳۹۲

بها/ ۵۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷و۱۱۶)/ ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس:۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

- www.mahdi۳۱۳.com

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۴-۶

فهرست مطالب

مقدمه

میان عاشورا وانتظار، پیوندی نا گسستنی است .

سال ها و قرن ها از زمان استغاثه غریبانه امام حسین علیه السلام، می گذرد؛ اما انعکاس آن، هنوز، در لحظه لحظه های تاریخ، ساری و جاری است. این فریاد، نه تنها رو به خاموشی و افول نگذاشته؛ بلکه با صلابتی روزافزون، مایه جوشش و خروشِ آزادگان عالم است؛ تا آن زمان که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از راه برسد و این راهِ آغاز شده را تا تحقق کامل وعده های الهی، امتداد دهد.

او خواهد آمد تا ندای امام حسین علیه السلام و تمام انبیا و اولیای الهی را پاسخ گوید؛ پرچم بر زمین مانده شان را بر دوش گیرد؛ داغ های کهنه شان را التیام بخشد و بر آرمان های بلندشان، لباس تحقق بپوشاند.

در حقیقت، «انتظار»، نگاه سبز شیعه است به افق سرخ کربلا؛ چرا که «عاشورا»، انتظار بر آمده شیعه است و «انتظار»، عاشورای بر آورد ه شده شیعه.

پس، امروز کسانی می توانند همراهی حسین علیه السلام را آرزو کنند و ندای «یا لیتنی کنت معکم، فافوز فوزاً عظیماً» بر آرند که در زمانه غیبت، عامل به

وظایف خویش باشند که بی تردید، آن که «هل من ناصر» مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پاسخ بگوید، ندای حسین علیه السلام را لبیک گفته است.

در این میان، وظیفه اندیشمندان، محقّقان، مبلّغان و تمام مشتاقان فرهنگ حسینی، در زمینه سازی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، سنگین تر از دیگران است.

مجموعه حاضر، در پاسخ به اقبال چشم گیر مخاطبان، به کتب و مقالات پیشین بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به زیور طبع آراسته شده است .

آنچه فراروی خوانندگان اندیشمند است دفتر دوم مقالاتی است که از نویسندگان و پژوهشگران معزّز در طی فراخوان مرکز تخصصی مهدویت و در ضمن همایشی که در سال۱۳۸۵ در دارالشفای حوزه علیمه قم برگزار شد، گرد آمد که امید است، یاری گر منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و دست مایه ای هر چند اندک و ناقص، برای مبلّغان و دیگر مشتاقان حضرتش گردد؛ تا چه پسند افتد و در نظر آید...

در انتها، شایسته است از زحمات جناب حجت الاسلام و المسلمین ناصر شهیدی که مسئولیت گردآوری و تدوین مقالات را بر عهده داشتند، تشکر نماییم.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

مرکز تخصصی مهدویت

فطرت، عاشورا و انتظار

اشاره

فطرت، عاشورا و انتظار (۱)

آیت الله محیی الدین حائری شیرازی

آیت الله محیی الدین حائری شیرازی(۲)

خداونـد متعال، در بسـیاری از آیات قرآن کریم، صـراحتاً به اهل بیت علیهم السـلام و فضایل و مناقب ایشان اشاره کرده است. اما طبق فرموده حضـرات معصومین علیهم السـلام، نه تنها همین تعـداد، که تمامی آیات قرآن، پیرامون اهل بیت علیه السـلام و دشمنان ایشان است. حال، این که بتوان دریافت که هر آیه، چه ارتباطی با اهل بیت پیامبر علیهم السلام یا دشمنان آن ها دارد، خود، نکته ظریفی است.

سـوره جمعه، از جمله سـوره هـایی است که در نظر اول، شایـد نتوان ارتبـاط آن را بـا اهـل بیت علیهم السـلام دریـافت؛ امـا با بررسی دقیق تر، این ارتباط، کاملاً روشن می شود. در این سوره، پس از آیه اول که تسبیح خداوند

۱- متن حاضر تلخیص سخنرانی حضرت آیت الله حائری در مرکز تخصصی مهدویت است.

۲- استاد حوزه و نماینده ولیّ فقیه در استان فارس.

است، می فرماید: «هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِه...» (۱)؛ «اوست که در میان مردم بی سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند...».این آیه، در شأن دوستان اهل بیت است که برخی از آنان- مانند ایرانیان- هنوز، مسلمان نشده اند: «وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلالٍ مُبِین» (۲)؛ «و آنان، پیش از این در گمراهی آشکاری بودند» و در آیه بعد به این مسئله اشاره می فرماید که مسلمان واقعی شدن و قرار گرفتن در محور ولایت کار آسانی نیست و منوط به فضل خداوند است: «ذلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیم» (۳)؛ «این فضل خداست که آن را به هر کس بخواهد عطا می کند، و خدا صاحب فضل بزرگ است».

در آیه بعد می فرماید: «مَثَلُ الَّذِینَ حُمِّلُوا التَّوْراهَ ثُمَّ لَمْ یَحْمِلُوها کَمَثَلِ الْحِمارِ یَحْمِلُ أَسْفارا...» (۴)؛ «وصف کسانی که عمل کردن به تورات، بر آنان تکلیف شد و به آن، عمل نکردند، مانند درازگوشی است که کتاب هایی را [که هیچ آگاهی نسبت به محتویات آن ها ندارد] حمل می کند». در این آیه، ظاهراً خطاب با اهل تورات است، اما ما معتقدیم که خطابات قرآن، مصداق این مثل است که«به در

۱- سوره جمعه؛ آیه ۲.

۲- سوره جمعه؛ آیه ۲.

۳- سوره جمعه؛ آیه ۴.

۴- سوره جمعه؛ آیه ۵.

می گوینـد، تـا دیوار بشـنود»! چرا که بی تردیـد، کسـی که قرآن را می پـذیرد، امـا به مضامین و مفاد آن، عمل نمی کنـد نیز، مصـداق ایـن آیه خواهـد بـود. از این رو، مشـخص می شـود که این آیه در شـأن دشـمنان اهـل بیت علیهم السـلام است که با نپذیرفتن ولایت معصومین علیهم السلام -که یکی از دستورات صریح قرآن است- مصداق «لَمْ یَحْمِلُوها» شده اند.

این موضوع، در ادامه آیه، نمود بیشتری دارد. آن جـا که می فرمایـد: «بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیاتِ اللَّه»؛ «چه بـد است سرگذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند. و خدا ستمکاران را هدایت نمی کند».

دشـمنان اهل بیت علیهم السـلام، در واقع آیات بزرگ خداونـدی را تکـذیب کرده اند؛ چراکه ایشان، آیت کبرای الهی و نباء عظیم هسـتند. این عـدم پذیرش نیز به جهت تکبر آنان است و می دانیم که تکبر، ریشه در ظلم و تجاوز از حدود بندگی دارد. از این رو، خداوند در ادامه می فرماید: «وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِین».

این گونه است که می فرماینـد سراسـر قرآن در شـأن اهـل بیت علیهم السـلام و مخـالفین ایشـان، نازل شـده است. امام خمینی رحمه الله نیز با جمله «قرآن، کتاب انسان سازی است»، در واقع به همین موضوع، اشاره دارنـد؛ چراکه انسان دو بُعـد دارد: بُعد نورانی و بُعد ظلمانی. اهل بیت علیهم السلام، مصداق اتمّ نورانیت انسان و دشمنان ایشان، نمود عینی ظلمت هستند.

این ظلمت از نفس امّـاره نشأت می گیرد و از آن جا که تمامی انسان ها، دارای این نفس هسـتند، خطر آن نیز عمومی است.با وجود

نفس اماره، همه ما استعداد تبدیل شدن به فرعون و معاویه و یزید را داریم. بنابراین اگر حسن ظنّ بی جا به خود داشته باشیم، در واقع، خود را به هلاکت انداخته ایم. خطر نفس، به اندازه ای جدی است که حتی حضرت یوسف علیه السلام، نیز از شر آن، به خدا پناه می برد. (۱) ایشان، هم چنین، کسانی را که به نفس خود اعتماد می کنند، «جاهل» خوانده است. (۲) جاهل در این جا، به معنای بی سواد نیست؛ بلکه معنای آن، در تقابل با عاقل است؛ یعنی کسی که عقل فطری خود را به کار نمی گیرد؛ که این عقل و جهل نیز، در واقع، نمودی از دو بُعد نورانی و ظلمانی بشر است.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مانند تمامی معصومین علیهم السلام، مظهر کامل عقل است؛ لذا زمانی ظهور خواهد کرد که عقل، بر جهان، حاکم شده باشد و جهانیان، با ایشان، سنخیت پیدا کرده باشند: «... إِنَّ اللَّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِم...» (۳)؛ «خداوند، سرنوشت هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند».

در لسان روایات نیز به این موضوع اشاره شده است. در کتاب

۱- «وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسِی إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَهٌ بِالسُّوءِ إِلَّا ما رَحِمَ رَبِّی إِنَّ رَبِّی غَفُورٌ رَحِیم». سوره یوسف؛ آیه ۵۳.
۲- «قالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَیَّ مِمَّا یَدْعُونَنِی إِلَیْهِ وَ إِلاَّ تَصْرِفْ عَنِّی کَیْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَیْهِنَّ وَ أَکُنْ مِنَ الْجاهِلِین». سوره یوسف؛ آیه ۳۳.
۳- سوره رعد؛ آیه ۱۱.

منتهی الآمال، نقل شده است که معصوم، در جواب سؤال شخصـی که از زمان ظهور پرسیده بود، فرمودند: «وقتی وفا در مردم، زیـاد بشود؛ ظهور اتفـاق می افتـد». وفـا نیز حاصل و نتیجه عقل و فطرت است. بنابراین تا هنگامی که نفس و جهالت ناشـی از آن، بر فطرت انسانی غلبه دارد، حتی اگر با هزار دلیل، امام معصوم بر او عرضه شود، او را رها خواهد کرد و به سـراغ هم سنخ خود، خواهد رفت.

اما، عصـر حاضـر، عصر بروز فطرت است. حتی در کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز، بروز و ظهور فطرت، اتفاق افتاده است. به امثـال بوش و بلر نگـاه نکنیـد؛ جمع کـثیری از آن هـا، جزو این دسـته نیسـتند. اگر بـا ملاـکی که معصومین، برای تشـخیص انسانیت افراد، به ما داده اند، آن ها را بسنجیم، متوجه می شویم که آن ها به فطرت خودشان رجوع کرده اند. در روایات آمده است: «لاـتنظروا الی طول رکوع الرجل و سـجوده... و لکن انظروا الی صـدق حـدیثه و اداء امانته (۱)». در کشورهای اروپایی، صدق گفتار و حسن امانت را می توان دید. حتی صدق حدیث آن ها، گاهی اوقات بیشتر از ماست؛ مثلاً وقتی اسـتاد چیزی را نمی داند، می گوید نمی دانم. حسن امانتشان نیز زیاد است.

اگر انقلاب های آنان را بررسی کنیم، متوجه می شویم که نه برای نان، که برای آزادی و عدالت قیام کرده اند که این دو نیز، خواسته ای

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۱۵.

فطری هستند. پس باید افق را روشن، و ظهور را نزدیک ببینیم.

عاشورا نیز مرتبه ای از ظهور بود؛ چراکه تا قبل از وقوع آن، مردم، کمتر به معصوم توجه داشتند و به عبارت دیگر، خانه اهل بیت علیهم السلام، تا آن زمان بسته بود. اما بعد از عاشورا، اوضاع تغییر کرد؛ وصف حضرت سجاد علیه السلام تا اقصی نقاط عالم رفت و مردم، با ایشان ارتباط پیدا کردند. پس عاشورا، ظهور امامت است.

اهل بیت علیهم السلام از ثمرات قیام عاشورا استفاده کردند؛ اما دست به قیامی دیگر، نزدند. این مسئله برای مردم، سؤال شده بود. از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که عده ای نزد امام سجاد علیه السلام آمدند و از ایشان خواستند که علیه حکومت وقت، قیام کند. امام زین العابدین علیه السلام، در جواب اصحاب فرمودند: «کدام یک از شما، حاضر است که آتشی را در دست بگیرد و بدون کمک گرفتن از کسی، آن قدر آن را تحمل کند تا خنک شود؟». امام باقر علیه السلام، اعلام آمادگی کرد. امام سجاد علیه السلام فرمود: «منظور من، شما نبودید؛ إنّما أنتُم مِنّی و أنا مِنکُم». بعد از آن، تا سه بار این سؤال را تکرار کردند و در هر بار، فقط امام باقر علیه السلام، جواب دادند.

در واقع، حضرت، با این بیان، در صدد تفهیم این مطلب بودند که هنوز، وقت نهایی قیام، فرا نرسیده است؛ بلکه در زمان قومی خواهد بود که بتوانند آتش را در دستشان نگه دارند تا سرد شود.

در زمان انقلاب اسلامی، ساواک مثل آتش سوزان بود؛ اما مردم

ما، این آتش سرخ را آن قدر تحمل کردند تا خاموش شد. اکنون هم، آمریکا و اسرائیل، مثل آتشی هستند که باید آن قدر تحملشان کرد تا رو به افول روند. بنابراین، نسل و ملت ما، مصداق همان سخن امام سجاد علیه السلام هستند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز، قیام خود را با سیصد و سیزده نفر از کسانی که این گونه تربیت شده اند، شروع خواهد کرد تا نهضت جهانی خود را با یاری این عده و کمک کسانی که به آن ها خواهند پیوست، به سرانجام برسانند.

پس روشن شد که جریان فطرت گرایی که اکنون در عالم، حاکم است، محصول عاشورا است. عاشورا، جریان فعالی است که تمام مرزهای فکری را پشت سر گذارده و در تمامی ادیان و مذاهب، تأثیرگذار بوده است. علت آن نیز به ماهیت روشن جریان عاشورا بر می گردد؛ چرا که عاشورا صحنه چیرگی حق بر باطل و غلبه سفیدترین چهره های انسانی بر سیاه ترین چهره ها بود.

بنابراین، ظهور نیز، زمانی اتفاق خواهد افتاد که جبهه حق طلبی به حدّی برسد که بتواند بر باطل گرایان، غلبه کند. ظهور، نتیجه فعالیت هزار و چند صد ساله جبهه حق است و به عبارت دیگر، نتیجه و حاصل عاشوراست.

در روایات آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظهور نمی کنند مگر بعد از آن که تمامی گروه ها به حکومت رسیده باشند تا دیگر هیچ کس

نتواند ادعا کند که اگر امور به دست او می رسید، می توانست به خوبی حضرت، حکومت کند. از این روایت، این گونه می توان برداشت کرد که در زمان ظهور، مردم در حالی که ناکارایی حکومت های مختلف را دیده اند، با تمام وجود، پذیرای حکومت ایشان، می شوند.

مؤید دیگر این مطلب آن است که در جریان قیام حضرت، یهودیان، بیشترین کسانی که کشته می شوند و روشن است که یهود، جمعیت کمی دارد. پس اکثریت مردم، با میل و طوع، به حکومت ایشان می گروند.

عاشورا، سنگ بنای ظهور و تقویت کننده تمام نهضت های قبل از آن است. حضرت اباعبدالله علیه السلام،با ندای جاوید «هل من ناصر ینصرنی»، یک جریان مستمر را در طول تاریخ پایه گذارد که مجاهدان و تربیت شدگان این مکتب را به ناصرانِ واقعیِ دین، تبدیل کرد. چنان چه، امام راحل رحمه الله می فرمود: «ما درصدد آزاد کردن انرژی متراکم عالم اسلام هستیم». این انرژی متراکم، همان فطرت است که آزاد کردن آن، زمینه ساز ظهور خواهد بود.

□□□

جایگاه جامعه آرمانی در چشم انداز عاشورا و انتظار

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری (۱)

ارتباط میان رخداد عظیم عاشورا و مسأله مهدویت، به گونه ای گسترده است که می توان در هر بعدی از ابعاد آن، بحثی را مطرح کرد. برای مثال، می توان در ساحت باطنی آن ها سخن گفت و مسأله را از بعد عرفانی، تحلیل و تبیین کرد. چنان چه می توان از ساحت عالم انسانی به این مسأله نگریست و از ارتباط میان آن ها سخن گفت. همان گونه که در این نوشتار کوتاه، تلاش شده است تا شاید یکی از جلوه های این ارتباط در ساحت عالم انسانی، تبیین شود.

جامعه ی آرمانی، مظهر ولایت حق

بی گمان، مسأله ی مهدویت، ناظر به جامعه ای آرمانی است که

۱- استاد حوزه.

همه ی پیامبران، در تمامی ادیان و شرایع الهی، وعده ی آن را به بشر داده اند. جامعه موعودی که بر محور ولایت ولیّ حق و انسان معصومی که دارای همه کمالات است، شکل می گیرد.

به نظر می رسد، تعبیر «معصوم»، از کسی که ولایت را در جامعه موعود در اختیار دارد، تعبیری کامل تر و درست تر از تعبیر «انسان کامل» باشد؛ زیرا اولاً، در ادبیات و فرهنگ اسلامی، معصوم، کسی است که به طور مطلق از محیط ولایت حضرت حق، خارج نمی شود و ثانیاً، ارتباط تنگاتنگی که میان ولایت اصلی حق تعالی و ولایت معصوم وجود دارد، با تعبیر «معصوم»، بهتر منتقل می گردد. معصوم، در لسان روایات، کسی است که ما شاء الله را اراده می کند؛ یعنی همان چیزی را می خواهد که خداوند اراده کرده و مشیت الهی بدان تعلق گرفته است. معصوم، در حقیقت، مفسر مقام عبودیتی است که باطن آن، ولایت می باشد.

بنابراین، جامعه مهدوی، جامعه ای آرمانی است که بر محور «ولی الله اعظم» و امام معصوم و عبد مطلق خدای متعال، شکل می گیرد. به عبارت دیگر، اگر بخواهیم عصر ظهور را در یک جمله خلاصه کنیم، می باید آن را «عصر تجلی عبودیت حق تعالی در گستره جهان» بخوانیم؛ زیرا عبادت امام زمان و ولی اعظم الهی است که محور عبادت در همه هستی است. در روایات نیز، این گونه به این معنا تصریح شده است که «بنا عبد الله و بنا عرف الله»؛ «با ماست که

خدا بندگی می شود و با ماست که خدا شناخته می گردد».

از این روست که گفته می شود عصر ظهور، عصر تجلی ولایت و عبودیت حق تعالی در همه هستی و در همه ابعاد زندگی بشر است؛ زیرا حیات طیبه و عدالت و مانند آن، همه از آثار ولایت حق است که در عصر ظهور، تجلی کامل می یابد و مردم از آثار آن بهره مند می گردند.

در روایات شیعی آمده است که هنگام ظهور حضرت ولی الله اعظم، عالم به حیات طیبه می رسد؛ کفر و نمادها و آثار آن از زمین بر چیده می شود؛ حق، همه جا را فرا می گیرد و نور عدالت بر همه چیز می تابد. البته همه این ها، تجلی همان ولایت و عبودیت حضرت حق است که در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می یابد. این، همان جامعه آرمانی است که همه پیامبران بدان وعده داده اند و انسان در انتظار تحقق آن است.

فطرت، خاستگاه گرایش به جامعه موعود

ناگفته نماند که ریشه و خاستگاه تمایل به این موعود، فطرت بشر است؛ زیرا اگر خدای متعال در فطرت ما میل به جامعه آرمانی را قرار نمی داد، انگیزه ای برای دست یابی به آن ایجاد نمی شد. زمانی، دعوت به موعود و جامعه ی آرمانی می تواند در انسان انگیزه ایجاد کند که در فطرت و ذات آدمی، تمایل و گرایش به آن، وجود داشته باشد. پس، از آن جایی که انسان در فطرت خویش، متمایل به کمال و

دست یابی به جامعه آرمانی است، دعوت به چنین جامعه ای در وی ایجاد انگیزه می کند.

در مسأله توحید نیز این گونه است. از آن جایی که فطرت آدمی متمایل به توحید است، دعوت پیامبران موجب می شود که آدمی به سوی فطرت خویش گرایش یابد؛ از این رو، دعوت پیامبران، در حقیقت، بیدار کردن فطرت هاست.

بنابراین اگر توحید و یا گرایش به جامعه آرمانی و عدالت محور، در ذات و فطرت آدمی وجود نداشت، دعوت پیامبران به نتیجه نمی رسید.

انسان، به طور طبیعی و فطری به سوی کمال گرایش دارد و نسبت به مراحل کمال و قرب الهی، احساس تعلق می کند و همین احساس تعلق، موجب می شود که به آن جامعه آرمانی که پیامبران، وعده آن را داده اند گرایش یابد. بنابراین، یکی از مهم ترین انگیزه-هایی که در نهاد بشر وجود دارد و او را به سوی حرکت در مسیر انبیا و تحمل سختی های جهاد اکبر و جهاد اصغر سوق می دهد، مسأله قرب الهی و دست یابی به آن است که در حقیقت، چیزی جز دست یابی به کمالِ مطلق و رهایی از نقص نیست.

همان گونه که در مسیر تکاملی فردی، تزکیه، مجاهدات، تلاش ها و تحمل سختی ها لازم است، در مسیر دست یابی جامعه بشری به کمال نیز، جهاد باطنی و جهاد ظاهری لازم است تا جوامع، در طی

فرآینـدی، به تکامـل و بلوغ برسـند. از این رو همـان گونه که برای هر پیامبری، دشـمنی بوده است: «وَ کَذلِکَ جَعَلْنا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا» (۱)؛ برای هر جامعه ای نیز، دشمنی بوده و هست که موجبات تضاد و تلاش را فراهم می آورد.

پس، جـامعه ی بشـری برای آن که بتوانـد از مراحل شـرك و مظاهر آن عبور کنـد و به مرحله ی ظهور توحیـد برسـد، نیازمند انگیزه اسـت که این انگیزه، در فطرت وی وجـود دارد.گرایش به جـامعه ی آرمـانی -که در آن، توحیـد کامـل در گسـتره ی جهانِ هستی ظهور می یابد- از گرایشات فطری بشر است.

بدل سازی شیطان از مدل فطری

باید توجه داشت که دسـتگاه شـیطانی، همواره بر همان مفاهیمی دست می گذارد که نزد انسان ها ارزشمند است. دشمن نمی تواند باطل را به مردم تحمیل کند؛ از این رو، باطل را با حق در می آمیزد و به مردم، عرضه می کند.

دسـتگاه شـیطانی، مفـاهیم ارزشـی - ماننـد عبودیت- را که در فطرت انسان است، بر طبق میل خود، تغییر می دهـد و به عنوان اصل، عرضه می کند؛ به جای آزادیِ واقعی، آزادی بی بندوباری و به جای عبودیت در توحید، عبودیت مشـرکانه را بازسازی می کند و به

۱- سوره انعام، آیه ۱۱۲.

مردم تحویل می دهد.

شیطان، در مسأله اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان نیز، همین کار را انجام می دهد؛ یعنی با بهره گیری از گرایش فطری بشر به جامعه آرمانی، از این اعقتاد بدل سازی می کند تا جامعه را به گمراهی بکشاند.

شکی نیست که ظهور منجی آخر الزمان، وعده همه پیامبران بوده است و یکی از میثاق هایی که پیامبران با خدا بسته اند، در رابطه با اعتقاد به جامعه آرمانی و تلاش برای ایجاد آن است. حتی خداوند از پیامبران میثاق گرفته است که نسبت به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - به عنوان شخصی که در آخرالزمان می آید و یک جامعه عدالت محور جهانی را ایجاد می کند- ایمان داشته باشند. اخذ میثاق از آنان، به این معناست که همه آنان و پیروان ایشان می بایست برای یاری چنین شخصی، آمادگی کسب کنند و برای ایجاد آن جامعه آرمانی، تلاش نمایند. این گونه است که همه پیامبران به عنوان تمهید گران و آماده سازان جامعه مهدوی محسوب می شوند.

رجعت کمالی پیامبران و اولیا

همه پیامبران، سنگ بنای جامعه ی آرمانی را -که همانا، توحید است- محکم نموده و برای گسترش آن تلاش کرده اند. هر کدام از آنان به نوبه ی خود، مقدمات ظهور آن حضرت را فراهم کرده اند تا این دولت مهدوی ایجاد شود.

آنان، کمال لایق و شایسته خویش را در ایجاد دولت مهدوی می دانستند؛ چرا که شرایط محیط و جامعه ایشان، اجازه نمی داد تا آنان به کمال شایسته خویش دست یابند. از این روست که مسأله رجعت، مطرح می شود.

در عصر ظهور، پیامبران رجعت می کنند تا تحت ولایت ولیّ اعظم و در جامعه توحیدمحور او، به کمال شایسته خویش، دست یابند. علاوه بر آنان، مؤمنین واقعی نیز منتظر هستند تا در جامعه آرمانی، حیات مجدد یابند و از آن، بهره برند. به همین جهت عصر ظهور، عصر «تحقق کلمه توحید» با محوریت ولیّ حق است و این، همان وعده الهی است که روزی، دین حق تعالی و حضورِ کامل ولّی او در همه هستی، جریان یابد و انسان ها از آن بهره مند گردند.

صف بندی امام حسین علیه السلام در برابر لشگر یزید، اوج درگیری میان کلمه حق و کلمه باطل بود. در یک سو، رفیع ترین مکارم انسانی و اخلاقی ایستاده بود و در سوی دیگر، پست ترین صفات انسانی.

عاشورا، گامی در تحقق جامعه آرمانی

در هیچ کجای تاریخ بشریت، تمام مکارم اخلاقی در برابر تمام رذایل اخلاقی، ظهور پیدا نکرده است؛ بلکه در عاشوراست که ولایت حق، در برابر ولایت شیطان قرار می گیرد تا در یک درگیری بزرگ، حق و باطل از هم جدا شوند.

امام حسین علیه السلام در کربلا، جنگی را مدیریت نمود که با هدف ارتقای

وجدان بشری و پیدایش انگیزه مجدد برای مبارزه علیه باطل، شکل گرفته بود. حادثه عاشورا، هم، جهاد اکبر بود و هم، جهاد اصغر؛ از این رو، در طول تاریخ، محور تهذیب اجتماعی و فردی انسان ها شد.

در حادثه عاشورا، افراد نبودند که در برابر هم قرار گرفتند؛ بلکه امت های حق و باطل به مصاف هم ایستادند. از این روست که در زیارت نامه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، مراحل سیر تاریخ تکاملی بشر، از ابتدا تا عاشورای حسینی، بیان؛ و از آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به گواهی گرفته می شوند. آن گاه این سیر تاریخی از عاشورا تا عصر ظهور بیان می گردد و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان ثارالله و منتقم معرفی می شود.

عاشورا از یک سو، کامل ترین عبادت تاریخی بشر است و از سوی دیگر، کامل ترین شکل تقابلِ حق و باطل. در این جاست که بصیرتی برای ادامه سیر تاریخ بشر، فراهم می آید و جبهه حق با بصیرت و انگیزه کافی برای عبور از مراحل مبارزاتی تا عصر ظهور، تشکیل می شود.

طبیعی است که دشمن نیز به این دو نکته، توجه یافته و نسبت به آن حساس شده است؛ لذا از یک سو می کوشد که عبادت و بصیرت مؤمنین را خدشه دار سازد و از سوی دیگر، در صدد جلوگیری از فرآیند تکاملی جامعه بشری است.

نظام اسلامی ایران نیز از آن جا که با تأسی از مکتب حسینی و امید به تحقق مکتب مهدوی، شکل گرفته و دکترین خود را بر اساس

اصول بنیادین رخداد عظیم عاشورا تنظیم کرده است، به عنوان گامی بلند، در جهت تکامل جامعه بشـری و تحقق وعده جامعه برتر، محسوب می شود.

بنابراین فرهنگ عاشورایی، زمینه ساز سیر تکاملی جامعه بشری به سوی جامعه توحید محور و عدالت گستر مهدوی است.

□□□

اهداف انقلاب حسینی و انقلاب مهدوی

حجت الاسلام و المسلمین سید معزّالدین حسینی

حجت الاسلام و المسلمین سید معزّالدین حسینی (۱)

نقطه پیونـد دو انقلاب حسـینی و مهـدوی را می بایست در اهـداف مشترک آن ها یافت که همانا، سه هـدف عمده «آگاهی»، «آزادی» و «عدالت» هستند.

در حقیقت، تمام انقلاب هایی که بر اساس فطرت شـکل گرفته-انـد، در پی تحقق و رسـیدن به این سه هـدف بوده اند؛ به این معنا که تمامی انقلاب ها در وهله نخست، بر مبنای کسب آگاهی و شناخت حقیقت و نیز وصول و دست یابی به آن شکل می گیرد. در مرتبه دوم، انقلابیون- که غالباً با نظام های طاغوتی رو به رو هسـتند- می کوشـند تا خود را از سلطه کسانی که هیچ گونه حقی در حاکمیت بر انسان ها

۱- استاد حوزه.

و جوامع ندارنـد، رهایی بخشـند و در نهایت، برای تحقق عـدالت در متن جامعه تلاش می کننـد. عـدالت، گمشـده همیشـگی انسانِ آرزومند کمال است که این کمال، به ویژه در حوزه مسایل اجتماعی، خواسته انسان و آرزوی دیرین اوست.

نقطه پیوند انقلاب حسـینی و انقلاب مهدوی را می بایست در این سه مفهوم جست. انقلاب حسـینی به جهت احیای آگاهی و بصـیرت هایی که از سوی خلفای جور، سلب یا منحرف شده بود، به پا شد. عاشورا، تلاشی برای نجات و رهایی امت اسلام از حیرتِ گمراهی و جهلی بود که در طول نیم قرن بـدان دچـار شـده بودنـد؛ چرا که پس از وفـات پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سلم، جامعه، به واسـطه ی کنار گذاشـتن ولایت و عمل نکردن به وصیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، دچار ارتجاع و بازگشت به دوران جهالت خود شده بود؛ همه اعتقادات پیشـین خود را فراموش کرده بود؛ حقایق و محتوای اصـلی اسلام را از یاد برده بود و به جای حق، به باطل گرایش یافته بود.

در این شـرایط بود که امام حسـین علیه السلام، قیام نمود تا ضمن تبیین حق از باطل، حقیقت را زنده و آگاهی جامعه را نسبت به آن تجدید نماید.

دومین هدف قیام حسـینی، آزادی انسان بود. لازم به تذکر است که انسان، دو نوع اسارت دارد: اسارت درون و اسارت بیرون. اسارت درونی انسان، در واقع، حالت سرسپردگی وی در مقابل تمایلات

سیری ناپـذیر نفس است. این اسارت، دو نوع ظهور خواهـد داشت؛ گاه، به صورت اسـتکبار و گاه، به صورت عصـیان و گناه. انسـانی که اسـیر نفس است، انسانی عصـیان گر خواهـد بود و این عصـیان و طغیان، وی را در اجتماع، به انسانی فاسـد تبـدیل خواهد کرد که اگر به قدرتی دست یابد، همه جامعه را به اسارت خواهد کشاند و آزادی مردمان را سـلب خواهد کرد. از این رو می توان گفت که در حقیقت، اسـارت بـاطنی، منشأ و مسـبب اسـارت ظـاهری است و برای رهـایی از اسارت ظاهری، می بایست ابتـدا زمینه های اسارت باطنی را از میان برداشت. قیام امام حسـین علیه السـلام نیز در روز عاشورا، از یک سو به جهت زدودن رذائل اخلاقی و نفسانی از متن جامعه و از سوی دیگر، برای آزادی امت از اسارت حکومت یزید بود.

سومین هـدف قیـام امام حسـین علیه السـلام، که آرمان تمامی پیامبران و امامان عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز محسوب می شود، برقراری عـدالت بوده است. تمامی انبیاء و اوصـیای ایشان، مظهر والای عـدالت بودند و در صورت دست یابی به قدرت، حکومت آنان نیز تجلی و مظهر عدالت خداوند بود. بر همین اساس، امام حسـین علیه السـلام نیز در پی ایجاد حکومتی عدالت محور، قیام کرد.

این سه هـدف، در قیام مهـدوی نیز دخیل خواهنـد بود. از این رو، منتظران حقیقی کسانی انـد که به دنبال تحقق این سه هدف باشـند؛ یعنی در وهله نخست بکوشند تا آگاهی را بر پایه معرفت دینی به درستی، تفسیر و تعبیر کنند. چراکه معرفت و آگاهی واقعی، همان

«معرفت الله» است که ریشه در فطرت الهی دارد. کسی که به معرفت الهی رسیده است، کسی است که جز تحقق اراده حق، خواسته دیگری ندارد.

در قدم دوم نیز می بایست از بندهای اسارت درونی و حاکمیت طاغوت، رهایی یافت؛ زیرا حاکمیت طاغوت، ضدّ حاکمیت حق است. پس، آگاهی می بایست به گونه ای باشد که اولاً به معرفت و شناخت الله، و در نهایت به آزادی از اسارت درونی و بیرونی بیانجامد.

هنگامی که انسان، رنگ خدایی گرفت و از هرگونه شرک، خالص شد، لاجرم، عدالت محور و عدالت خواه می شود. از این رو، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به دنبال تحقق عدالت است. عدالتی که ایشان در جهان ایجاد خواهد کرد، از آن جا که رنگ الهی دارد، عدالتی کامل خواهد بود. او مظهر عدالت و ولایت الهی است و از آن جا که اصولاً ولایت حق در تمام مراتب، بر پایه عدالت است، ولایت مهدوی نیز مفهومی جز عدالت مطلق نخواهد داشت.

در لسان روایات مربوط به آخر الزمان، سخن از عدالتی فراگیر به میان آمده است که در همه جا جاری خواهد شد و جهان را به فرهنگی یگانه-که همانا خداپرستی است- سوق خواهد داد و این، خود، راز رهایی و نجات انسان هاست.

در آن زمان، تمام ظرفیت های انسانی بر پایه توحید آشکار خواهد شد. زمین، همه برکات خویش را ظاهر خواهد کرد و جامعه بشریت

در امور مادی و معنوی، به اوج خواهد رسید.

همه این برکات مادی و معنوی-که به جهت تجلی توحید در همه شئون جامعه بشری به ظهور و وفور خواهد رسید- بر پایه عدالت، توزیع خواهد شد و در سایه آن، نه تنها رفاه و آسایش مادی، که کمال واقعی برای تمامی انسان ها، فراهم خواهد گشت.

در آن عصر، به واسطه سیطره کلمه توحید، معنویات بر مادیات غلبه خواهد یافت و تفکر ماده گرا- که اصالت را به ماده می دهد- کنار زده خواهد شد.

عصر ظهور، عصر تجلی جمال حقیقت هستی در آینه عالم امکان و نورافکنیِ ولی الله اعظم بر تمامی جهانیان است.

در ازل جلوه رویت به تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

مدعی خواست که آید به تماشاگه راز

دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد.

□□□

انتظار و تربیت نیرو

اشاره

انتظار و تربیت نیرو (۱)

حجت الاسلام و المسلمین مهدی طائب

حجت الاسلام و المسلمین مهدی طائب (۲)

در اصل ارتباط عاشورا و انتظار تردیدی نیست؛ چرا که انتظار برای انقلاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نتیجه مسلم عاشورا است. اما بحث در ارتقاء کیفیت این انتظار است. زیرا با گذشت قرن ها انتظار، انقلاب جهانی حضرت، هنوز تحقق نیافته و این مسئله، حکایت از آن دارد که انتظار واقعی، هنوز محقق نشده است.

پس بحث ما بر سر این مطلب است که انتظار واقعی را بشناسیم و آن حالت را در خود ایجاد کنیم تا بتوانیم زمینه های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیش از پیش فراهم آوریم. البته حد نهایی و نیروی لازم برای ظهور، برای ما مجهول است؛ اما بایست به استناد آیه «وَ أَعِدُّوا

۱- این متن، خلاصه سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین طائب در مرکز تخصصی مهدویت است.

۲- استاد حوزه و دانشگاه.

لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّه... (۱)»، نیروهای خود را از جهت کمی و کیفی، ارتقاء بخشیم تا به آن حدّ کافی و لازمِ آمادگی نائل شویم و امام زمان علیه السلام ظهور کنند.

فقهـا دربـاره این مسـئله که آیا در جهاد، اذن امام معصوم، لازم است یا خیر، اختلاف نظر دارنـد؛ اما برای «أَعِـدُّوا» و آمادگی، کسـی از فقهـاء نفرموده که اذن امـام معصوم شـرط است. پس آمادگی را بایـد ایجاد کرد. ولی سوال این جاست که منظور از آمادگی چیست؟ چه چیزهایی در دایره شمول آن قرار می گیرند؟ بالاترین مرتبه آمادگی چیست؟

در ادمه بحث، قصد داریم از این منظر به رابطه عاشورا و انتظار نگاه کنیم.

حرکت امـام حسـین علیه السـلام از مـدینه به مکه و از مکه به سوی عراق و اتفاقـاتی که در طول این فواصل زمانی تا شـهادت ایشـان در روز عـاشورا رخ داد، برای آن نبود که بتواننـد به حکومت برسـند و به عبارت دیگر، به دنبال منافع حکومتی باشـند؛ بلکه هـدف نهائی، چیز دیگری بود. آن هـدف، هـدفی بود که امیرالمؤمنین و امـام حسن علیهمـا السـلام نیز آن را تعقیب می کردنـد. حرکت ابا عبـدالله الحسـین علیه السـلام، در هـدف، با حرکت علی بن ابی طالب علیه السـلام و امام حسن مجتبی علیه السلام، هیچ فرقی نداشت.

۱- «و در برابر آنان، آن چه در قدرت و توان دارید آماده کنید»؛ سوره انفال، آیه ۶۰.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ گاه آغازگر جنگ نبود، بلکه معاویه و سایر گروه های مخالف و معاند، جنگ را آغاز می کردند. معاویه به این دلیل، آتش جنگ را برمی افروخت که می دید نیروهایش در معرض روشن گری های علی علیه السلام قرار گرفته اند و چیزی نمانده است که از جهالت بیرون بیایند و از خواب غفلت بیدار شوند. چنان که در حرکت امام حسین علیه السلام نیز چنین بود. افشاگری و روشن گری آن حضرت، موجب بیداری امت اسلام شده بود و یزید از این واقعه، هراس داشت. به همین دلیل، تصمیم به قتل امام گرفت.

امام حسین علیه السلام، به کسانی نیاز داشت که از جهت تعلیم و تربیت و سطح بصیرت، به جایی رسیده باشند که بتوانند پذیرای او باشند. امروز نیز سطح آمادگی جامعه، باید به این مرحله برسد و رسیدن به این هدف، تنها از راه فعالیت های فرهنگی ممکن است.

حتی حکومت هایی که به زور سر نیزه، قدرت را در دست گرفته اند، لاجرم باید میان مردم، مقبولیت هایی داشته باشند و إلا اگر حکومتی هیچ محبوبیتی نداشته باشد، نمی تواند حیات خود را حفظ کند. چون حکومتی که هیچ گونه مقبولیتی نداشته باشد، ارتش هم نخواهد داشت؛ چرا که نیروی نظامی از مردم تأمین می شود و اگر مردم، حکومت را قبول نداشته باشند به آن، سرباز نخواهند داد.

رضا خان، در ایران تا زمانی حاکم بود که مردم او را می پذیرفتند. چنان که محمدرضا نیز، هنگامی که دیگر مردم او را نخواستند و

ارتش نیز از او سرپیچی کرد، از ایران رفت. این اتفاق، به جهت آن بود که امام خمینی رحمه الله و دیگر بزرگان، برای تغییر فرهنگ مردم، سرمایه گذاری کردند.

اصولاً تنها راه تغییر حکومت، این است که انطباق حاکمیت با فرهنگ مردمش، سلب شود. چرا قدرت بنی امیه، پس از هشام بن عبدالملک رو به افول رفت؟ چون تا آن زمان، خودشان را با فرهنگ عموم مردم، منطبق نگه داشته بودند و تظاهر به فسق نمی کردند. هشام بن عبدالملک، به صورت علنی شراب نمی خورد؛ ولید بن عبدالملک، مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد الاقصی را توسعه داد، مسجد اموی را در دمشق، تعمیر کرد... این ها چون تربیت شده های مدینه بودند، ظاهر را رعایت می کردند. تربیت این ها اسلامی بود، ولو نه اسلام حقیقی؛ اما بالاخره، با نام اسلام حکومت می کردند.

اما از زمانی که حکومت به شام منتقل شد و خلفایی بر سر کار آمدند که در شام تربیت شده بودند، اوضاع تغییر کرد. شام، بهره ای از تربیت اسلامی نبرده بود؛ لذا خلفای تربیت شده شام، علناً تظاهر به فسق می کردند. مثلاً ـ ولید بن یزید بن عبدالملک، می خواست روی کعبه بنشیند و شراب بخورد! از آن زمان، حکومت بنی امیه رو به افول رفت؛ چون انطباق فرهنگی خود را با فرهنگ عامه مردم از دست دادند.

پس اگر امام معصوم نیز بخواهد حکومت را در دست بگیرد، باید ذائقه فرهنگی مردم به گونه ای باشد که او را بپذیرند.

ابا عبدالله الحسین علیه السلام، نیز تنها برای ایجاد و ابلاغ این فرهنگ، حرکت کرد. چنان چه خود فرمود: «... إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِی أُمَّهِ جَدِّی ص أُرِیدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَی عَنِ الْمُنْکَر (۱)...». حرکت امام حسین علیه السلام، مبتنی بر افشاگری بود؛ لذا زمانی که زینب کبری علیها السلام در شهر کوفه و در لباس اسارت، سخنرانی نمود، مردم را به گونه ای از خواب غفلت بیدار نمود که خوف شورش کوفیان می رفت. این کاروان، به هر کجا که پا گذاشت، پرده های غفلت را کنار می زد و جنایات و پلیدی حاکمان را افشا می نمود.

در شام هم وضعیت به همین گونه بود. بزرگ ترین دستاورد عاشورا، در شام به نمایش در آمد. مشهور است که بعد از خطبه حضرت زینب علیها السلام در کاخ یزید، جلسه، آن چنان علیه آن ملعون شد که به ناچار گفت: «خدا لعنت کند ابن مرجانه را. من نگفته بودم با حسین علیه السلام این گونه برخورد کند». هم چنین در حین سخنرانی امام زین العابدین علیه السلام در نماز جمعه شام، وضعیت به گونه ای شد که هرگاه ایشان نام امام حسین علیه السلام را می برد، صدای گریه و ضجه مردم بلند می شد و یزید مجبور شد برای فیصله دادن به آن شرایط، دستور دهد که اذان بگویند.

۱- بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰

وقتی کاروان اسرا به شام رسید، مردم، ناسزا می گفتند و به ایشان سنگ می زدند؛ اما در اثر تبلیغات امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام، هنگام خروج از شام، کاروان سیاه پوش در میان اشک و اندوه شامیان، آن جا را ترک کرد.

آن وضعیت نفس گیر و شرایط اختناق فرهنگی به برکت قیام امام حسین علیه السلام از بین رفت و بعد از حادثه عاشورا، قیام ها و حرکات بسیاری علیه حکومت یزید، رخ داد. عبدالله بن زبیر، فرصت را غنیمت شمرد و با تکیه بر فرهنگ و خواسته مردم و به بهانه گرفتن انتقام اباعبدالله الحسین علیه السلام، حکومت مکه را از دست یزید بیرون آورد. در مدینه، با این عنوان که یزید بعد از شهادت حسین بن علی علیه السلام صلاحیت حکومت ندارد، حادثه حَرّه اتفاق افتاد و ده هزار نفر کشته شدند. شرایط کوفه بحرانی شد. مختار به خون خواهی امام حسین علیه السلام قیام کرد و بسیاری تحولات دیگر از این دست، به تبع عاشورا اتفاق افتاد.

یزید قصد داشت جلوی فرهنگ سازی امام حسین علیه السلام را بگیرد؛ لذا ایشان را میان بیعت کردن و قتال، مخیر کرد. ایشان نیز شعار «هیهات منا الذله» سر داد و از بیعت امتناع کرد. هنگامی که از ایشان، علت این امر سوال شد، فرمود: «وَ عَلَی الْإِسْلَامِ السلام إِذْ قَدْ بُلِیَتِ الْأُمَّهُ بِرَاعٍ مِثْلِ یَزِید (۱)»؛ «در صورتی که شخصی مثل یزید، حاکم

۱- بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۷.

اسلام باشد، باید فاتحه اسلام را خواند»!

امـام با بیعت نکردن خود، اختناقی که جلوی فرهنگ سازی را گرفته بود، از بین برد و زمینه را برای امامان بعـدی باز کرد. آن بزرگواران نیز به تربیت نیرو پرداختنـد، امـا قیـام مجـددی از سوی ایشـان صورت نگرفت؛ چراکه هنوز، زمـان قیام همه جانبه و جهـانی فرا نرسیده بود. اما در دوره امام زمان علیه السـلام، این فرصت پیش خواهـد آمـد و سراسـر جهان، به دست ایشان فتح خواهد شد.

حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حکومتی علوی خواهد بود. مشخصه های این حکومت را می توان در نامه ا ی یافت که امام علی علیه السـلام هنگام انتصاب مالک اشتر به حاکمیت مصـر، به او داد. حضرت در آن نامه، دستوراتی برای ایجـاد یـک جامعه ایـده آل نگاشـته و از مالک خواسـته بود که در مصـر، به آن دسـتورات عمل نمایـد. از آن نامه، دو مطلب استفاده می شود. یکی آن که حضرت، علت شهادت محمد بن ابی بکر را کمبود نیروهای آماده و مؤمن می دانند و به مالک، این نکته را تـذکر می دهنـد که برای بقـای حکومت، بـایست نیروهایی برای خود تربیت کنـد. دومین نکته این نامه نیز، آینـده نگری امـام علی علیه السـلام است تا اگر در آینـده، برای کسـی سؤال شـد که چرا حکومت علی بن ابی طالب علیه السـلام در مصـر قوام نیافت، این نامه را بخوانـد و بفهمـد که امام، به دنبال این نوع از حکومت بود؛ اما کسـی نبود که بتوانـد به آن عمل کند؛ تنها یک نفر بود، آن هم مالک؛ که در بین راه شهید شد.

حضرت در آن نامه به مالك فرموده بود که اگر بخواهد حکومتی علوی ایجاد کند، باید نیروهای مورد نیاز را به اندازه ای که بتوان به کمک آن ها بر مصر حکومت کرد، تربیت نماید. پس این حکومت، اگر منحصر به مصر باشد به تعداد مورد نیاز مصر، باید سرمایه گذاری کرد و نیرو تربیت نمود؛ اما اگر هدف، حکومت بر همه نقاط دنیا باشد، باید به همان مقدار نیز، نیروی تربیت شده داشته باشیم.

عاشورا حرکتی بود که با هدف ایجاد، حفظ و گسترش زمینه های تربیت نیرو برای قیام جهانی امام زمان علیه السلام، صورت گرفت. عاشورا زمینه تغییر فرهنگ را ایجاد کرد و کار را تا به این جا رساند. اکنون نوبت ماست تا به وسیله فرهنگ عاشورا و انتظار، نیروی مورد نیاز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را تربیت کنیم.

□□□

تفسیر ارگانیک

اشاره

تفسیر ارگانیک (۱) از عاشورا و غیبت

دکتر سیدرضی موسوی گیلانی

دکتر سیدرضی موسوی گیلانی (۲)

مقدمه

تفسیر دقیق و درست از رخدادهای تاریخی، یکی از دشوارترین عرصه ها در علم تاریخ تلقی می شود؛ چرا که فاصله زمانی حوادث گذشته و هم چنین، دور از دسترس بودن حوادث بی بدیل و تکرارناپذیر، علم تاریخ را از جمله علوم و معارف ظنّی قرار داده است؛ به طوری که به اقرار فیلسوفان تاریخ، در تحلیل و تبیین تاریخی، تنها می توان بنا به حساب احتمالات، از قوّت یک تحلیل، کاست و به قوّت تحلیلی دیگر، اضافه نمود؛ اما هیچ گاه نمی توان در تجزیه و تحلیل حوادث تاریخی، به مانند گزاره های علوم تجربی، به یک نظر قطعی و یقینی رسید.

۱- تفسیر ارگانیک از یک پدیده تاریخی، بررسی ارتباط اندام وار آن با دیگر رخدادهای تاریخی است؛ به گونه ای که ارتباط و پیوستگی منسجم آن ها با یکدیگر، مشخص گردد.

۲- استاد حوزه و دانشگاه.

با توجه به دشواری و سختی قضاوت های تاریخی، یکی از شیوه هایی که در تحلیل حوادث تاریخی می تواند تا حد زیادی ما را به حقانیت و تبیین درست یک رخداد، رهنمون شود، تفسیر ارگانیک و پیکره وار از کل تاریخ یک دین، تمدن و یا حادثه است؛ چرا که با کمک گرفتن از اجزا و عناصر یک مجموعه تاریخی، می توان به قضاوتی منصفانه و عادلانه دست یافت.

به نظر می رسد، همان طور که برخی از زبان شناسان برای فهم مقصود و منظور گوینده، با استفاده از روش «سمانتیک» (۱) یا «معنا شناسی»، علاوه بر الفاظ، کلمات و قواعد زبانی و نحوی، به دنبال دلالت تصدیقی یک گزاره نیز هستند؛ ما نیز در حیطه علم تاریخ و برای فهم رخدادهای تاریخی، علاوه بر تحلیل و تبیین یک رخداد، نیازمند دست یابی به جهان بینی، انگیزه ها و عواملی هستیم که در بروز و تحقق یک رخداد، نقش مؤثر ایفا می کنند. چرا که بسیاری از وقایع تاریخی، دارای ریشه ها و الگوهای اعتقادی و فکری دیرینه ای هستند که پس از گذشت سال های بسیار، بر وقوع آنان اثر گذارده اند. بنابراین در بررسی رخدادهای تاریخی، باید یک واقعه را در ضمن دیگر وقایع تاریخی سنجید و مورد مطالعه قرار داد.

۱- semantics

تفسیر پیکره وار از تاریخ اسلام

با نگاهی دقیق به آثار کلامی و تاریخی شیعی، در می یابیم که به اقرار تمامی پژوهش گران و مورخان تاریخ اسلام، پاره ای از رخدادهای مهم در شکل گیری تاریخ شیعه و جریانات مرتبط به آن، سهم بسزایی داشته اند؛ به طوری که هر یک از این حوادث، زمینه تحقق و وقوع رخدادهای بعدی محسوب می شوند. به همین جهت، در بررسی یک رخداد یا پدیده مهم دینی یا اجتماعی، نمی توان تنها به تفسیر تحلیلی آن واقعه، بسنده نمود؛ بلکه گاه برای تبیین دقیق یک رخداد، باید به روند ارگانیک، پیوسته و خطّی آن رخداد با دیگر حوادث مربوط به آن نیز، توجه ویژه نمود.

به نظر می رسد، تحلیل پاره ای از عناصر تاریخی، زمانی امکان-پذیر است که به شرایط زمانی و مکانیِ پیش از آن، اشراف و توجه داشته باشیم و در واقع، یک رخداد را در متن و بستر دیگر واقعه-های تاریخی و اجتماعی، بررسی کنیم. تفسیر ارگانیک گواهی می-دهد که گاه، وقوع یک رخداد بر شکل گیری رخدادهای چند قرن بعد، اثری ژرف و عمیق می گذارد. به همین دلیل، پاره ای از فیلسوفان معاصر، معتقدند که می بایست تاریخ را به صورت اندام وار و هم چون یک پیکره زنده، بررسی کرد؛ چرا که تمامی اعضا و عناصر پدیده های تاریخی، در ارتباط با هم هستند و با یک دیگر، احساس هم دردی دارند؛ لذا برای فهم رخدادهای تاریخی نیز، ناگزیر، باید احساس

تفاهم، هم دردی و هم زبانی را در بررسی ها دخیل نمود.

تفسیر ارگانیک از تاریخ که به منظور تبیین صحیح رخدادهای بزرگ تاریخ و کمک گرفتن از حوادث گذشته در تحلیل حادثه های بعدی صورت می گیرد، هم چون روش تفسیری «قرآن به قرآن» است که روش تفسیری برخی از مفسران- هم چون علامه طباطبایی- بوده و هست. یعنی همان طور که بعضی از آیات قرآن از جنبه زبان شناسی و معنا شناسی، در تفسیر آیاتی دیگر، سهم بسزایی دارند، در تحلیل تاریخ نیز می توان بررسی بعضی از حوادث را مبنای تحلیل حوادث بعدی قرار داد؛ چرا که هیچ رخداد تاریخی نمی تواند منفک و جدا از گذشته خود، که در حقیقت، بستر تکاملی آن بوده اند، به وقوع بپیوندد.

نمونه هایی از حوادث تاثیرگذار بر روند تاریخی

برای بیان ارتباط ارگانیک و اندام وار تاریخ در اسلام و این که چگونه یک حادثه تاریخی در ارتباط با دیگر حوادث تاریخی معنا می یابد، می توان به نمونه های زیادی اشاره نمود. به عنوان مثال، واقعه سقیفه که پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بر سر جانشینی و خلافت ایشان، رخ داد، بر تمامی حوادث بعدی تاریخ اسلام، اثر گذارد و موجب گردید وارسته ترین انسان ها- هم چون علی بن ابی طالب علیه السلام - کنار زده شوند و بنی امیه -که اجدادشان سرسخت ترین مخالفان اسلام، تلقی می شدند- بر مسند خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بنشینند.

بر خلاف سخن افرادی هم چون «احمد امین» که می گوید:

«سرانجام، امام علی علیه السلام به خلافت رسید، اما هیچ تغییری در وضعیت مسلمانان به وجود نیامد»، باید گفت زمانی امام علی علیه السلام به خلافت رسید که انحرافات اجتماعی و دولتی، هم چون غده ای سرطانی، جامعه اسلامی را چنان به تباهی نزدیک کرده بود که امام علی علیه السلام مجبور شد پس از به خلافت رسیدن، بیشترین تلاش خود را صرف ریشه کن سازی و درمان این غده سرطانی کند.

در تاریخ آمده است، روزی یکی از اصحاب زید بن علی علیه السلام از وی در باره حقانیت یا عدم حقانیت خلافت پرسید و او در پاسخ به آن فرد سکوت کرد؛ اما بعدها، هنگامی که در حین جنگ، تیری به او خورد و خون از پیشانی اش جاری گشت، به آن صحابی رو کرد و گفت: «در پاسخ به سؤالی که پیش از این پرسیده بودی، باید بگویم که اگر سقیفه به پا نمی شد، امروز این خون، جاری نمی گشت». در واقع، این پاسخ زید بن علی علیه السلام، نمونه دیگری از ارتباط ارگانیک و پیوستگی رخدادهای تاریخی و حوادث روزگار است.

جریان سقیفه، بر حوادث آینده تاریخ اسلام اثر گذارد و بیشترین آسیب و خسارت را بر روند شکل گیری جامعه ایده آل اسلامی وارد کرد. انحراف مسأله جانشینی و خلافت، منزوی شدن امام علی علیه السلام، رخداد عاشورا، تقیه امامان شیعه و غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه از نتایج واقعه سقیفه تلقی می گردد؛ اگر چه هر یک از این حوادث، به نوبه خود، بر حادثه بعدی، اثری ژرف نهاد.

شاید بهترین گواه بر این ارتباط تاریخی، سخنی باشد که یزید به هنگام دیدن سر بریده سید الشهداء علیه السلام بیان نمود. وی ضمن یک بیت شعر، اظهار داشت که توانسته است انتقام اجداد خود- هم چون ابوسفیان که در جنگ با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شکست خورده بود- را بگیرد. هم چنین نقل کرده اند، آنگاه که سر شهداء را به دربار یزید آوردند، صدای کلاغ ها بلند شد و از آن جا که در فرهنگ عرب، صدای کلاغ، سمبل شومی و بدیُمنی است، یزید گفت:

«نعب الغراب، فقلت قل او لاتقلفقد اقتضیت من الرسول دیونی»؛

«کلاغ ها قارقار کردند، اما من می گویم سر و صدای شما دیگر فرقی ندارد؛ زیرا امروز، من، انتقام خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گرفتم».

این سخن، خود، دلیلی بر این حقیقت است که رخدادها در چیدمان تاریخی، تأثیر علّی و معلولی دارند.

از دیگر نمونه ها در اثبات ارتباط ارگانیکی رخدادهای تاریخی، می توان به حوادث زمان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام اشاره نمود؛ چرا که یکی از دلایل عدم بیعت امام حسین علیه السلام با حکومت یزید، این بود که ایشان، عدم وفاداری حکومت اموی به بیعت و اصول انسانی را در قبال برادر خود، امام حسن علیه السلام، مشاهده کرده بود و می دانست که امویان، قابل اعتماد و وفادار به بیعت و مذاکره نیستند.

مؤلفه های بنیادین تاریخ اسلام

حال، بنا بر همین منطق، اگر گفته شود که روند خطّی و ارگانیک

تاریخ شیعه از کدام رخداد و واقعه مهم تاریخی تأثیر پذیرفته است، بی تردید می توان به چهار حادثه مهم «بعثت»، «غدیر»، «عاشورا» و«غیبت» اشاره نمود که واقعه پنجمی به نام «تشکیل حکومت جهانی» را نیز باید از جهت قطعیت تحقق آن در فرهنگ اسلامی، به آن افزود. حادثه نخست، یعنی بعثت پیامبر، بر تأسیس و ظهور اسلام، و سه حادثه غدیر، عاشورا و غیبت، به روند تاریخی این دین اشاره می نمایند و واقعه پنجم، یعنی حکومت جهانی مهدوی نیز، به عنوان آینده این تاریخ، به آن ملحق می گردد. این مؤلفه، یعنی اعتقاد به تشکیل حکومت جهانی و یا به تعبیر دیگر ادیان، منجی گرایی، سرانجامِ نیکوی تاریخ ادیان تلقی می گردد که در آموزه های دینی به عنوان سنت قطعی الهی و به منزله فصل الخطاب تاریخ، مطرح می شود. به تعبیر برخی از دین پژوهان، مسأله ظهور منجی، تجلی باطن تمامی ادیان ابراهیمی و نتیجه منطقی ارسال همه رسولان، تلقی می گردد که با تحقق آن، تمامی ادیان به سرانجام شکوه مند و هدف غائی خود می رسند. به تعبیر «هانری کربن» (۱): «ظهور امام دوازدهم که در پایان عصر ما روی خواهد داد، کلیه مکنونات و منزلات الهی را آشکار خواهد کرد (۲)».

۱- Henri Corbin

۲- تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه اسدالله مبشر، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ سوم، س ۱۳۶۱، ص ۱۷.

هر یک از حوادث چهارگانه ای که ذکر شد، نتیجه منطقی شرایط و موقعیت هایی است که حوادث قبلی، آن را دامن زده اند. در حقیقت، به جهت آن که پس از واقعه بعثت و غدیر، حرکت خطی اسلام، دچار وقفه و بحران تاریخی شد، وقوع رخدادهایی هم چون عاشورا و غیبت، نتیجه تراژیک و غم ناک، اما ناگزیر این دورافتادگی از سنت منصوص نبوی بود. به عبارت دیگر، واقعه بعثت و غدیر از جمله سنت های جاویدان الهی برای تحقق آرمان و اهداف اسلام در جامعه و تاریخ بود؛ اما به جهت انحراف و دورافتادگی از این آرمان ها، رخدادهایی به وقوع پیوست که به نوعی، نتیجه ابتذال حکومتی و انحراف دینی شمرده می شود. حادثه عاشورا و غیبت، هیچ گاه مطلوب و مورد رضایت خداوند نبوده، بلکه عواملی هم چون انحرافات اجتماعی، قدرت طلبی و ابلیس زدگیِ جوامع دینی ، موجب تحقق آن دو حادثه شد.

البته این نکته قابل تذکر است که در مباحث متکلّمین امامیه، تنها سه مؤلفه بعثت، غدیر و حکومت جهانی، زیر ساخت های تاریخی شیعی را تشکیل می دهند که از این سه مؤلفه، دو مؤلفه بعثت و غدیر، پیش از این، در عالم خارج تحقق یافته اند و حکومت جهانی، رخدادی است که فراروی جوامع اسلامی قرار دارد و هنوز به وقوع نپیوسته است.

بنابراین، در تفسیر تاریخی اسلام، پنج مؤلفه و در تفسیر کلامی، سه مؤلفه مطرح است که در این میان، حکومت جهانی یا عصر ظهور،

عنصر مشترک هر دوی آن هاست که سرانجام تحقق خواهد یافت.

پس می توان ادعاکرد که حرکت تاریخ از دیدگاه اسلام، حرکتی خطّی و رو به پیشرفت است، نه حرکتی دوری یا حلزونی؛ چنان چه برخی از فیلسوفان تاریخ، به آن اعتقاد دارند.

هر چند که در تاریخ اسلام، رخدادهایی همچون عاشورا یا غیبت امام مهدی علیه السلام به وقوع پیوسته است و بعضی از دشمنان گمان نموده اند که با حذف ظاهری پیشوایان اسلام، جنبش اسلامی نابود خواهد شد؛ اما حق طلبی اسلامی، پیوسته، رو به پیشرفت و صعود بوده است و این جنبش، هر چند که در پاره ای از برهه های تاریخی به حداقل رسیده، اما از حرکت بازنمانده و سرانجام به حکومت مهدوی، متصل خواهد گردید. پس می توان نتیجه گرفت که حرکتِ پیکره وار اسلامی، در نهایت، به غایت بزرگی دست خواهد یافت که نتیجه منطقی رخدادها و سخت کوشی های پیشوایان این مکتب است.

محوریت واقعه عاشورا در تاریخ شیعه

انسان، همواره،در ارتباط با عوامل پیرامون خویش است و معمولاً از حمایت های دیگران بهره مند می شود؛ اما گاه، پاره ای از عناصر پیرامونی، از حمایت خود دست می کشند. مثلاً ممکن است انسان از حمایت خانواده و دوستان یا حاکمان سیاسی، محروم شود. اما اوج سختی و فشار، زمانی است که انسان، همه حامیان خود را از دست بدهد و بلکه از جانب اطرافیان، نفی و طرد شود.

امام حسـین علیه السـلام از جمله کسانی بود که در روز عاشورا، نه تنها پس از کشـته شدن دوسـتان و برادران خویش، در اوج تنهـایی قرار گرفت و هرگونه حـامی را از دست داد، بلکه توسـط دشـمنان، شدیـداً نفی شـد. در واقع، رخـدادی که برای امـام حسـین علیه السـلام پیش آمـد، از این منظر، رخـدادی بی نظیر است که شایـد هیـچ گاه در طول تاریـخ، برای کس دیگری به وقوع نپیوندد.

امویان- که واقعه عاشورا را به راه انداختند- نه تنها به دنبال سرکوب مخالفی هم چون امام حسین علیه السلام بودند، بلکه در صدد خشـکاندن ریشه های مخالفت علوی و شـیعی بودند؛ به طوری که علویان دیگر نتوانند انسجام خود را برای قیامی دیگر، کسب کننـد. در واقع، امویان تصور می نمودند که بعد از واقعه عاشورا، تکلیف شـیعه را یک سـره نموده اند و برای همیشه از مخالفت آنان، در امان خواهند بود؛ زیرا با کشـته شدن تمامی مردان لشـگر امام حسـین علیه السلام - که وفادارترین اشخاص، نسـبت به تفکر شیعی بودند- این گمان، قوت می یافت که پس از این واقعه، هیچ مخالفت جدی در عرصه سیاسی و اجتماعی باقی نمانده نباشد؛ اما تقدیر بر این تعلق گرفته بود که اندیشه و تفکر شیعی، چونان آتش زیر خاکستر، روشن بماند تا در طول زمان، شعله ور شود و جریان بزرگی را در طول تاریخ به وجود آورد.

البته این نکته را نیز نمی توان نادیده گرفت که شیعیان، تا قرن ها

پس از واقعه عاشورا در جوّی خفقان آمیز و پرتقیه به سر می بردند. به طوری که «حمید عنایت»، دو مفهوم «شهادت» و «تقیه» را گره خورده با فرهنگ و زندگی شیعه می داند و معتقد است که نخستین مفهوم، یعنی شهادت، به یادگار مانده از فرهنگ عاشورا و دومین مفهوم، یعنی تقیه، یادگار دوره خفقان بار و سلطه جویانه بنی عباس است. (۱)

با این حال و با وجود آن که تجربه تاریخی نشان داده است که بسیاری از قیام ها و نهضت ها، پس از کشته شدن رهبرانشان، نتوانسته اند پایدار بماند و به حرکت خود ادامه دهند؛ افشاگری یک انسان بیمار، هم چون امام سجاد علیه السلام و یک زن رنجور و آزرده خاطر، هم چون حضرت زینب علیه السلام، به شکل گیری مجدد جریان شیعه و دمیدن حیاتی دوباره، در آن انجامید.

آری! همان طور که خداوند فرموده است: «کَذلِکَ یَضْرِبُ اللّهُ الْحَقَّ وَ الْباطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَیَذْهَبُ جُفاءً وَ أَمَّا ما یَنْفَعُ النّاسَ فَیَمْکُثُ فِی الْأَرْض (۲)»، باطل، به مانند کفِ روی آب است که خیلی زود، زوال می یابد؛ اما آن چه که خیر مردم در آن است، پایدار خواهد ماند. از

۱- اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت و دیگران، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ دوم، س ۱۳۶۵، ص ۲۸۰.

۲- «خدا برای حق و باطل مثل می زند که [باطل، چون] کف [روی آب] به زودی نابود می شود و اما [حق، چون] چیزی که خیر و منفعت مردم است، در زمین می ماند». سوره رعد، آیه ۱۷.

این رو، فرزندان امام حسین علیه السلام که از جمله رادمردان و دانش آموختگان نهضت حسینی بودند، یکی پس از دیگری، در پیچ و خم تاریخ، پرچم هدایت را به دوش کشیدند و در کوران های سخت روزگار اموی و عباسی، حقیقت محمدی و حسینی را زنده نگاه داشتند؛ به طوری که تاریخ گواهی می دهد که «الإسلامُ مُحمديٌ الوُجودِ و حُسینیٌ البَقاءِ»؛ «اسلام به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تأسیس شد اما به وسیله امام حسین علیه السلام، دوام یافت».

سرانجام، این قیام و جنبش های بعدی آن، منتهی به جریان بزرگِ «اعتقاد به حکومت جهانی مهدوی» شد که در حقیقت، از دل واقعه عاشورا برخاسته بود. این جریان که با فرهنگ عاشورا، هم سویی داشت، با تکیه بر روایات متواتر و پیش گویی های نبوی و نوید های دیگر پیشوایان فریقین، در باره تشکیل حکومت جهانی به وسیله یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام، در تاریخ شیعی شکل گرفت و در کنار عاشورا، بزرگ ترین اثر را در تفکر اسلامی به جای گذارد.

تفسیر خطی از تاریخ

در باره آینده تاریخ و حرکت جوامع، نگرش های متفاوتی ارائه گردیده است. برخی از اندیشمندان و فیلسوفان تاریخ، در باره آیند ه تاریخ، معتقد به حرکت دوری هستند؛ یعنی بر این باورند که تمدن ها، دارای نقاط اوج و زوال هستند؛ گاه به مرحله اوج می رسند و گاه، پس از یک دوره حرکت، رو به زوال و افول می روند. معتقدان

به این نظریه، این حرکت چرخشی و دوری را برای جوامع، همیشگی و مستمر می دانند و معتقدند که این حرکت، برای همه تمدن ها، به وجود خواهد آمد. ابن خلدون از جمله افرادی است که به این فرضیه، باور دارد. وی معتقد است که پیش رفت و پس رفت ها، مرتب تکرار می شوند. بنا بر این تفکر، تاریخ، هیچ گاه یک حرکت مستقیم و رو به جلو را تجربه نمی کند. (۱)

از دیگر آراء فلسفه تاریخ، حرکت حلزونی و مارپیچی تاریخ و جوامع می باشد. بنابراین تفکر، جوامع، گاه به سوی جلو حرکت می-کنند و گاه به سوی عقب؛ اما در هنگام زوال و عقب گرد، هیچ گاه به نقطه آغازِ خود نمی رسند؛ بلکه حرکت تاریخ در هنگام انحطاط نیز مرحله ای بالاتر از نقطه صفر است و به جایی برمی گردد که قدری جلوتر از نقطه آغازِ پیشین است. در واقع، بنا بر این تفکر- و بر خلاف نگرش آنانی که قائل به نظریه اَدواری هستند- هر چند که تاریخ، حرکت رو به جلو و رو به عقب دارد، اما در مجموع، مقداری پیشرفت و حرکت رو به تکامل را نیز تجربه می کند. این نظریه، مورد توجه و قبول عده ای از فیلسوفان تاریخ هم چون «ویکو» می-باشد. (۲)

هم چنین، پاره ای از اندیشمندان و فیلسوفان تاریخ، همچون

۱- فلسفه تاریخ، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، س ۱۳۶۹، ص ۲۰.

۲- فلسفه تاریخ، پل ادوارد، ترجمه بهزاد سالکی؛ به نقل از مقاله «فلسفه تاریخ»، تألیف و. ه. دری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۲.

«اشپنگلر» (۱)، معتقد به فقدان نظم در تاریخ هستند. کسانی که قائل به این نگرش منفی هستند، بر این باورند که فرهنگ ها به طور تصادفی و بدون ارتباط با یک دیگر، رشد می یابند. از این رو، حرکت جوامع و فرهنگ ها را به رشد نامنظم گل های یک باغ، تشبیه می کنند. اشپنگلر، سرنوشت تمدن ها را هم چون سرنوشت گیاهان می داند که دارای حیات و مرگ مستمر هستند. (۲)

در این میان، عده ای دیگر نیز هستند که حرکت تاریخ، تمدن ها و فرهنگ ها را حرکتی خطی و رو به پیشرفت می دانند. افرادی هم چون «هگل» (۳) و «توین بی» (۴) از این دست هستند. توین بی، از جمله کسانی است که معتقد است حرکت تاریخ، در نهایت، به جایی می رسد که بینش دینی، آن را معرفی می کند. افکار او در زمینه نجات و رستگاری تاریخ، بسیار نزدیک به تفکر ادیان درباره مسئله سرانجام تاریخ است. (۵)

۱- O. Spengler

۲- فلسفه تاریخ، پل ادوارد، ترجمه بهزاد سالکی؛ به نقل از مقاله «فلسفه تاریخ»، تألیف و. ه. دری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۴ (به نظر اشپنگلر، اگر به تاریخ با شیوه ای منضبط و عینی نگاه کنیم، خواهیم دید که چیزی است بدون محور یا نقطه ارجاع غائی و تاریخ، داستان شمار نامحدودی از تشکل های فرهنگی است که اروپای غربی تنها یکی از آن هاست که با همان بی هدفی گل های باغچه رشد می کنند. او عقیده دارد که دستاوردهای چنین فرهنگ هایی تنها عنصر معناداری است که در سیر تاریخ، می توان یافت. آن ها مجموعه هایی از معناهای بی ارتباط در گستره حیات بشری هستند که اغلب، بی تاریخ اند).

۳- Friedrich Hegel.

۴- Arnold Toynbee.

۵- فلسفه تاریخ، پل ادوارد، ترجمه بهزاد سالکی؛ به نقل از مقاله «فلسفه تاریخ»، تألیف و. ه. دری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۲.

از جملـه نظراتی که معتقـد به حرکت خطی و رو به پیشرفت تاریـخ و جهـان است، نگرش پیروان ادیـان و معتقـدین به مسأله منجی آخرالزمـانی است. ادیـان، سرانجام تاریـخ را نیکو می داننـد و بر این بـاور هسـتند که جوامع به سوی زنـدگی آباد، هم زیستی مسـالمت آمیز و حیـاتی مملو از صـلح و آرامش، در حـال حرکت هسـتند. در واقع، اعتقـاد به مصـلح جهـانی و جـامعه مهـدوی، اعتقـاد به جـامعه ای شـکوفا، پیشـرفته و در حـال رشـد است که همه انسـان ها در آن، به اوج شـکوفایی، عقلانیت و اصلاح نفس می رسند و طبیعی است که جامعه چنین انسان هایی، آباد و اصلاح شده خواهد بود.

تفسیر ارگانیک از عاشورا و مهدویت

طبق آن چه که از تحلیل پیوسـته و منسـجم تاریخ شیعه ارائه شد، مشخص گردید که تاریخ امامت از غدیر آغاز شده، با حادثه عـاشورا در آمیخته و تا عصـر ولادت امام مهـدی علیه السـلام، ادامه یافته و پس از آن نیز در قالب دوران غیبت، به حیات خود ادامه داده است. به همین جهت، این تلقی در میان شـیعیان وجود دارد که ظهور امام عصـر علیه السـلام، تفسـیر دوباره و نوعی انتقام خواهی از واقعه عاشورا و تبیین دیگری از جریان حق است. در واقع، در مبانی کلامی شـیعه، همان طور که واقعه عاشورا از عوامل تاریخی رخداد غیبت است، عصـر ظهور نیز تفسـیر دوباره عاشورا و بازگشت به اهداف امام حسین علیه السلام، تلقی می شود و به عبارت دیگر، قیام امام مهدی علیه السلام، حامل همان پیام هایی خواهد بود که قیام

امـام حسـین علیه السـلام در روز عـاشورا به همراه داشت؛ زیرا رویـارویی مجـدد جریان حق و باطل، در واقع، بازخوانی دوباره یک حقیقت تکثر یافته است.

رگ رگ است این آب شیرین و آب شوردر خلایق می رود تا نفخ صور

به همین جهت، در این فراز زیارت عاشورا، خون خواهی سـید الشـهداء به امام مهدی علیه السلام نسبت داده شده است: «و أنْ یَرزُقَنی طَلَبَ ثارِکُم مَعَ إمامٍ مهدیٍّ ظاهرٍ ناطقٍ بِالحَقِّ مِنکُم».

از این رو می توان در یـک نگـاه ارگانیـک و انـدام وار، عـاشورا و انتظـار را دو عنصـری دانست که بـا یک دیگر قابل تفسـیر هسـتند و نمی توان آن دو را از هم تفکیک نمود. به همین جهت از امام باقر علیه السلام نقل شده است که در روز عاشورا این چنین گفته شود: «اعظم الله أجورنـا بمصابنـا بالحسـین علیه السـلام و جعلنا و إیاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهـدی من آل محمد صلی الله علیه و آله» (۱)این سـخن، بیانگر آن است که حرکت امام مهدی علیه السلام،ادامه حرکت امام حسین علیه السـلام محسوب می شود؛ به طوری که بودن در کنار امام مهـدی علیه السـلام، به منزله بودن در کنار امام حسـین علیه السـلام تلقی شده است. بنا بر این، در تفسیری خطی و منسجم می توان گفت که عاشورا و غیبت، دو جزء از پیکره تاریخ

۱- مصباح المجتهد، محمد بن الحسن الطوسی، تصحیح شیخ حسن الاعلمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، لبنان، ص ۵۳۸.

شیعه هستند که وقوع نخستین رویداد، موجب تحقق رویداد دوم شده است و همانطور که عاشورا نتیجه منطقی سقیفه تلقی می گردد، غیبت امام عصر علیه السلام نیز نتیجه منطقی عاشورا است.

فرهنگ عاشورا و فرهنگ مهدویت

با توجه به جایگاه خاص و مشترک فرهنگ عاشورا و فرهنگ مهدوی که از جهت وجودی و اعتقادی، با یک دیگر تعامل و ارتباط تنگاتنگ دارند، می توان گفت که این دو مؤلفه، تأثیرات ژرفی در جوامع شیعی به جای گذارده اند؛ به طوری که پاره ای از متفکران معتقدند که هویت شیعه به وسیله این دو عنصر اعتقادی شکل گرفته است.

از جمله اندیشمندان برجسته ای که در بیان عناصر تفکر شیعه، به این دو مؤلفه توجه دارد، اندیشمند مسلمان، «حامد الگار» است. وی که از تئوری پردازان انقلاب اسلامی است، معتقد است که این انقلاب، ریشه در سنت های فکری شیعه دارد. آن گاه زیر ساخت های اندیشه شیعی را تحت سه مؤلفه «غیبت»، «فقدان قدرت سیاسی مشروع» و «نفی قدرت حاکم، بر اساس اندیشه شهادت» بر می شمرد.

وی، موضوع غیبت امام مهدی علیه السلام را دائمی ترین عنصر تاریخ اندیشه شیعی می داند که مرتبط با فقدان مشروعیت هرگونه قدرت سیاسی در عصر غیبت است. از نظر او، انقلاب اسلامی، تحت تأثیر اندیشه امامت و مهدویت است؛ به طوری که شیعه با الهام از مفهوم شهادت-

که آن را وامدار واقعه عاشورا و جان باختگی حضرت سید الشهداء علیه السلام است- توانسته است در طول تاریخ و به ویژه در انقلاب اسلامی، به اهداف خود برسد.

در واقع، او تحلیلی ارگانیک و پیکره وار از انقلاب اسلامی ایران ارائه می دهد و معتقد است که انقلاب ایران، ریشه در تاریخ فکری شیعه و مبانی مذهبی دارد. به همین جهت، وی، امام خمینی رحمه الله را نماد یک سنت دیرینه می داند که در این دوره، موفق به تحقق انقلابی دینی در ایران شده است.

تاریخ جوامع شیعی، خود، حاکی از این حقیقت است که بیشترین کارکرد دین در تاریخ، متعلق به دل دادگی ها و توجهاتی است که توده مردم به فرهنگ عاشورا و فرهنگ مهدوی داشته اند؛ هر چند که در مقطعی از گذشته نه چندان دور، یک نوع گسستی را میان این دو مقوله مشاهده می کنیم؛ اما آن چه مسلم است، جایگاه ویژه ای است که عاشورا و مهدویت، همواره در مبانی نظری و اعتقادی شیعی داشته اند؛ به طوری که در پژوهش های نظری عالمان دینی، التفات به این دو مسأله- به ویژه در حوزه اختیار و قدرت مطلقه امام مهدی علیه السلام - پیوسته، مورد توجه بوده است. اگرچه این مسئله را نیز نمی توان نادیده گرفت که در برهه-هایی از زمان، تلاشی بر فرهنگ سازی مهدوی، صورت نپذیرفته است.

اما در عصر کنونی، نه تنها نیاز به این فرهنگ، شدیداً احساس

می شـود؛ بلکـه بـا تـوجه به آسـیب شناسـی مسائـل مهـدوی و آفت–هـای موجـود در پیرامـون آن، ترویـج بررسـی عقلانـی و خردمندانه مسأله، موضوعی بسیار پر اهمیت است؛ چرا که در سال های اخیر، به دنبال برخوردهای سطحی و قشری با موضوع مهـدویت، انحرافاتی در این موضوع، پدید آمده است. به طور مثال، همان طور که نگاه عقل گریزانه حنبلی ها به دین، موجب شکل گیری فرقه وهابیت در اهل سـنت شـد، اخباری گری و عقل گریزی شـیخیه نیز موجب شـکل گیری فرقه بابیت و بهائیت گردید (۱) و جریانـات انحرافی را در حـوزه مسائـل مهـدوی، دامـن زد. از ایـن رو، تـوجه بـه کارکردهـای عقلانـی در مسأله مهدویت، از جمله اموری است که باید محور مهدویت پژوهیِ عصر حاضر، قرار گیرد.

۱– ر. ک به: قلب اسـلام، سـید حسـین نصـر، ترجمه مصـطفی شهرآئینی، انتشارات حقیقت، تهران، س ۱۳۸۳، ص ۱۰۴. (سید حسین نصر از جمله کسانی است که معتقد است توجه به رویکرد غیر عقلانی و خردستیزانه فرقه شیخیه و گرایش شدید باطنی و پارسا منشانه به دین و هم چنین احترام زیاد و افراطی به ائمه علیهم السـلام، زمینه تأثیرپذیری فرقه بابیه از نهضت شـیخیه شده است؛ به طوری که او این جنبه خردستیزی را عامل پیـدایش جریان بابیه می دانـد. در واقع، نصـر، خرد ستیزی را عامل و زمینه ساز رشد جریانات انحرافی مبتنی بر باطن گرایی و احساس گراییِ دینی می داند).

دو قیام حق طلبانه

حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر

حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر(۱)

در فرهنگ پر افتخار شیعه، دو قیام و نهضت، جایگاه ویژه و برجسته ای دارند: یکی، «حماسه جاودانه حسینی» است که در گذشته روی داده و دیگری «انقلاب جهانی مهدوی» است که در آینده تحقق خواهد یافت. رهبر هر دو قیام، امام معصوم و از خاندان مطهّر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است.

«واقعه عاشورا» سر آغاز حیات، پویایی و بالندگی شیعه و «ظهور موعود»، نقطه اوج رشد، کمال و سعادت شیعه (و همه یکتاپرستان و صالحان) است. بین این دو نهضت، پیوند و ارتباطی وثیق و ناگسستنی وجود دارد و هر دو در امتداد هم و تکمیل کننده یک دیگرند. مهم ترین جلوه هر دو قیام، بروز و ظهور کامل «حق» و

۱- محقق و پژوهشگر عرصه مهدویت.

تشکیل جبهه «حق» در برابر گروه «باطل» است.

از نظر شیعه، مصاف نهایی حق (ایمان و نور و خیر) در برابر باطل (کفر و ظلمت و شرّ) در عصر ظهور و هنگام قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، روی خواهد داد. این نهضت -که فراگیر، جهانی، گسترده و کوبنده خواهد بود- را بسیاری از ملت ها و شریعت ها، انتظار می کشند. وعده این مصاف نهایی-که منجر به نجات و رستگاری انسان ها می شود- در همه کتاب های آسمانی و آموزه های برخی ادیان دیگر بیان شده است.

با این حال، این قیام جهانی، متأثر از نهضت عاشورا و تکمیل-کننده آن است. برای تبیین این موضوع و فهم چگونگی تأثیر-گذاری و نقش حماسه حسینی بر قیام مهدوی و نیز مصاف نهایی حق و باطل، چند ره یافت و تحلیل ارائه می شود:

۱. ره یافت فلسفی- تاریخی: بررسی پیوند هر دو قیام بر اساس فلسفه نظری تاریخ و بررسی نزاع و ستیز حق و باطل در طول تاریخ.

۲. ره یافت نظامی: بررسی و ارائه روایاتی که نهضت مهدوی را در جهت انتقام گیری و خون خواهی از دشمنان خدا و قاتلین امام حسین علیه السلام معرفی می کند.

۳. ره یافت سیاسی- دینی: بررسی آموزه ها، پیام ها، اهداف، انگیزه ها و برنامه های مشترک و همسان هر دو قیام، و تبیین نقش و تأثیر آموزه های عاشورا بر قیام مهدوی.

بر اساس این چند ره یافت، درصدد پاسخ گویی به این سؤال هستیم که: «آیا نهضت عاشورا، نقشی در مصاف نهایی حق و باطل دارد؟»

واقعه عاشورا، نمادی از یک خط سیر تاریخی است که در آن، حسینیان و یزیدیان، همواره با هم در نبرد هستند. عاشورا و قیام خونین حسین علیه السلام، آینده نگری مثبت پیامبران الهی را تحقق بخشید و باعث ایجاد انگیزه، جهت حفظ دین و امید به آینده روشن اسلام در پرتو قیام جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گردید. بی تردید آینده بشریت، مرهون خون عاشورا ئیان است؛ چرا که عاشورا، حلقه اتصال آغاز ظهور پیامبران آسمانی، با پایان راه تکاملی ادیان و استقرار عدل جهانی است. اگر راه پیامبران تداوم یافت و سیره آنان در مقابله با اشرار و گروه باطل، حفظ شد و اگر دین اسلام، پاینده و استوار ماند، به برکت خون های ریخته شده در عاشورا است.

حق و باطل

دو انگاره «حق» و «باطل»، از واژه های مهم و کلیدی در فرهنگ نامه دین جاودانه اسلام و دارای مفاهیم و معانی گسترده و گوناگون هستند، به گونه ای که در هر برهه ای از زمان، تجلیّات و نمودهای مختلفی داشته اند. مهم ترین نمودهای معنایی حق و باطل که در طول تاریخ، بروز و ظهور یافته اند را می توان در وجود دو گروه و جبهه مخالف هم، شناسایی کرد؛ گروه اول در جبهه خیر، ایمان و

حق پرستی و گروه دیگر در جبهه شرّ، کفر، طغیان و فساد گری. در یک جبهه، پیامبران، اولیای الهی، یکتا پرستان، حق پویان، عدالت گرایان و مؤمنان قرار داشته و دارند و در جبهه مقابل، جبّاران، فراعنه، حاکمان ظلم و جور، مُترفان، ثروت اندوزان، کافران و حق ستیزان بوده و هستند.

در طول تاریخ، همواره، بین این دو گروه، نزاع، درگیری و چالش های فراوان وجود داشته است و در آینده نیز وجود خواهد داشت. مبارزه و نزاع حق و باطل، در تاریخ بشری و مکاتب الهی، پیشینه ای دراز و طولانی دارد. باطل، در زمینه افکار و عقاید- چه در بُعد رفتار و اخلاق، چه در محور اجتماعی و حکومتی، و چه در زمینه فرهنگ و سیاست- به گونه ای بوده است که همه پیامبران، اوصیا و امامان با آن، مبارزه کرده اند. در این میان، سنت الهی نیز بر آن بوده که با نیروی حق، باطل را نابود سازد.

در همین راستا، بشر، شاهد دو قیام حق طلبانه و نهضت باطل-ستیزانه تأثیر گذار و شکوه مند بوده و خواهد بود:

۱. نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام، در دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری.

۲. قیام حق پویانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان.

پیوند ها و ارتباطات گسترده و مستقیم این دو قیام و نهضت، به گونه ای زیاد است که می توان گفت این دو، در حقیقت، تکمیل کننده،

تداوم بخش و در امتداد یک دیگر قرار گرفته اند. هر دو قیام، در جبهه «حق» تعریف می شوند و در برابر آن ها، گروه «باطل» (مفسدان، ستمگران، دین ستیزان) قرار می گیرند. هدف هر دو، اصلاح جامعه فاسد و رو به تباهی است و مهم ترین برنامه آن ها، احیای آموزه های والای دینی- انسانی و ریشه کنی ناهنجاری ها و موانع رشد و کمال انسان هاست.

پیام سیاسی- دینی این دو قیام، مبارزه با حکومت های جور و فساد، و عدم سازش با جباران و طاغوت ها است و هدف اصلی آن ها، رساندن جامعه بشری به تعالی و کمال نهایی – یعنی عبودیت و قرب خدای متعال- و ایجاد انقلاب و دگرگونی در اخلاق و رفتار نا پسند مردم است. یکی، آغازگر جهادی خونین و حماسه ای بی نظیر علیه ظلم و فساد و بی دینی است و دیگری، پایان بخش طومار عمر باطل و هدایت گر مبارزه نهایی علیه شرّ و کفر.

هر دو قیام در تداوم نهضت ها و انقلاب هایی است که در طول تاریخ، توسط پیامبران و صالحان، شکل گرفته اند و خود نیز منشأ و سرچشمه بسیاری از قیام های حق طلبانه و ظلم ستیزانه بوده و خواهند بود.

در این جا به بررسی پیوند ها و ارتباط های دو قیام حق طلبانه و نقش و تأثیرگذاری آن ها بر هم دیگر می پردازیم.

یک. تحلیل فلسفی ــ تاریخی هر دو قیام

توضیح، تفسیر و تحلیل تاریخ بشری و ارتباط مستمر گذشته با حال و آینده، بر عهده «فلسفه نظری تاریخ» است. بر اساس تعریفی جامع و کامل که نگارنده ارائه داده، فلسفه نظری تاریخ، کشف الگو و قوانین حاکم بر تاریخ و شناسایی اهداف، مسیرها و عوامل حرکت آفرین آن، جهت پیش بینی آینده و معنا بخشی به حرکت تاریخ است. (۱)

قیام امام حسین علیه السلام و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، حلقه ای از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق، منتهی می شود. سر منزل و مقصد نهایی این مبارزه نیز حاکمیت اهل حق بر جهان، گسترش فضیلت-های اخلاقی، ریشه کنی شرارت و رذالت و تحقق کمال اخلاقی و عقلانی است.

بر این اساس، نهضت امام حسین علیه السلام، در امتداد قیام-های پیامبران و صالحان و یکی از حساس ترین و مهم ترین این مبارزات بوده است. مهم ترین شاخصه و ویژگی آن- مانند سایر قیام های انبیا و اولیا- حق محوری و تلاش برای احیای حق و خیر و ایمان بوده است؛ همان گونه که مهم ترین شاخصه و ویژگی قیام مهدوی نیز، حق طلبی و تلاش برای حاکمیت خیر و ایمان و حق خواهد بود.

در کربلا و حماسه عاشورا، دو جمعیت و گروه، در مقابل یک دیگر

۱- مقاله «فلسفه نظری تاریخ و دکترین مهدویت»، نگارنده، فصل نامه انتظار، ش ۱۷، ص ۸۷

قرار گرفتند: یک گروه، نماینده حق و حقیقت، ایمان و حق-باوری، درستی و صداقت، شرف و کرامت، عبادت و طاعت و در یک کلمه، گروه «حق» بودند و گروه دیگر، نماینده شرّ و فساد، ظلم و تباهی، نفاق و بی ایمانی، پستی و رذالت و در یک کلمه، گروه «باطل».

باطل ستیزی در عاشورا و عصر ظهور

الف. قیام حق طلبانه حسینی

امام حسین علیه السلام، نه تنها خود از گروه حق و رهبر آنان بود؛ بلکه مهم ترین برنامه و ایده خود را احقاق حق و نابودی باطل می دانست. آن حضرت، در موارد و مراحل مختلف به این موضوع، اشاره کرده است.از جمله آن که فرمود: «أَ لَا تَرَوْنَ الْحَقَّ لَا یُعْمَلُ بِهِ وَ الْبَاطِلَ لَا یُتَنَاهَی عَنْهُ لِیَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِی لِقَاءِ اللَّه» (۱)؛ «آیا نمی بینید که به حق، عمل و از باطل پرهیز نمی شود؟ سزاوار است که مؤمن برای ملاقات خدا مشتاق باشد».

امام حسین علیه السلام، مهم ترین اختلاف خود (و سایر امامان) با بنی امیه و یزید را در رابطه با حق-که همانا خدا و توحید است- می دانست: «نَحْنُ وَ بَنُو أُمَیَّهَ اخْتَصَمْنَا فِی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، قُلْنَا صَدَقَ اللَّهُ، وَ قَالُوا کَذَبَ اللَّه» (۲)؛ «ما و بنی امیه درباره خدا با هم نزاع داریم. ما می گوییم

۱- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۳.

۲- بحارالانوار، ، ج ۳۱، ص ۵۱۷.

خداوند راست گفته؛ اما آنان می گویند خداوند دروغ گفته است»!

به همین جهت، شهادت در راه حق و حق خواهی را بزرگ ترین سعادت و نیک فرجامی می دانست و به آن افتخار می کرد: «ما اَهْوَنَ الْمَوْتُ عَلی سَبیلِ نَیلِ الْعِزِّ وَ اِحْیاءِ الْحَقّ» (۱)؛ «مرگ، در راه رسیدن به عزت و زنده کردن حق، چه آسان است».

بر این اساس، محورهای مهم حق گرایی و حق طلبی در نظر امام حسین علیه السلام عبارت بود از:

توحید و خدا محوری؛ عزت و آزادگی در پرتو حق طلبی؛ امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام ؛ احیای نشانه های راستین دین خدا (به عنوان معالم حق)؛ از بین بردن بدعت ها و موانع حق گرایی (مبارزه با گروه باطل)؛ تداوم سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه السلام ؛ اصلاح جامعه فاسد و...

ب. قیام حق طلبانه مهدوی

بر اساس آیات و روایات و ادلّه دیگر، کشمکش و مبارزه حق و باطل، همیشگی و پایدار نیست؛ بلکه سرانجام با پیروزی و غلبه نهایی گروه حق و حزب خدا و شکست و اضمحلال گروه باطل و حزب شیطان، پایان می یابد.

این پیروزی و غلبه کامل حق بر باطل، در عصر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقق خواهد یافت و این اوج حرکت تاریخ برای رسیدن به آخرین

۱- بحارالانوار، ، ج۱۳، ص ۴۲۰.

منزل مبارزه است. رسیدن به این منزل، نزدیک شدن به مرحله والاـ و متکامل تاریخ، یعنی عبودیت و قرب خدای متعال و دوری از استکبار، افساد و ابلیس گرایی است.

بر اساس دیدگاهی که اسلام در فلسفه نظری تاریخ دارد، حق و ایمان با قیام و پیروزی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به طور کامل تحقق خواهد یافت و سپاه ظلمت و کفر، از بین خواهد رفت. در این عصر، تمامی نیروهای اهریمنی و شیطانی، فرجام ذلّت باری می یابند؛ قدرت و شوکت ظاهری و باطل آن ها فرو خواهد پاشید؛ حربه های شیطنت و فساد گری ابلیس و زمینه های انحراف و استکبار انسان، از بین خواهد رفت؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رهبری گروه حق را بر عهده می گیرد و با تمام توان، به جنگ نهایی با جبهه کفر و باطل می پردازد تا در تحقق وعده الهی - مبنی بر حاکمیت عدالت، معنویت، امنیت، عقلانیّت و دیانت- پیروز شود. بدین ترتیب، تاریخ زندگی بشری نیز به فرجام شکوه مند خود می رسد.

«شقاوت» و «سعادتی» که در کربلا مشاهده شد، بار دیگر، در مقیاس کلی تر و در سطح گسترده جهانی، در عصر ظهور دیده خواهد شد. مخالفان و دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از طیف ها و گروه های مختلفی خواهند بود. هم چنان که نقل شده است: «... [امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] علیه یهود، نصارا، صائبین، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین، قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد

می دهد...» (۱).

در لسان روایات نیز، بسیاری از آیات مربوط به حق و باطل و نصرت مؤمنان و...، به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر و تأویل شده است.جابر می گوید: «شـنیدم که امام باقر علیه السـلام، درباره آیه شریفه «لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَ يُبْطِلَ الْباطِلَ» (۲)، فرمـود: «مراد این است که هنگـام خروج حضـرت قـائم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف، حق آل محمـد عجـل الله تعـالی فرجه الشریف را تثبیت می کند و باطل را بر می اندازد» (۳).

این، آخرین جنگی است که بشـر، شاهـد آن خواهـد بود و پس از پایـان این نزاع و رفع فساد و فتنه و سـتم از جهان، حضـرت مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف دست به اقـدامات اصـلاحی و احیاگرایانه خواهـد زد؛ به طوری که هیـچ مانعی در برابر فعـالیت های گسترده و جهانی او نخواهـد بود (۴) و در واقع این آیه محقق خواهـد شـد که: «وَ قـاتِلُوهُمْ حَتَّى لا ـ تَكُونَ فِتْنَه...» (۵).

دو. تحلیل نظامی (انتقام و خون خواهی)

یکی از ابعـاد قیـام امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف علاوه بر جنبه های اصـلاح گری، انسان سازی، عـدالت گستری، کمال-بخشـی و احیاگری، جهاد بی امان با کفار و خون خواهی آن حضرت از دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، اهل بیت علیهم السلام -

---

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴.

۲- «تا حق را محقق و پایدار کند و باطل را محو و نابود سازد»؛ سوره انفال، آیه ۸.

۳- تفسیر برهان، ج ۲، ص ۶۸؛ اثبات الهداه، ج ۷، ص ۹۷

۴- ر. ک: آینده جهان، جلال برنجیان، ص ۱۷۹و ۱۸۰.

۵- «با کافران بجنگید تا دیگر فتنه و فسادی نماند»؛ سوره بقره، آیه ۱۹۳؛ سوره انفال، آیه ۳۹.

به خصوص امام حسـین علیه السـلام – و تمامی مظلومان و هم چنین پایان بخشـیدن به عمر دولت های جائر و نامشروع خواهد بود؛ تا آن جا که زمین، آکنده از عدل و داد خواهد شود و دولت های ظالم و ستمگر از بین خواهند روند.

مهم ترین بُعد این قضـیه، آن است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف انتقام گیرنده خون حضـرت ابا عبدالله، حسین بن علی علیه السلام خواهد بود. این بشارت و وعده ای است که خداوند متعال، در روز عاشورا به فرشتگان داده است.

پیشوایان معصوم علیهم السـلام نیز انتقام گیری خون حسین علیه السلام را بر عهده مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسـته انـد. بر اساس روایات مختلفی که در این زمینه موجود است، به یقین، یکی از ابعاد انقلاب و جهاد حضـرت ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، خون خواهی از دشـمنان امام حسین علیه السلام خواهد بود؛ البته معنا و گستره این انتقام گیری نیز در روایات، مشـخص شـده است؛ یعنی، با توجه به روایات، آن حضـرت، ابتدا از کسانی که راضـی به شـهادت امام حسـین علیه السـلام بوده و به جنایات پـدران خود افتخار می کنند، انتقام خواهد گرفت؛ و سـپس از همه کسانی که با خدا، رسول او، اهل بیت علیهم السلام و همه مظلومان و مستضعفان عالم، دشمنی داشته اند.

در عصـر ظهور، زلاـل همیشه جـاریِ خون حسـینی، طوفـانی سـهم گین خواهـد شـد که طومار عمر ظالمان و جبّاران را در هم خواهد پیچید و ریشه فساد و ستم را بر خواهد کند.

بنابراین اگرچه گروه باطل مـدتی جولان بدهـد و برای خود، شوکت و قدرت ظاهری دست و پا کند، اما بالاخره نابود خواهد شد و از میان خواهند رفت و این تداوم راه حق و حقیقت در هر عصر و زمانی است.

در این جـا به برخی از روایـات مربوط به انتقـام امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دشـمنان و گروه باطل اشاره می شود.

الف. انتقام گیری خون حسین علیه السلام

در روایت مشـهوری آمده است: «الْقَائِمُ مِنَّا إِذَا قَامَ طَلَبَ بِثَأْرِ الْحُسَـیْنِ علیه السلام » (۱)؛ «هنگـامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ما قیام کند، خون حسین علیه السلام را طلب خواهد کرد».

امام صادق علیه السـلام نیز در این باره فرموده اند: «چون حسـین بن علی علیه السـلام به شـهادت رسـید، فرشـتگان الهی ضـجّه سردادند و گفتند: "پروردگارا! با حسین چنین شد؛ در حالی که او برگزیده تو و فرزند پیامبر تو است"؛ پس خداوند، نور قائم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف را به آنان نشان داد و فرمود: "به وسـیله قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف، انتقام او را خواهم گرفت"». (۲)

ب. انتقام گیری خون حسین علیه السلام،وظیفه همگانی

از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «همانا [در روز عاشورا] چهار هزار

۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۶۱؛ بحار الانوار، ح ۶۴، ص ۲۱۸، ح ۷.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۴۶۵.

فرشته برای نصرت و یاری حسین علیه السلام، به زمین فرود آمدند اما هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین علیه السلام کشته شده است؛ از این رو ژولیده و غبار آلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و هم چنان خواهند بود تا آن که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، قیام کند. آن گاه آنان از یاوران و سپاه آن حضرت و شعارشان«یالثارت الحسین» خواهد بود» (۱)بر اساس این روایت، در آن هنگامه، همگان برای انتقام گیری خون اباعبدالله علیه السلام دعوت می شوند.

ج. فریاد انتقام خواهی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش

هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند، خود را به عنوان «منتقم خون حسین بن علی علیه السلام » معرّفی می کند: «الا ـ یا اهل العالم! انا الامام القائم؛ الا یا اهل العالم! انا الصمصام المنتقم؛ الا یا اهل العالم! ان جدّی الحسین قتلوه عطشاناً...» (۲) ؛ «ای جهانیان! آگاه باشید که من امام قائم هستم؛ ای اهل عالم! آگاه باشید که من شمشیر انتقام گیرنده هستم؛ ای اهل جهان! بدانید که جدّ من، حسین علیه السلام را تشنه کام کشتند...».

در روایت دیگری نیز آمده است، شعار یاران و سپاهیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خون خواهی امام حسین علیه السلام خواهد بود: «إِنَّ شِعَارَ أَصْحَابِ

۱- امالی صدوق، مجلس ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.

۲- الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۸۲.

الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف یَا لَثَارَاتِ الْحُسَیْنِ علیه السلام » (۱).

د. انتقام از تمامی دشمنان حق

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای رهایی بشر از چنگال گروه ظلمانی باطل و رفع تمامی موانع رشد و تعالی انسان–ها، به مبارزه سخت و گسترده علیه آن ها می پردازد و طی جنگ–های شدیدی، همه آن ها را سرکوب و مغلوب می سازد. این گروه باطل، شامل کافران، افساد گران، مشرکین، منافقین، ثروتمندان مترف، مستکبران استضعاف گر، دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام، ستمگران عدالت گریز و... خواهند بود.

بر این اساس، دایره انتقام و خون خواهی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گسترده می شود و علاوه بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام، شامل دیگر ستمگران نیز می گردد. چنان چه، امام باقر علیه السلام، آیه شریفه «فَمَهِّلِ الْکافِرِینَ أَمْهِلْهُمْ رُوَیْدا» (۲)را این گونه تبیین فرمود: «ای محمد! کافران را تا زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند و از ستمگران،جنایت کاران قریش، بنی امیه و هر قوم ظالم دیگر انتقام بگیرد، مهلت بده» (۳)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱، پ ۶۷.

۲- «پس کافران را مهلت ده و مدت اندکی آنان را در این حالی که هستند، واگذار»؛ سوره طارق، آیه ی۱۷.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۹، ح ۱۹؛ الزام الناصب، ص ۲۴۲.

سه. تحلیل سیاسی ــ دینی

یکی از اساسی ترین ابعاد و وجوه حماسه عاشورا، درس ها، عبرت ها و پیام های جاودانه و فراگیر آن است. این آموزه ها و پیام ها، همواره حیات بخش، حرکت آفرین، تأثیر گذار و ماند گار بوده است. این قیام، هر چند در مکان و زمان خاصی روی داده؛ ولی آثار و برکات آن، همیشگی و گسترده بوده و مرزهای زمانی و مکانی را پشت سر گذارده است.

شعار «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»، در حقیقت، ارائه یک الگو و برنامه برای همه ملت ها و فرهنگ های حق طلب و عدالت خواه است. بر این اساس، حماسه حسینی یعنی ذلت ناپذیری و عزّت نفس؛ ظلم ستیزی و مبارزه با ستم کاران؛ حق گرایی و دعوت به رهبری ائمه علیهم السلام ؛ عدالت و برابری؛ آزادی و آزادگی؛ احیای دین و سنت های اسلامی؛ رسوا سازی باطل و مبارزه با بدعت؛ اقامه حق و عدل و امر به معروف و نهی از منکر؛ اصلاح جامعه و پیکار با مفاسد؛ ترویج روحیه فداکاری و جهاد در راه عقیده و مرام؛ بایستگی تشکیل حکومت دینی؛ تبیین مظلومیت اهل بیت علیهم السلام ؛ شکست سلطه ها در برابر سلاح شهادت و مظلومیت؛ الهام بخشی به آزادگان و حق طلبان؛ موج آفرینی مثبت در تاریخ؛ ضرورت اصلاح جامعه فاسد و منحرف و...

با توجه به مؤلفه های یاد شده که سراسر، پیام، عبرت، درس، اثر و نتیجه است، روشن می شود که پیروز واقعی «واقعه طَف» (کربلا)،

اندیشه و اعتقاد راستین امام حسین علیه السلام است؛ نه شمشیر ها و نیزه های خون ریز یزیدی. در واقع، وقتی سخن از پیروزی و ظفر منـدی گروه حـق به میـان می آیـد (و در قرآن به آن تصـریح می شود)، صـرفاً غلبه نظـامی و مـادی مطرح نیست؛ بلکه پیروزی اعتقادی، فکری و معنوی و چیرگی پیام و روح آن است.

در واقعه عاشورا –که لشگر امام حسین علیه السلام و لشگر یزید رویاروی هم قرار گرفته و با هم جنگیدند – هر چند در ظاهر، غلبه و چیرگی، از آن یزید و یزیدیان بوده است؛ اما در واقع، امام حسین علیه السلام پیروز شد و توانست اندیشه و پیام خود را برای همه عصرها و ملت ها به یادگار نهد.

به همین جهت است که در نهضت مهـدوی، راه و آرمـان او، هویـدا و انـدیشه و پیامش احیا خواهـد گردیـد؛ به عبارت دیگر، الگو و اسوه انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قیام خونین حسینی علیه السلام است.

چنـان چه امـام راحل رحمه الله در این باره می فرمود: «واقعه ی عظیم عاشورا ــ از سال ۶۱ هجری- تا خرداد۴۳، و از آن زمان تا قیام حضرت بقیت الله عجل الله تعالی فرجه الشریف – اروحنا لمقدمه الفداء – در هر مقطعی، انقلاب ساز است» (۱).

خود حضرت ابا عبدالله علیه السلام نیز در شب عاشورا و در ضمن یک سخنرانی برای افراد لشگر خود، به آینده و تحولات آن اشاره کرده

۱- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

است. ایشان، ره آورد خون اصحاب و یاران خویش را ایجاد حرکت های بعدی تحلیل می کند و برای یاران، تصریح می نماید که قیامشان تا ابد، زنده و جاویدان خواهد بود تا به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی قرآن، متصل شود.

ایشان در همان سخنرانی می فرمایند: «فَوَ اللَّهِ لَئِنْ قَتَلُونَا فَإِنَّا نَرِدُ عَلَی نَبِیِّنَا ثُمَّ أَمْکُثُ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَکُونُ أَوَّلَ مَنْ یَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْه...» (۱) و این گونه به عصر ظهور و دوران رجعت و بازگشت دوباره امامان معصوم اشاره می نمایند و خود را تداوم بخش حکومت عدل جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کنند. در حقیقت، ایشان با طرح این مباحث در شب عاشورا، درصدد زمینه سازی مناسب برای ایجاد آمادگی لازم در یاران بوده است.

به یقین، قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز، ادامه نهضت عاشورا و برگرفته و ملهم شده از آن است. مهم ترین دلیل این برداشت، یک سانی و هماهنگی اهداف، پیام ها و برنامه های هر دو قیام است.

در این جا به برخی از مؤلفه های مشترک هر دو قیام اشاره می شود.

۱- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۱؛ الخرائح لا لجرائح، ج ۳، ص ۸۴۸، ح ۶۳.

الف. پیام ها و اهداف قیام حسینی

۱. بایستگی قیام حق طلبانه علیه باطل گرایی

امام حسین علیه السلام، در تشریح شرایط زمانه خویش که ایشان را ملزم به قیام مسلحانه می کرد، فرموده است: «آیا نمی بینید که به حق، عمل نمی گردد و از باطل، روی گردانی نمی شود؟» (۱)ایشان، در حقیقت به این موضوع اشاره دارند که چون جامعه دچار چنین وضعیتی شده است، برای اصلاح آن، قیام کرده اند و در این سیر اگر کسی از ایشان حمایت کند، حق را یاری کرده است: «فمن قبلنی بقبول الحق فالله اولی بالحق...»؛ «هر کس این را نپذیرد که حق است، راه خدا را پذیرفته است...».

۲. عدالت گرایی و برپاداشت قسط

از برنامه ها و ایده های امام حسین علیه السلام در قیام کربلا، دعوت به عدالت و برابری انسان ها و شکستن سلطه تبعیض و بیداد، و گسستن حصارها و بندهای بردگی از دست و پای مردم بود. امام حسین علیه السلام در نامه ای به مردم کوفه نوشت: «فَلَعُمْرِی ما الإمامُ إلّا الْحاكِمُ بِالكِتابِ، القائمُ بِالقِسطِ الدَّائِنُ بِدِینِ الحَقِّ...» (۲)؛ «به جان خودم سوگند؛ امام و پیشوا کسی است که با کتاب خدا داوری کند، دادگر و عدالت گستر

۱- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱

۲- الارشاد مفید، ص ۲۰۴.

باشد و خود را متدین به دین حق نماید».

۳. مبارزه با حکومت فسق و جور (ستم ستیزی)

یکی از برنـامه هـای اساسـی امـام حسـین علیه السـلام، مبـارزه پیگیر و مـداوم با ظلم و سـتم حاکمان وقت و ریشه کنی جور و استکبار و خود کامگی از جوامع اسلامی بود.

آن حضـرت، به قرار گرفتن خلافت در دست فاسق و جائری چون یزیـد اعتراض شدیدی، داشت و می فرمود: «وَ عَلَی الإسـلامِ السـلام، إذْ قَدْ بُلِيَتْ الأمهُ بِراعٍ مِثْلُ يَزيدٍ...» (۱)؛ «اگر کسـیماننـد یزید، حاکم امت شود، باید با اسـلام وداع کرد». ایشان هم چنین از این که در دوران چنین افرادی زنـدگی می کرد، اظهـار برائت می نمود و می فرمود: «فإنّی لا أرَی الْمَوتَ إلّا سَـعادَهً و الْحیاهَ مَعَ الظّالِمِینَ إلّا بَرَما» (۲).

۴. هدایت گری و نجات بخشی

امامت، در حقیقت، هدایت و راهبری انسان به راه راست و حقیقی، و دعوت او به سوی رشد و سعادت و معنویت است و یکی از محورهـا و برنامه های بنیادین امام حسـین علیه السـلام نیز، چه در طول حیات پربار خود و چه در جریان قیام کربلا، ارشاد و هدایت امت و تلاش برای رساندن آنان به کمال و سعادت بود. به همین جهت، ایشان از

۱- لهوف، ص ۲۰

۲- تحف العقول، ص ۲۴۹؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۵.

هر فرصتی برای دعوت و آگـاهی بخشـی به آنـان اسـتفاده می کرد و آنـان را به نیکی ها، فضایل اخلاقی، ایمان، معنویت و... دعوت می نمود.

۵. اصلاح گری و تحول گرایی مثبت

یکی از اهداف و غایات امام حسین علیه السلام از قیام، ایجاد اصلاحات اساسی در جامعه و دگرگون کردن رفتارها، پندارها و گفتارهای نادرست و انحرافی بود؛ چراکه اسـلامِ اموی، آموزه های وحیانی را تحریف کرده و برداشت ها و سلایق شخصی را جـایگزین آن سـاخته بود و سـطوح مختلف جـامعه، دچـار خمودگی، نفـاق، دنیازدگی، فساد و انحراف شـده بودنـد؛ به همین جهت، اصلاح جامعه در ابعاد مختلف آن، ضروری می نمود.

در آن شـرایط، امام حسـین علیه السلام قیام کرد و مهم ترین پیام و شعار خود را این گونه بیان داشت: «أَنِّی لَمْ أَخْرُجْ أَشِراً وَ لَا بَطِراً وَ لَا مُفْسِداً وَ لَا ظَالِماً وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِی أُمَّهِ جَدِّی صلی الله علیه و آله و سلم أُرِیدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَی عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِیرَ بِسِیرَهِ جَدِّی وَ أَبِی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السـلام » (۱)؛ «من نه از روی هـوس و سرکشـی و تبه کـاری و ستمگری، که تنهـا به انگیزه اصـلاح در امت جـدّم قیام کردم. می خواهم به نیکی ها فرمان دهم و از بـدی ها باز دارم و روش جدّ خود و پدرم، علی بن ابی طالب علیه السلام را دنبال کنم».

۱- بحارالأنوار، ج۴۴، ص ۳۳۰.

۶. احیای آموزه های دینی

از دیگر از علت هـا و انگیزه هـای مهم نهضت عـاشورا، حفـظ دین اسـلام، احیـای آموزه هـای متعـالی آن و بـدعت سـتیزی و تحریف زدایی از چهره غبارگرفته دین بود. در حقیقت، امام حسـین علیه السـلام به دنبال زنده کردن آموزه ها و تعالیمی چون امر بـه معروف، نهی از منکر، ایثـار گری در راه دین، پرهیز از منکرات و حرام خـواری، لزوم اطـاعت از قرآن، ترویـج عزت و آزادگی و جوان مردی، عمل به تکلیف، شهات طلبی در راه خدا، دوری از دنیاگرایی و... بود.

۷. تشکیل حکومت و اعمال ولایت سیاسی

امام حسـین علیه السـلام، با بیعت نکردن با یزید و قیام علیه او، حکومت او را نامشروع جلوه دادند و در حقیقت، در صدد پس گیری منصب خلافت برآمدند. اگر چه ایشان، در دست گرفتن حکومت را تنها وسـیله ای برای رسـیدن به دیگر اهداف والا و متعالی خود می دانستند.

اکنون و با روشن شدن اهداف نهضت حسینی، اگر به مرور اهداف و برنامه های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بپردازیم، در می یابیم که غالباً در تداوم و تکمیل نهضت حسینی علیه السلام هستند.

ب. پیام ها و اهداف نهضت مهدوی

۱. حق گرایی و محو تمامی جلوه های باطل

حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این راستا، نهضتی گسترده، قاطع و حق طلبانه را رهبری می کند که در مدتی کوتاه، بر همه سران کفر و گمراهی

چیره می گردد و سپاهیان شیطان را نابود می سازد. چنان چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یُظْهِرُ اللَّهُ الْحَقَّ بِهِمْ وَ یُخْمِدُ الْبَاطِلَ بِأَسْیَافِهِم...» (۱)؛ «خداوند حق را به دست آنان ظاهر می کند و باطل را با شمشیرهایشان نابود می سازد».

۲. عدالت گستری و برپاداشت قسط

قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نه تنها نهضتی برای گسترش عدل و داد و قسط است؛ بلکه او، خود، مظهر عدالت و دادگری است (هو العدل المنتظر و هو الامام العادل). «عدالت»، تنها با ظهور و وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معنا و بروز پیدا می کند و این آرمان همیشگی تاریخ بشر، به دست حسینی او محقق می شود.

۳. ظلم ستیزی و نابودی حکومت های فسق و جور

همان گونه که امام حسین علیه السلام به سبب ظلم و فسادگری حکومت و فزونی رنج و اندوه مردم، قیام نمود؛ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز زمانی به پا خواهد خاست که فسق و فجور حکومت ها و گروه های تأثیرگذار بر جامعه، از نهایت بگذرد و بشر در گردابی از بیدادگری ها، تبعیض ها، انحرافات و... غرق شود. نجات بشر، در گرو رفع موانع و بن بست ها است و این مهم، با نابودی تمام مظاهر فسق و فجور، امکان پذیر است. امیر المؤمنین علیه السلام، در این باره می فرمایند: «... وَ لَیَعْزِلَنَّ عَنْکُمْ أُمَرَاءَ

۱- امالی طوسی، ص ۳۵۲؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۹۹.

الْجَوْرِ وَ لَيُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍّ...» (۱)؛ «به طور حتم، او [مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف] فرمان روایان ظالم و جائر را بر کنار می کند و زمین را از لوث گمراه کنندگان و خدعه کاران، پاک می گرداند».

۴. هدایت گری و ارشاد بشر

یکی از وجوه ممتاز و برتر عصر ظهور، هـدایت بشـر به سوی راه مسـتقیم الهی که همانا راه توحیـد و اسـلام است، می باشـد؛ همان-گونه که امام حسـین علیه السـلام نیز درصـدد تحقق این امر بود (وَ ما أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشادِ (۲)). امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف از شـیوه ها و راه های مختلف به هدایت و راهنمایی بشر می پردازد و ضمن تبیین صراط نورانی ایمان، بر بصیرت، عقلانیت و معنویت انسان ها می افزاید.

در واقع، نجـات و سـعادت بشـر و رهنمونی او به قله کمـال و تعـالی در سـایه عبودیت و یکتـا پرستی، به دست آن امام، محقق خواهـد شـد. چنان چه در روایتی آمده است: «يُشِيرُ بِالتُّقَى وَ يَعْمَلُ بِالْهُدَى...» (۳)؛ «[مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف] با تقوا گام بر می دارد و بر اساس هدایت، رفتار می کند...».

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۲- «و شما را جز به راه راست هدایت نمی کنم»؛ سوره غافر، آیه ۲۹.

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹، ح ۱۵۸.

۵. اصلاح گری و تربیت انسان ها

همان گونه که عدالت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دارای ابعاد و زوایای مختلفی، چون عدالت سیاسی، عدالت توزیعی، عدالت قضایی و دادگری، عدالت اخلاقی و... است، اصلاحات ایشان نیز در زمینه های گوناگون، جاری و محقق خواهد شد. اصلاح اخلاق و رفتارهای ناپسند، اصلاح قوانین و مقررات، اصلاح برداشت های نادرست از دین، اصلاح سیستم و ساختار معیوب سیاسی- اجتماعی، اصلاح روابط مردم در سطوح مختلف (با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت) و... از جمله برنامه ها و اقدامات سازنده و اصلاح گرایانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۶. احیاگری و زنده کردن آموزه های الهی و دینی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بزرگ ترین احیاگر آموزه های دینی و مبلّغ تعالیم راستین دین الهی خواهد بود. این احیاگری به حدی خواهد رسید که بسیاری از گفتارها و برنامه های آن حضرت، نو و جدید به نظر خواهد آمد.

امام صادق علیه السلام، این گونه به این موضوع اشاره کرده اند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ع جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ فِي بَدْوِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ» (۱)؛ «هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند امر جدید می آورد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد».

۱- ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۴؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

۷. تشکیل حکومت دینی

بُعد سیاسی و تشکیل حکومت جهانی اسلام، از محورهای مهم نهضت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

حکومت و دولت آن حضرت، فراگیر و جهانی خواهد بود و قدرت و سلطه ایشان، از شرق تا غرب دنیا را فرا خواهد گرفت. دولت و نظام سیاسی مهدوی-که پس از نابودی و پایان یافتن تمامی دولت های عالم، شکل خواهد گرفت- بهترین، کامل ترین، مردمی ترین و تأثیر گذارترین دولت ها خواهد بود. در این حکومت جهانی، اصحاب و یاران مؤمن حضرت، به عنوان حاکمان و والیان کشورها و بلاد مختلف، برگزیده و منصوب خواهند شد.

روایات متعددی به موضوع حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته اند. از جمله، سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود: «وَ یَبْلُغَ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِب» (۱)؛ «سلطه و برتری او[حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف]،شرق و غرب[جهان] را در بر می گیرد».

هم چنین امام صادق علیه السلام فرموده اند: «وَ دَوْلَتُنَا فِی آخِرِ الدَّهْرِ تَظْهَر» (۲)؛ «دولت ما، در آخر الزمان ظاهر می شود».

در روایتی از امام باقر علیه السلام نیز آمده است: «دَوْلَتُنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَنْ

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰، و ص ۳۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱، ج ۱۲

۲- امالی صدوق، ص ۶۸۹، ج ۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ج ۳

یَبْقَی أَهْلُ بَیْتٍ لَهُمْ دَوْلَهٌ إِلَّا مَلَکُوا قَبْلَنَا لِئَلَّا یَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِیرَتَنَا إِذَا مَلِکْنَا سِرْنَا مِثْلَ سِیرَهِ هَؤُلَاءِ» (۱)؛ «دولت ما (دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آخرین دولت ها است؛ هیچ خاندانی که حکومتی برای آن، مقدّر شده باشد، نیست؛ جز آن که پیش از او به حکومت می رسد؛ تا کسی نگوید: "اگر ما نیز به قدرت می رسیدیم، این چنین، رفتار می کردیم"».

با توجه به تحلیل های سیاسی و دینی ارائه شده، روشن می شود که هر دو قیام، وجوه و ابعاد مشترک فراوانی دارند که آن را می توان در اهداف، برنامه ها و خواست های هم سان آن ها مشاهده کرد. برخی از این اهداف، در قیام عاشورا، به تحقق پیوست و باقی آن ها در عصر ظهور و در پرتو نهضت جهانی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت.

حق خواهی و باطل ستیزی،عدالت خواهی و برپاداشت قسط، نابودی حکومت های فسق و جور و ستم، هدایت گری و نجا ت بخشی، اصلاح گری و تحول گرایی مثبت، احیای آموزه های متعالی دین و در نهایت، تشکیل حکومت و تحقق ولایت سیاسی امامان، بعضی از این وجوه مشترک است.

قیام امام حسین علیه السلام، نقش ویژه و تأثیرگذاری در ارائه این اهداف و برنامه ها به صورت پیام ها و عبرت های جاودانه و جهانی داشته و

۱- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳

تحقق کامل آن ها نیز به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق خواهد افتاد.

□□□

دلایل پیوند عاشورا و انتظار

حجت الاسلام و المسلمین امان الله شفایی

حجت الاسلام و المسلمین امان الله شفایی (۱)

مقدمه

«عـاشورا» و «انتظار»، در تطوّر حیات مکتب شـیعه، دو نقطه عطف، محسوب می شونـد و با همین دو مفهوم، بسـیاری از مبانی، اصـول و عقایـد مـذهب تشـیع، مورد مطـالعه قرارگرفته و از سـایر فرقه هـا و نحله هـای اسـلامی، بـاز شـناخته می شود. البته ما معتقدیم که اساس و مبنای تشـیع، به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گذاشته شده است و شخصیت هایی مانند حضرت علی علیه السـلام، حضـرت فاطمه علیها السـلام و امام حسن علیه السـلام برای نشو و نشـر آن زحمات فراوانی کشیده و مرارت های بسیاری را تحمل کرده اند؛ اما حادثه عاشورا به عنوان انقلابی شناخته می شود که موجب شد بسیاری از زوایای تاریک و پنهان عملکرد خاندان اموی آشکار شود و

۱- محقق و پژوهشگر.

اسلام حقیقی و نیز حقانیت ائمه علیهم السلام، عیان گردد.

پس از واقعه کربلا و امامت ائمه بعدی علیهم السلام، جریان غیبت آخرین امام شیعیان، برجسته ترین موضوعی است که جزء اعتقادات اصلی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، به شمار می آید. این اعتقاد برخواسته از این اصل است که خداوند هیچ گاه، زمین را بدون حجت نمی گذارد. بر این اساس و با غایب شدن ظاهری حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظرها، مفهوم «انتظار» متولد، و مسئله انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جزء مبانی فکری و عقیدتی واقع شد.

بر اساس این مفهوم، اگر چه حجت خدا، در پسِ پرده غیبت به سر می برد، اما به صورت محسوس و غیر محسوس، جهانیان و خاصه، شیعیان را همواره از عنایات و توجهات خود، بهره مند می کند و لحظه ای از راهنمایی و ارشاد آنان، باز نمی ایستد.

به دنبال پذیرش مسئله غیبت، این اعتقاد نیز تثبیت شد که با فراهم شدن شرایط ظهور، آن حضرت به اذن خداوند ظهور خواهد کرد و بساط ظلم و بیداد را برخواهد چید و جامعه را به سوی کمال و سعادت، هدایت خواهد کرد.

هرچند که از عاشورا، به عنوان یک واقعه و حادثه یاد می شود و از انتظار، به عنوان یک اعتقاد؛ ولی بررسی و شناخت شخصیت های خالق این دو مفهوم و اهداف و برنامه های ایشان، این فرضیه را به دست می دهد که میان این دو عنصر اصلی اعتقادات شیعی، اتحاد و

هم پوشانیِ کامل برقرار است.

اما این ارتباط، چیست و چگونه این دو مفهوم، در یک قالب جای می گیرند و نهایتاً به هم می پیوندند؟

این، سوالی است که پاسخ به آن، هدف این نوشتار است.

تحلیلی بر مفاهیم

پیوند: در لغت به معنی «خویشاوندی و نزدیکی نَسَبی» و هم چنین به عمل «فروبردن شاخه درختی به درخت دیگر» گفته می شود. (۱) گاهی، پیوند و رابطه ای که میان دو چیز و یا دو کس برقرار می شود، آن دو را تا سر حدّ «اتحاد» پیش می برد؛ به گونه ای که میان آنان، هیچ فاصله و مرزی باقی نمی ماند. مراد از پیوند در عبارت «پیوند عاشورا و انتظار»، به نوعی با هردوی این معانی سازگار است.

عاشورا: در زبان عربی، به معنی دهمین روز ماه است. عاشورا از جمله روزهایی است که نزد مسلمانان و یهودیان، اهمیت داشته و دارد. به اعتقاد یهودیان، عاشورا یا «کیپور»، روزی است که خداوند در آن، فرعونیان را در رودخانه نیل غرق کرد و حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل را از دست ایشان نجات داد؛ از این رو، روز دهم ماه تشرین را -که عید کیپور نامیده می شود- روزه می گیرند و آن را کفاره گوساله پرستیِ بنی اسرائیل، می دانند.

۱- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، [بی تا]، ۱۳۴۲ش، ج ۱۲، صص ۷۹۸ _ ۸۰۲.

البته بسیاری از مورخان عرب، معتقدند که عاشورای مورد نظر یهودیان، با عاشورا ی مسلمانان، از لحاظ زمانی تفاوت دارد. به اعتقاد آنان، عاشورای یهود (کیپور)، روز دهم ماه تشرین (اولین ماه عبری) است.

اما در نزد مسلمانان، این روز اعتبار دیگری دارد. بسیاری از اهل سنت، این روز را روزی مبارك و خجسته می دانند و بر این باورند که در این روز، خداوند، آدم و حوا را آفریده است؛ لذا روزه گرفتنِ در این روز را مستحب می دانند. ولی در نظر شیعیان، این روز، به جهت کشته شدن امام حسین علیه السلام در آن، شوم است؛ لذا این روز را روز حزن و اندوه قرار می دهند و در مساجد، برای امام حسین علیه السلام، نوحه سرایی و مرثیه خوانی می کنند. (۱)

انتظار: در لغت، به معنی «چشم به راه داشتن» (۲)، و در اصطلاح «چشم انتظاری برای فرا رسیدن ظهور موعود آخرالزمان» است. هرچند که اعتقاد به «مهدویت»، در بسیاری از ادیان و مذاهب وجود دارد، اما «انتظار»، در فرهنگ شیعه، هویت یافته است. به اعتقاد مکتب شیعه، دوازدهمین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در پس پرده غیبت است و در زمانی که فقط خدا می داند، ظهور خواهد کرد؛ لذا اعمال و مناسکی را جهت تعجیل در فرج آن حضرت، انجام می دهند.

۱- دایره المعارف بستانی، معلم پطرس بستانی، دارالمعرفه، بیروت، [بی تا]، ج۱۱، ص ۴۴۶

۲- لغت نامه دهخدا، ج۷، ص ۲۹۴

عاشورا و انتظار به مثابه دو فرهنگ

روشن است که منظور از عاشورا، صرف واقعه ای که در آن، امام حسین علیه السلام و یارانش به شهادت رسیدند نیست. چه آن که، اگر با این رویکرد، سالگرد عاشورا را گرامی بداریم، آن را به سطح یک سنت، تنزل داده ایم. بنابراین عاشورا را باید به چشم حادثه ای نگریست که رفته رفته به شکل فرهنگی پایدار در آمده و بر باورهای اعتقادی، استوار گشته است؛ لذا می توان ادعا کرد که حادثه عاشورا، از سطح فرهنگ نیز گذشته و به مثابه یک مکتب درآمده است. در این فرهنگ و مکتب، مفاهیمی همانند عزت، ایثار، شجاعت، ایمان، عمل به تکلیف و... به برکت حماسه امام حسین علیه السلام و اصحابش، بسیار جلوه نمایی می کند.

انتظار نیز به باور ما، بر مدار معنای لغوی و حتی بر محور اعتقاد تعبدی به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نمی گردد. انتظار در فرهنگ شیعی، مفهومی با تشعشعات همه جانبه است. در این باور، انتظار، صرفاً اعتقاد به ظهور منجی نیست؛ بلکه اعتقاد ی عملی و همراه با مسئولیت می باشد و مهمترین مسئولیت نیز، فراهم نمودن زمینه های ظهور و دعا برای فرج حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است. به این ترتیب، اعتقاد به ظهور، همراه با عمل به تکالیف، رنگ و بوی عبادی پیدا

می کند؛ همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «اِنتظارُ الفَرج عِباده» (۱).

پس انتظار نیز هماننـد عاشورا، تبـدیل به فرهنگ شده است؛ فرهنگی که در رأس آن، اعتقاد به غیبت و ظهور دوازدهمین ولیّ خداوند، قرار دارد.

شخصیتهای اصلی فرهنگ عاشورا و انتظار

چنان چه گـذشت، عاشورا و انتظار از حـد یک واقعه و عقیده عبور کرده و تبدیل به دو فرهنگ قوی و بالنده شده اند که امام حسـین علیه السـلام و حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان قهرمانان و شخصیت های اصلی، در رأس آن ها قرار دارند. در واقعه کربلا، امام حسـین علیه السلام مرکزیت جریان را بر عهده داشت. ایشان در تمام طول جریان کربلا- یعنی از زمانی که کاروان حسـینی علیه السـلام، به واسـطه اجبار یزیـد بر اخذ بیعت، تصـمیم به خروج از مدینه گرفت و در مسـیر پر حادثه کربلا واقع شد، تا زمانی که حماسه خونین عاشورا به وقوع پیوست- محوریت اصـلی را به دوش می کشید و تصمیمات به اراده ایشان، اتخاذ می شد. هر چند که در قیام عاشورا، خاندان آن حضـرت، به ویژه حضـرت زینب علیها السـلام و حضرت ابوالفضل علیه السـلام نیز هنرنمایی کرده انـد، اما جملگی آنان، تحت پرچمی گرد آمـده بودند که امام حسـین علیه السـلام به اهتزاز درآورده بود.

اما در فرهنگ انتظار، قهرمان و شخصیت اصلی، حضرت حجت بن الحسن علیهما السلام

۱- بحار الانوار، موسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۲، ص ۱۲۲

است. در این فرهنگ، همان گونه که امام حسین علیه السلام، در جایگاه امامت، حماسه عاشورا را خلق کرد، حضرت حجت علیه السلام نیز از همان جایگاه، فرهنگ و عقیده انتظار را آفرید.

پنهان شدن آن حضرت از نظرها، باعث شد که پیوسته شعله شور و اشتیاق به ظهور و دیدار آن حضرت، در قلوب منتظران و پیروان، زبانه کشد. در فرهنگ انتظار، همه عناصر، پیرامون شخصیت آن حضرت قرار می گیرد. سخن گفتن از تاریخ و فلسفه غیبت، دوران غیبت، مدت غیبت، ارتباط با نائبان خاص، شرایط و زمان ظهور، وظایف منتظران و هر موضوعی که در فرهنگ انتظار مطرح می شود، به صورت مستقیم به شخصیت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف مرتبط است.

بدین ترتیب، هنگامی که از پیوند عاشورا و انتظار سخن می گوییم، به نوعی از پیوند امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفته ایم؛ چه آن که، عاشورا و انتظار با نام این دو شخصیت الهی، قابلیت طرح و معنا پیدا می کند و اگر برای یک لحظه نام امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از مفهوم عاشورا و انتظار جدا کنیم، برای این دو مفهوم، ماهیتی جز معنای لغوی، باقی نخواهد ماند.

مهمترین دلایل پیوند

با اندکی تأمل پیرامون حادثه عاشورا و مفهوم انتظار، همبستگی و پیوند میان آنان، روشن می گردد؛ که جملگی این روابط، در ظلّ اصلی ترین دلیل، که حقانیت و حقیقت دین اسلام است، جای

می گیرند. بنابراین، دلیل اصلی پیوند عاشورا و انتظار و حتی دیگر مفاهیم و عناصر اسلامی، دین مبین اسلام است که تمام موضوعات و مسایل دینی، در متن آن، تعریف می شوند.

اما آن چه که از آن، به عنوان مهم ترین دلایل پیوند عاشورا و انتظار، یاد می شود، صرفاً تحلیل و تشریح موضوع، از طریق تقسیم و تفکیک آن است؛ وگرنه این روابط، کاملاً آشکار و هویدا است. هرچند، مدعی نیستیم که تمام دلایل را به صورت جامع و مانع، دسته بندی کرده ایم؛ چه آن که، بررسی و تحلیل موضوع عاشورا و انتظار، به اندازه وسعت این دو مفهوم، گسترده است. خوشبختانه برای تمامی جنبه ها و حوزه هایی که از مبحث عاشورا و انتظار، استخراج می شود، پشتوانه عظیمی از روایات معصومین علیهم السلام وجود دارد. به گونه ای که بیش از ده هزار روایت، درباره تمام جوانب مفهوم مهدویت، موجود است (۱)اینک، مهم ترین و کلی ترین دلایل پیوند میان عاشورا و انتظار، را با استفاده از روایات تشریح می کنیم.

۱. خاندان واحد

هرچند که نسبت های خونی، تنهاترین عامل انتقال صفات و خُلقیات، از نسلی به نسل دیگر نیست، اما همین عامل، یکی از اصلی ترین عوامل اتصال صفات و خصوصیات جسمانی و نفسانی از

۱- استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروستانی، موعود عصر، تهران، چ پنجم، ۱۳۸۰ش، ص ۶۹.

گذشتگان به آیندگان است. علم و تجربه، نشان داده است که در افراد بسیاری، صفات، نه تنها از والدین، که از اجداد بالاتر، به ارث رسیده است.

یکی از پیوند های میان عاشورا و انتظار، تعلق شخصیت های اصلی آن دو، به یک خانواده واحد است که آن، خاندان مطهر اهل بیت علیهم السلام می باشد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرزند با واسطه امام حسین علیه السلام محسوب می شود و این رابطه پدر و فرزندی، صرف نظر از صفات مشترک الهی، تا حدودی تعامل میان عاشورا و انتظار را تسهیل می کند.

در این قسمت، به برخی روایات که مؤید وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از نسل امام حسین علیه السلام است، اشاره می کنیم.

۱. روایت شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از روزهای آخر عمر مبارکشان، در حالی که دستشان را به شانه امام حسین علیه السلام گذاشته بودند، خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: «مِن هَذَا مَهْدِی الْأُمَّه» (۱)؛ «مهدی امت، از نسل این فرزندم است».

۲. حضرت علی علیه السلام نیز خطاب به امام حسین علیه السلام فرموده اند: «ثُمّ یَظهَرُ اَمیرُ الاَمَرَه و قاتِلُ الکَفَرَه،السُّلطان اَلمَامولُ الّذی تَحیّرَ فی غَیبَتِه العُقول و

۱- بحارالانوار، ج۵۱، ص ۹۱

هُو التاسِع مِن وُلدِکَ یا حسـین» (۱)؛ «امیر اُمرا و قاتـل کفـار، پادشاهی که عقول در غیبتش به حیرت مانـده انـد، ظهور خواهد کرد و ای حسین، او نهمین فرزند تو است».

۳. خود امام حسـین علیه السـلام نیز این گونه به این مطلب، تصـریح می کند: «قَائِمُ هَذِهِ الْأُمَّهِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِی وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَیْبَهِ وَ هُـوَ الَّذِی یُقْسَمُ مِیرَاثُهُ وَ هُوَ حَی» (۲)؛ «نهمین فرزنـد من، قائم به حق است و او صاحب غیبت خواهـد بود که خداوند، زمین مرده را به وسیله او دوباره زنده خواهد کرد».

۲. مکتب واحد

اسلام، به عنوان جامع ترین و کامل ترین دین، حجت را بر بشریت تمام کرده است. قرآن در این زمینه می فرماید:

«وَمَن یَبْتَغِ غَیرَالاِسـلامِ دیناً فَلَن یُقبَل مِنهُ وَ هُو فِی الآخِرهِ مِنَ الخاسِرین» (۳)؛ «و هرکس دینی غیر از اسلام اختیار کند، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است».

در دین مبین اسـلام، در کنار کتاب خداوند، ائمه علیهم السـلام همانند پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم، مظهر هدایت، معرفی شده اند. هر یک از ائمه علیهم السلام، در طول دوران امامت

۱- منتخب الاثر فی احوال الامام الثانی عشـر، لطف الله صافی گلپایگانی، حضـرت معصومه علیها السـلام، قم، ج۱۱، ۱۳۷۷ش، ص ۴۶۷

۲- بحار الانوار، ج۵۱، ص ۱۳۴

۳- سوره آل عمران، آیه ۸۵.

خود، رسالت خویش را در قبال حفاظت و پاسداری از اساس و کیان اسلام، به نیکوترین شکل، به انجام رسانیدند. لذا، سکوت حضرت علی علیه السلام به مدت ۲۵ سال و سپس قبول خلافت توسط آن حضرت، جریان صلح امام حسن علیه السلام، قیام امام حسین علیه السلام و تقیه مصلحتی سایر ائمه علیهم السلام و بالاخره، غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، راهبرد اختصاصی هر یک، برای صیانت از اساس اسلام بود که جملگی با اذن خداوند، صورت گرفت. بنابراین تمامی استراتژی معصومین را باید در فرهنگ و مکتب واحد مورد مطالعه قرار داد. مکتب اسلام، جانبازی و ایثار برای حفظ ارزش ها را- در صورتی که زمینه های آن فراهم باشد- اصلی مسلم دانسته است؛ همان گونه که امام حسین علیه السلام با فدا نمودن جان خود و خانواده اش و تحمل مشقات بسیار، اصل اسلام را که توسط یزیدیان به مخاطره افتاده بود، حفظ نمود.

چنان چه خود ایشان فرموده اند:

«اِنّما خَرَجتُ لِطَلبِ الاِصلاح فی اُمّةَ جَدّی صلی الله علیه و آله و سلم وآله، اَن اُریدُ آمِرَ بِالمعروفِ و اَنهی عَنِ المُنکَر و اَسیرُ بِسیرهِ جَدّی علی ابن اَبی طالب علیه السلام » (۱)؛ «همانا من به منظور ایجاد اصلاح در امت جدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قیام کرده ام. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جد و پدرم عمل نمایم».

اساس فرهنگ انتظار نیز بر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و احیای

۱- بحارالانوار، ج۴۴، ۳۲۹

سنت های فراموش شده اسلام و نابودی سنت های باطل، استوار است. همان گونه که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزاً فَصَمَ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ أَنْ يُصْلِحَ أُمَّةً بَعْدَ فَسَادِهَا (۱)»؛ «زمانی که خداوند بخواهد اسلام را عزیز کند، تمامی ستمگران را نابود می نماید و خداوند بر این که امت را پس از تباه شدنش اصلاح کند، تواناست».

امام علی علیه السلام نیز در تشریح موضوع «اصلاح بعد از افساد» می فرمایند: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي تَجْرِي الْمَلَاحِمُ عَلَى يَدَيْهِ وَ يُظْهِرُ الْإِسْلَامَ» (۲)؛ «اگر از عمر دنیا، یک روز باقی مانده باشد، خداوند، آن روز را به قدری طول می دهد تا مردی از خاندانم تسلط پیدا کند و احکام، به وسیله او اجرا شود و اسلام ظاهر گردد».

۳. اهداف واحد

همان گونه که گذشت، فرهنگ عاشورا و انتظار در درون مکتبی بزرگ تر و جامع تر، به نام مکتب اسلام، جای دارند و در این مکتب، تمام عناصر و مؤلفه ها، به صورت هدفمند و در یک جهت، حرکت می کنند. مهم ترین رسالت و هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ارشاد معنوی و

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۳

۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۳

اخلاقی مردم، تأسیس حکومت اسلامی و مبارزه با مستبدان و ستمگران بود که در این راه، رنج ها و مرارت های زیادی را نیز متحمل شدند. این وظایف، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، به ائمه علیهم السلام منتقل شد و تمامی ایشان، با استفاده از شیوه های متفاوت کوشیدند تا علاوه بر این که رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ادامه می دهند، از تحریفِ اصول و به خطر افتادن اساس اسلام نیز جلوگیری کنند. قیام امام حسین علیه السلام و مسئله غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دو شاهد بارز این مدّعاست.

از مجموع سخنان امام حسین علیه السلام، اهداف والای نهضت عاشورا به خوبی روشن می شود که احیای قرآن، احیای سنت نبوی و سیره علوی، از بین بردن کج روی ها، حاکم ساختن حق، حاکمیت بخشیدن به حق پرستان، از بین بردن سلطه استبدادی حکومت ستمگران و تأمین قسط و عدل در تمامی عرصه ها از آن جمله است. از سوی دیگر، وقتی اهداف قیام منجی عالم بشریت و ویژگی های حکومت آن حضرت را مطالعه می کنیم، همین اهداف و انگیزه ها را در آن مشاهده می کنیم.

حضرت علی علیه السلام در تاویل آیه شریفه «وَالنَّهارِ اِذا جَلّها» (۱) فرمود: «ذالِکَ هِو القائمُ مِن آلِ مُحمّد صلی الله علیه و آله و سلم یَملَأُ الارضَ قِسطاً وَ عَدلاً» (۲)؛ «منظور از آیه، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است که زمین را پر از قسط و عدل می کند».

پس، حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، در ادامه قیامی که امام حسین علیه السلام علیه باطل

۱- سوره شمس، آیه ۳.

۲- تفسیر فرات کوفی، فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، مکتبه الداوری، قم، [بی تا]، ص ۲۱۲

نمود، قیام خواهد کرد که قیام ایشان به اذن خدا، به پیروزی نهایی- یعنی از بین بردن تمامی آثار باطل و برقراری حقیقت در سراسر جهان- خواهد انجامید؛ که این، همان هدف نهایی امام حسین علیه السلام از برپایی قیام عاشورا است.

حضرت امام حسین علیه السلام، شخصاً از تحقق اهداف خود توسط فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، این گونه خبر می دهد: «لَو لَم یَبقِ مِن الدُنیا اِلّا یومَ واحِد، لَطوّل الله عَزّ وَ جَل ذالک الیَوم حتّی یَخرَجُ مِن وُلدِی فَیَملاها عَدلاً و قِسطاَ کَما مُلِئَت جُوراً و ظُلماً» (۱)؛ «اگر از عمر دنیا یک روز باقی باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می گرداند که مردی از فرزندان من قیام کند و دنیا را پس از آن که از ظلم و ستم پر شده بود، پر از عدل و داد نماید».

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز اهداف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را این گونه بیان می کنند: «وَ جَعَلَ مِن صُلبِ الحسین علیه السلام ائِمّهً یَقومُونَ بِاَمری.. التاسع منهم قائِمُ اَهلِ بَیتی... فَیَملا الاَرضَ قِسطاً و عَدلاَ کما مُلِئَت جُوراً و ظُلماً » (۲)؛ «خداوند از نسل حسین علیه السلام، امامانی قرار داده است که نهمین آنها قائم اهل بیت من است که پس از ظهور، زمین را پر از قسط و عدل

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ابوجعفرمحمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۸ق، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲- کمال الدین وتمام النعمه، ابوجعفرمحمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۸ق، ج ۱، ص ۲۵۷

می کند، در حالی که از ظلم و جور پرشده بود».

نتیجه آن که، علاوه بر اشتراک اهداف نهضت عاشورا و قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در زمان حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام، بذرها و نهال های غرس شده در جریان قیام کربلا، به بار خواهند نشست؛ به برکت آن ها، جهان پر از عدل و داد، و تمام اهداف انبیای الهی، از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله و سلم محقق خواهد شد و بشر، طعم واقعی صلح و امنیت و سعادت را خواهد چشید.

۴. خط مشی واحد

خط و مشی و استراتژی مشترک، از قوی ترین دلایل پیوند عاشورا و انتظار است. ائمه علیهم السلام نه تنها هیچ گاه حکومت های نامشروعِ جور را تأیید نکردند، بلکه بسته به شرایط، علیه آن ها نیز به پا خواستند؛ لذا عاشورا و انتظار را باید از حیث راهبرد و خطّ مشی، در این چارچوب بررسی کرد. بررسی ها به سهولت ثابت می کنند که استراتژی امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از این نظر نیز، منطبق هستند.

در واقع قیام اباعبدالله علیه السلام از آن جا کلید خورد که «ولید بن عتبه» فرماندار مدینه، از ایشان خواست که یا با یزید بیعت کند و یا تبعید را بپذیرد. این خواسته، برای امام چنان سهمگین بود که برآشفتند و فرمودند: «الا وَ اَن الدَّعی بنَ الدَّعِی قَد رَکَزَ بَینَ اِثنَین، بَینَ السّلّهَ وَالذَلّه

و هَیهاتَ مِنّا الذِلّه» (۱)؛ «همانا نابکار، فرزند نا بکار، مرا بین مرگ و ذلت قرار داده است و ذلت از ما دور باد».

ایشان، در جایی دیگر علت عدم بیعت با یزید را این گونه بیان می کنند: «یزید رَجُلٌ فاسِقٌ، شارِبُ الخَمر، قاتلُ النّفسِ المُحترُمَه، مُعلِنً بِالفِسق و مِثلِی لایُبایعَ بِمِثلِه» (۲)؛ «یزید، فردی فاسق، شراب خوار، قاتلِ جان بی گناهان و ظاهر الفسق است و کسی مانند من با چنین شخصی بیعت نمی کند».

از نظر امام حسین علیه السلام، بیعت کردن با یزید، نه تنها صحّه گذاشتن بر روی خلافت شخص او، که به معنای قبول سنت «خلافت سلطنتی» بود که معاویه، پایه گذار آن محسوب می شد (۳).

تصمیم امام حسین علیه السلام بر عدم بیعت با یزید، تصمیمی از روی عصبیت و اراده شخصی نبود. بلکه این تصمیم، با مشیت خداوند و در چارچوب کلی مکتب اسلام اتخاذ شد و هر امام دیگری نیز در چنین شرایطی، همین تصمیم را اتخاذ می نمود. چنان چه خود ایشان فرموده است: «اِنّی لا یُبایعُ لَهُ (یزید) اَبَداً لِاَنّ الاَمرَ اِنّما کان لِی مِن بَعدِ

۱- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸

۲- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵

۳- فرهنگ عاشورا، جمعی از نویسندگان، مرکز چاپ و نشر مجمع، قم، ۱۳۸۲ش، ص ۲۳

اَخِی الحَسن علیه السلام » (۱)؛ «من هرگز با یزید بیعت نمی کنم؛ چرا که پس از برادرم امام حسن علیه السلام تصمیم گیری با من است».

در موضوع مهدویت و انتظار نیز، مسئله عدم بیعت با حکومت نامشروع، کاملاً برجسته است. در بسیاری از روایات، تصریح شده که علت و حکمت غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که آن حضرت، به وسیله غیبت، از یوغ بیعت با طاغوت های زمان، آزاد می شود تا تعهد و بیعتِ با هیچ طاغوتی را به عهده نداشته باشد.

هر چند برخی از ائمه علیهم السلام، برای حفظ کیان اسلام و اساس مذهب شیعه، مجبور به تقیه و سکوت بودند؛ اما این مسأله، در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح نخواهد بود؛ چراکه آن حضرت، پس از ظهور، بدون هیچ تقیه ای، با شمشیر برهنه، به جنگ با ستمکاران و کافران خواهد رفت.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خود، در این باره می فرمایند: «اِنَّهُ لَم یَکُن اَحدٌ مِن آبائِی اِلّا و قَد وُضِعَت فِی عُنُقِه بَیعهٌ لِطّاغِیهِ زَمانِه و اِنّی اَخرُجُ حینَ اَخرُجُ ولا بَیعهٌ لِاحدٍ مِن الطّواغِیت فِی عُنُقِی» (۲)؛ «همانا هیچ کدام از پدران من نبودند، مگر آن که بیعتی از ستمکاران برگردن داشتند و من، خروج و ظهور خواهم کرد، در حالی که هیچ بیعتی با طواغیت، به گردن

۱- مقتل الحسین للخوارزمی، ابی الموید احمد المکی، مکتبه المفید، چ اول، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۸۲

۲- احتجاج، ابی منصور احمد بن ابی طالب طبرسی، موسسه اعلمی، بیروت، ۱۹۸۳م، ج ۲، ص ۴۷۱

ندارم».

امام صادق علیه السلام نیز بر این موضوع، این گونه تصریح می کنند: «یَقومُ القائِم وَ لَیسَ فِی عُنُقِه بَیعَهٌ لِاحَدٍ» (۱)؛ «قائم قیام می کند، در حالی که در قبال هیچ کس، بیعتی ندارد».

هنگامی که این روایات و روایات مشابه دیگر را با کلمات امام حسین علیه السلام در مورد عدم بیعت، کنار هم قرار می دهیم، روشن می شود که استراتژی سازش ناپذیری و عدم بیعت در برابر طاغوتیان و ستمگران، در فرهنگ عاشورا و انتظار، مشترک است.

۵. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، منتقم حادثه عاشورا

حادثه عاشورا، علی رغم صحنه های زیبایی از عشق و ایثار، صحنه های غم انگیز بسیاری را نیز در خود داشت؛ به گونه ای که به واقع، آن را می توان یک تراژدیِ بزرگ خواند.در این تراژدی، دنیاپرستان و خودکامگان، چنان صحنه های دهشتناکی را از درّنده-خویی خود، به نمایش گذاشتند که پس از چهارده قرن، هنوز هم داغ فجایعی که بر امام حسین علیه السلام و اهل بیتش روا داشته شد، تازگی دارد؛ که البته، همین امر، مکتب تشیع را زنده و پویا نگه داشته است.

اگرچه پس از پایان پذیرفتن فاجعه عاشورا، بسیاری به خود آمدند و به فکر انتقام گیری از جنایتکاران واقعه کربلا افتادند و تا حدود

۱- منتخب الاثر، ص ۳۵۷

زیادی نیز موفق شدند که قاتلین شهدای کربلا را به سزای اعمالشان برسانند؛ اما داغی که عاشورا بر دل ائمه علیهم السلام گذاشت، چیزی نبود که با قیام کسانی چون مختار و توابین، تسکین یابد؛ لذا پیوسته از روزی خبر می دادند که شخصی از نسل آنان خواهد آمد و از ظالمین و مستکبرین، انتقام خواهد گرفت.

البته هنگام ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، تمامی جنایتکاران واقعه کربلا- جز عده ای که در رجعت، بازگردنده خواهند شد- وجود ندارند، اما انتقام گیری از مستکبران، به منزله انتقام گیری از قاتلین امام حسین علیه السلام خواهد بود؛ چرا که انتقام گیری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از افراد نیست، بلکه از فرهنگ ظلم و بیداد است که علیه مظلومان، اعمال می شود. بنابراین نابودی ظالمین و جبارین عالم، به نوعی انتقام خون امام حسین علیه السلام و فاجعه عاشورا است.

امام حسین علیه السلام در باره چگونگی خون خواهی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «وَالله لا یَسکُنُ دَمِی حتّی یَبعَثُ الله المَهدِی فَیَقتُلُ عَلی دَمِی مِن المُنافِقِین الکَفَرَهِ الفَسَقَه سَبعینَ اَلفاً» (۱)؛ «سوگند به خدا؛ خون من از جوشش باز نمی ایستد تا این که خداوند، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را برانگیزد.او به انتقام خون من، هفتاد هزار نفر ازمنافقان را خواهد کشت».

امام صادق علیه السلام نیز در تفسیرآیه «وَ مَن قَتَلَ مَظلُوماً فَقَد جَعَلنا لِوَلیّه

۱- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹

سُلطانا» (۱)، فرمودند: «نُزِلَت فی الحُسین لَو قَتِلَ وَلِیّه اَهلَ الاَرض ما کانَ مُسرِفاً وَ وَلیُّه اَلقائِم عجل الله تعالی فرجه الشریف » (۲)؛ «مراد از مظلوم، در این آیه، حضرت امام حسین علیه السلام است که مظلوم کشته شد و ولیّ او، قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد که تمام تجاوزگران زمین را خواهد کشت».

درمورد همین آیه، امام باقر علیه السلام نیز فرموده اند: «نَحنُ اَولیائُه وَ القائِم مِنّا اِذا قامَ طَلَب بِثارِالحُسین، فَیَقتَلُ حتّی یُقال قَد اَسرَفَ فِی القَتل.» (۳)؛ «ما اولیای دم امام حسین علیه السلام هستیم. هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، به قدری ظالمان را به هلاکت خواهد رساندکه گفته خواهد شد: بسیاری را کشت».

در دعای ندبه نیز، این گونه، به این حقیقت اشاره شده است: «أینَ طالبُ بِدَمِ المَقتُولِ بِکربَلا».

هم چنین، بنابر دلالت روایات زیادی، در هنگام ظهور، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران آن حضرت، شعار خون خواهی حسین علیه السلام را سر می دهند. (۴)

در زیارت عاشورا نیز می خوانیم: «أن یَرزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ اِمامٍ

۱- «هرکس مظلوم کشته شود، ما برای ولی او تسلطی بر ظالم قرارمی دهیم»؛ سوره اسراء، آیه ی۳۳.

۲- البرهان فی تفسیرالقران، سید هاشم بحرانی، قم، چ سوم، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۱۹.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.

۴- النجم الثاقب، حسین طبرسی نوری، مسجد جمکران، قم، ۱۳۵۷ش، ص ۴۶۹.

مَنصُور مِن اَهلِ بیتِ مُحمّـِد علیهم السـلام »؛ «از خداوند می خواهم که خون خواهی تو را همراه با امامی که از اهل بیت پیامبر علیهم السلام است، نصیب من فرماید».

مسـئله بـازخواست از قـاتلین امام حسـین علیه السـلام، چنان مهم است که یکی از القاب حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، «منتقم» می باشد. بدین ترتیب، چه دلیلی محکم تر از خون خواهی، برای پیوند عاشورا و انتظار وجود دارد؟!

۶ . پیوند عاطفی میان دو امام

یکی از ملا ـک هـای ارزیـابی و سـنجش رابطه دو فرد، تعاملات بین الاثنینی و میزان عبارات محبت آمیزی است که میان آنان مبـادله می شود. البته بعضاً تعابیر ریاکارانه نیز در روابط افراد وجود دارد، اما عبارات خالصانه و عاشـقانه، هیـچ گاه با تملقات ساختگی، مخدوش نمی شود و طریق بازشناسی میان آنان، بسیار آسان است.

یکی از راه هـای برآورد میزان پیونـد میان عاشورا و انتظار، رابطه عاطفی و تعابیر محبت آمیزی است که میان امام حسـین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد.

البته روابط عاشـقانه و خالصانه میان تمامی معصومین علیهم السلام، به حدی است که می توان گفت بسیار بالاتر از حدّ روابط انسان های عادی است؛ چرا که عشق و عطوفتی که معصومین علیهم السـلام نسـبت به یک دیگر داشته اند، رنگ الهی داشت. برای مثال، رابطه خاصـی که میان حضـرت علی علیه السـلام و پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم یا حضـرت زهرا علیها السـلام برقرار بود را هرگز نمی توان

در محدوده روابط خویشاوندی محصور کرد.

بر همین اساس، رابطه طرفینی امام حسین علیه السلام - قهرمان نهضت عاشورا- و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - قهرمان نهضت انتظار- نیز بسیار فراتر از رابطه پدری و فرزندی است. چرا که در جملات زیبا و خالصانه ای ایشان نسبت به یک دیگر، صبغه خدایی دیده می شود. چنان چه، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، تعجیل در فرج خود را با عزاداری بر امام حسین علیه السلام پیوند زده است: «اِنّی لَاَدعُوا المومِن یُذکِرَ مُصیبُهَ جَدّی الشَّهید ثُم یَدعُوا اِلیّ بِتعجیلِ الفَرَج وَالتّایید» (۱)؛ «همانا، من برای فرد مؤمنی که مصیبت جد شهیدم را به یاد آورد و سپس تعجیل در فرج و تأیید من را از خدا بخواهد، دعا خواهم کرد».

عباراتی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در رثای امام حسین علیه السلام نقل شده، چنان سوزناک است که درک آن، از توان انسان خارج می شود:

«السّلام علی الحسین الّذی سَمِحَت نَفسَهُ بِسَمحَهِ الاسلام، السلام علی مَن اَطاعَ اللّه فِی سِرّه و عَلانیَتِه.. » (۲).

«سلام بر حسین؛ کسی که جانش را قربانی حفظ اسلام کرد. سلام بر کسی که خداوند را به صورت آشکار و پنهان اطاعت می نمود».

۱- مکیال المکارم، محمد تقی موسوی اصفهانی، مطبعه العلمیه، قم، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۶

۲- بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۸

«السّلام عَلی المُغَسِّلِ بِدَمِ الجَراح، السلام علی المَقطوعِ الوَتِین، السلام علی الشَیّب الخَضِیب، السلام عَلَی الخَدّ التَّریب... » (۱).

«سلام بر کسی که با خون زخم هایش غسل داده شد؛ سلام بر رگ بریده گردن؛ سلام بر محاسن خونی؛ سلام بر گونه های به خاک افتاده ...»

حضرت اباعبدالله علیه السلام نیز همواره به یاد مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده اند. روایاتی که در بخش های گذشته از امام حسین علیه السلام ذکر کردیم، سرشار از عشق و عطوفت آن حضرت نسبت به آخرین حجت خداوند بود. به ویژه عباراتی که امام حسین علیه السلام در آن، از آمدن شخصی از نسل خودشان خبر می دادند که پس از غیبت ظهور خواهد کرد و اهداف ناتمام عاشور را به بار خواهد نشاند.

هم چنین، در دعای روز ولادت امام حسین علیه السلام از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد می شود و در روز عاشورا و زیارت این روز، نام و یاد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تسلی بخش قلوب سوزان شیفتگان اهل بیت علیهم السلام است.

از این رو، صرف نظر از دیگر پیوندها، روابطی استوار و آکنده از عشق و عطوفت، میان این دو امام وجود دارد و همین امر، میان عاشورا و انتظار، پیوندی از سلک احساسات و عواطف الهی، برقرار کرده است.

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷- ۳۲۸

مؤیدات، قرابت ها، اشتراکات

علاوه بر دلایل گذشته، مؤیدات، قرابت ها و اشتراکات فراوانی میان عناصر عاشورا و انتظار وجود دارد که نه تنها می تواند دلایل گذشته را بیش از پیش تقویت کند، که هر کدام از آن ها، خود، سند آشکار پیوند عاشورا و انتظار هستند.

۱. مؤیدات

الف. ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز عاشورا

ائمه علیهم السلام در روایات بسیاری، ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را مقارن با روز عاشورا دانسته اند. به عنوان مثال، امام صادق علیه السلام فرموده اند: «اِنّ القائِمَ صَلواتُ الله علیه یُنادِی بِاِسمِه لَیلَهَ ثَلاثَ و عِشرین و یَقومُ یَومَ عاشورا یَومَ قَتلَ الحسین بن علی علیه السلام » (۱)؛ «قائم -که درود خدا بر او باد- درشب بیست و سوم ماه رمضان به نامش ندا می شود و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی علیه السلام در آن کشته شد، قیام خواهد کرد».

امام باقر علیه السلام نیز در این مورد می فرمایند: «یَخرُجُ القائمُ یومَ السَّبت یومَ عاشورا اَلّذی قُتِلَ فیه الحسین علیه السلام » (۲)؛ «قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، در روز شنبه، مصادف با روز عاشورا، یعنی همان روزی که امام حسین علیه السلام در آن به شهادت رسید، قیام خواهد کرد».

۱- الغیبه، محمد بن الحسن طوسی، نشر بصیرتی، قم، چ دوم، ۱۴۰۸ق، ص ۲۷۴

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۸۵

ب. رجعت امام حسین علیه السلام پس از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بر اساس روایات بسیاری، امام حسین علیه السلام و یارانش، پس از تشکیل دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهان، رجعت و آن حضرت را یاری خواهند کرد. امام حسین علیه السلام، خود، در این رابطه می فرمایند: «اَکونُ اوّلَ مَن یَنشَقُّ الارض عنهُ فَاَخرُجُ» (۱)؛ «من اولین کسی خواهم بود که زمین برایش شکافته می شود و رجعت می کند».

ج. منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،عاشقان امام حسین علیه السلام

منتظران واقعی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، پیروان و معتقدان به قیام و فرهنگ عاشورا هستند؛ لذا عاشقان امام حسین علیه السلام، لباسی از فرهنگ انتظار می پوشند؛ با هوشیاری و بیداری، در صدد شناخت عناصر ظلم و عداوت بر می آیند و خود را برای دفاع همه جانبه از اسلام آماده می کنند. بنابراین، پیروان امام حسین علیه السلام، با تأسی از راه و مرام ایشان و گرامی داشت حماسه عاشورا، قدوم و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به انتظار می نشینند و این چنین، عاشورا و انتظار را به هم گره می زنند.

۲. قرابت ها

الف. یاد دو امام در مناسبت ها

از روایات و ادعیه وارده در ایام منتسب به حضرت اباعبدالله و امام مهدی علیهما السلام، این نکته به خوبی فهمیده می شود که یاد و نام هر یک از

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۲

ایشان، در ایام منتسب به دیگری، ظهور و بروز خاصی دارد. برای مثال، در روز ولادت و شهادت امام حسین علیه السلام، زیارت و یاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در روز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده است.

ب. صفات و خصال

روشن است که فرزندان، صفات روحی و جسمی زیادی را از والدین خود به ارث می برند؛ اما با بیشتر شدن فاصله نسل ها، قدرت انتقال این صفات، ضعیف تر می شود. با این حال، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف -که نسل نهم از فرزندان امام حسین علیه السلام است- تشابهات زیادی در خصال با جدّ خود دارد؛ به گونه ای که حتی طنین صدای ایشان را شبیه صدای امام حسین علیه السلام دانسته اند (۱).

در زمینه اخلاق، رفتار و توانایی های جسمانی نیز، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صفات بسیاری را از جدشان، امام حسین علیه السلام به ارث برده اند که بارزترین این خصوصیات، «شجاعت» می باشد. در مورد نمایش شجاعت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، روایت شده است: «وَلَقَد کانَ یَحمِلُ فیهم و قَد تَکلَّموا اَلفاً فَینزَهَمونَ بینَ یَدیه کاَنَّهم الجَرادَ المُنتَشَر» (۲)؛ «آنان (یزیدیان) که در دسته های هزار نفری بودند، همانند ملخ های

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳.

۲- الارشاد، شیخ مفید، الموتمر العالمی لالفیه شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۱۶

پراکنده در اطراف او نابود می شدند».

امام کاظم علیه السلام در خصوص شجاعت مهدوی، می فرمایند: «وَ یُبیرُ کَلَّ جَبارٍ عَنید و یُهلَکُ علی یَدِه کُلَّ شَیطانٍ مَرید» (۱)؛ «به دست او، هر جبار سرسختی نابود و هر شیطان سرکشی، هلاک می گردد».

۳. اشتراکات

الف. مکه و کوفه، خاستگاه و پایگاه مشترک

امام حسین علیه السلام، نهضت خود را از مکه آغاز کردند؛ یعنی پس از خروج از مدینه، به مکه آمدند، در کنار بیت الله الحرام، از قیام خود به مردم خبر دادند و آن گاه به سمت کوفه حرکت کردند.

بر اساس روایات، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پس از ظهور، در مکه، جهانیان را به بیعت با خود فرا می خوانند و آن گاه حرکت های اصلاحی را شروع خواهند کرد و پس از اتمام قیام و برقراری عدل در سراسر جهان، مقرّ حکومت خویش را در کوفه قرار خواهند داد. چنان چه، حضرت امام باقر علیه السلام فرموده اند: «یَخرِجُ مِن مَکّه هُو و مَن مَعَه الثلاثَ مِاَه وَ بِضعَهَ عَشَر یُبایِعُونَه بَینَ الرُّکنِ وَالمَقام» (۲)؛ «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وسیصد نفر از یارانش، از مکه برخواهند خواست و ده ها نفر با او بیعت خواهند کرد».

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ص ۱۲۱

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۲۵

ب. شرایط اجتماعی یکسان

از دیگر موارد مشترک میان عاشورا و انتظار، شرایط اجتماعی متشابهی است که در زمان وقوع هر دو قیام وجود دارد. قیام امام حسین علیه السلام در زمانی صورت گرفت که جامعه اسلامی، به شدت به سمت فساد و تباهی سوق داده می شد و حاکمان فاسد و ظالم، در رأس آن قرار گرفته بودند. شرایط به گونه ای بود که امام حسین علیه السلام می فرمود: «اَلا تَرونَ اَنَّ الحقَّ لا یُعمَلُ بِه وَاَنَّ الباطِلَ لایُتَناهی عَنه» (۱)؛ «آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی گردد؟»

طبق روایات، همین شرایط در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پیش خواهد آمد. بر اساس بسیاری از روایات، آن حضرت، هنگامی از پشت پرده غیبت خارج خواهند شد که ظلم و تباهی، توسط حاکمان جور، جهان را فرا گرفته باشد و مردم از زندگی، نا امید شده باشند. چنان چه امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند: «لا وَ اللهِ لمّا یَکونَ ما تُمَدّونَ اِلیهِ اَعیُنُکُم اِلّا بَعدَ الیَاس» (۲)؛ «به خدا سوگند؛ آن چه چشم به راهش هستید، فرا نمی رسد مگر بعد از یاس و نا امیدی».

ج. حامیان و یاران

درحادثه کربلا، یاران اندکی، امام را همراهی کردند که سرانجام

۱- تحف العقول، محمد حسن بحرانی، نشر اسلامی، قم، چ دوم، ۱۳۶۳ش، ص ۲۴۵

۲- الغیبه، ص ۳۳۶

نیز همگی به شهادت رسیدند؛ اما همین عده قلیل، نسبت به امام حسین علیه السلام، چنان پاک باخته بودند که مرگ در رکاب آن حضرت را افتخار می دانستند. ابا عبدالله علیه السلام در توصیف ایشان می فرمایند: «فَاِنّی لا اَعلَمُ اَصحاباً اَولی وَ لا خَیراً مِن اَصحابی» (۱)؛ «همانا من یارانی والاتر و بهتر از یاران خود، سراغ ندارم».

در نهضت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از سیصد و سیزده نفر به عنوان یاران خاص، یاد می شود که کاملاً مطیع و شیفته امام خود هستند: «هُم اَطوَعَ لَهُ مِن الاَمَه لِسَیِّدِها» (۲)؛ «آنان نسبت به مولای خود، مطیع تر از کنیز هستند».

بنابراین، همان طور که حماسه عاشورا با جانبازی عده ای اندک، رقم خورد قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با محوریت عده ای اندک، اما پاک باخته به انجام خواهد رسید.

نقش آفرینی زنان در عرصه این دو قیام نیز، از دیگر موارد اشتراک است. نقش زنان و خصوصاً حضرت زینب علیها السلام در نهضت عاشورا، به حدّی روشن است که نیازی به تشریح آن نیست. جایگاه این نقش، به اندازه ای مهم است که اگر آگاهی بخشی ها و افشا گری های حضرت زینب علیها السلام، پس از حادثه عاشورا نبود، انقلاب امام حسین علیه السلام، ناتمام می ماند. «طوعه» و «ماریه» و «زنان قبیله بنی اسد» از جمله زنانی

۱- بحارالانوار، ج۴۴، ص ۳۲۹

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۸

هستند که در صحنه قیام کربلا، جایگاه ممتازی دارند.

زنان، در قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز نقش آفرینی خواهند کرد. از آن جا که در طول تاریخ، بیشترین ظلم ها و اجحاف ها در حقّ زنان صورت گرفته است، قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نوعی دل جویی از ایشان و جبران ستم های روا شده بر آنان نیز هست. بنابراین، در راستای این هدف، عده ای از زنان به آن حضرت، یاری خواهند رساند.

امام باقر علیه السلام، در این خصوص می فرمایند: «وَ یَجیئُ وَالله ثَلاثَ مِاَه و بِضعَهَ عَشَر رَجُلًا فیهم خَمسُونَ اِمرَاَه» (۱)؛ «به خدا سوگند؛ همراه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و سیزده نفر به پا می خیزند که پنجاه تن از آنان زن هستند».

د. موانع و مشکلات

از دیگر وجوه مشترک عاشورا و انتظار، موانع و مشکلاتی است که بر سر راه هر دو، وجود دارد. قیام امام حسین علیه السلام در شرایط بسیار سختی صورت گرفت؛ به طوری که هم اکنون، پس از چهارده قرن، شیعیان به یاد مصیبت ها و مظلومیت های امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت، اشک می ریزند.

اصولاً انقلاب های پایدار و جهانی، همواره با ریخته شدن خون، به ثمر می نشینند. قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از این ویژگی مثتثنی نیست و آن هم با ایثار و جانبازی آن حضرت و یارانشان، به پیروزی خواهد

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳

رسید.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَلَنَبلُوَنَّکُم بِشیءٍ مِنَ الخَوف وَالجُوع...» (۱) می فرمایند: «لَو قَد خَرَجَ القائِمَنا لَم یَکُن اِلا العَلَق والعَرَق وَالقَوم عَلی السُّروج» (۲)؛ «هنگامی که قائم ما قیام کند، خون است و عرق ریختن و سوار بر مرکب ها بودن».

تحلیل و نتیجه

از مجموع آن چه گذشت، می توان این گونه نتیجه گرفت که مذهب و مکتب تشیع بر مبنای دو عنصر مهم عاشورا و انتظار، استوار است. پیروان این مکتب، همان گونه که از حماسه عاشورا به نیکوترین وجه، تجلیل به عمل می آورند و در رثای اباعبدالله علیه السلام و خاندان و اصحاب آن حضرت عزاداری می کنند، چشم به راه ظهور حجت خدا و آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز هستند؛ تا از پرده غیبت بیرون آید و آلام و رنج ها ی را تسکین بخشد.

دلایل، مؤیدات، اشتراکات و قرابت هایی که ذکر شد، بیش از پیش بر این حقیقت، صحّه گذارد که مفاهیم «عاشورا» و«انتظار»، از سطح یک حادثه و عقیده فراتر رفته و تبدیل به دو فرهنگِ بالنده شده اند.

عاشورا به عنوان فرهنگ حماسه و ایثار، زمینه درک و فهم انتظار

۱- «و البته شما را به پاره ای از سختی ها چون ترس و گرسنگی و... می آزماییم»؛ سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۵۹

را برای پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام فراهم کرد و اگر عاشورا و عبرت ها و درس هایی که از آن حاصل شد، نبود، اسلام از مسیر خود، منحرف، و چهره مکتبِ بر حقّ تشیع، در گرد و غباری که دنیاپرستان و کج اندیشان به پا کرده بودند، مخدوش می شد. همان طور که اگر انتظار نبود، تمام زحمات و رنج هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام برای حیات اسلام کشیده بودند، کاملاً به هدر می رفت و از اسلام راستین، نام و نشانی باقی نمی ماند.

عاشورا، بال سرخ و انتظار، بال سبزی است که شیعیان می توانند با آن دو اوج بگیرند. میان این دو فرهنگ، پیوندی ناگسستنی وجود دارد؛ به طوری که با بررسی عناصر و مؤلفه های هر کدام، در خواهیم یافت که میان آنان، انطباق و هم پوشانی کامل بر قرار است.

در رأس عناصر عاشورا و انتظار، دو حجت الهی قرار دارند که با شناخت ابعاد مختلف پیوندِ میان این دو حجت خداوندی، در واقع به شناخت و درک پیوند عاشورا و انتظار خواهیم رسید و آن گاه کیفیت نقشی که این دو فرهنگ در حاکمیت احکام و ارزش های الهی در سرتاسر عالم دارند، مشخص خواهد شد.

□□□

درس های عاشورا برای منتظران

حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی حائری پور

حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی حائری پور (۱)

تردیدی نیست که قیام امام حسین علیه السلام در حصار زمان و مکان نمی گنجد؛ بلکه زمان ها و مکان ها را در نوردیده و بر همه تاریخ، نورافکنی می کند. عاشورا یک مکتب و فرهنگ است که باید از آن درس گرفت و در زندگی به کار بست. آری! باید با عاشورا زندگی کرد و در هوای کربلا بال و پر گرفت تا بتوان به مفهوم واقعی اسلام و تشیع، دست یافت.

عاشورا آغاز راهی است که به جاده انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتهی می گردد. در حقیقت، عاشورائیان، همان منتظرانند و اهل انتظار، تربیت شده و درس گرفته عاشورا. پس شایسته است که بر درس های عاشورا-که مشق امروز منتظران است- مروری داشته باشیم.

۱- محقق و پژوهشگر عرصه مهدویّت.

۱. معرفت نسبت به امام

آنچه در واقعه عـاشورا، اصـل و ریشه همه فضـیلت هاست، گوهر معرفت و شـناخت امام حق است. یاران حسـین علیه السـلام، عـاشورایی شدنـد و جاودانه گردیدنـد؛ چون امام خود را شـناختند و با همین شـناخت، تا پای جان با امام خویش ماندنـد و در نـتیجه به فوز عظیم (۱) رسـیدند. در مقابل، یزیـدیان که از شـناخت امام حق، بازماندنـد، به پیشوای باطل گرویدند و برای ابد، سعادت را باختند.

در تاریخ آمده است زمانی که رویارویی دو لشگر قطعی شد، امام حسین علیه السلام آیه استرجاع را تلاوت نمود و چون علی اکبر علیه السلام، جوان رشیدش، علت را جویا شد، در جواب فرمود: «گویا به گوشم شنیدم که این کاروان به سوی مرگ می رود!» علی که سرشار از عرفان و شـناخت است، پرسـید: «آیا ما بر حق نیستیم؟!» و هنگامی که پدر، صحبتش را تأیید نمود، با افتخار فریاد زد: «اذاً لانبالی بالموت»؛ «در این صورت، ما را از مردن باکی نیست؛ بلکه برای آن، آغوش گشوده ایم!»

آری! این گونه است که شـناخت امام و راه و هدف او، آدمی را اسـتوار و پایدار می کند. امروز نیز، منتظران عاشورایی باید با همه توان، مهدی آل پیامبر علیهم السلام را به عنوان مظهر حق و تنها راه منتهی به

۱- در پایـان زیـارت وارث، خطـاب به شـهدای کربلاـ می خوانیم: «.... و فزتم فوزاً عظیمـا»؛ «شـما به رسـتگاری بزرگ دست یافتید».

خدا (۱) بشناسند و حق و باطل و معروف و منکر را با او محک بزنند (۲)؛ چرا که اگر جز این باشد قطعاً از مسیر حقیقت، گمراه شده و به دامن یزیدیان زمان، خواهند افتاد.

اگرچه امروز، امام منتظران، غایب است؛ ولی کسب معرفت امام خواهد توانست که بین منتظران و امامشان، پیوند برقرار کند و منتظران را در همین عصر، در خدمت امام و اهداف او قرار دهد.

۲. حمایت کامل و خالص از امام

یکی از درس های مهم عاشورا، حمایت کامل از امام حق است. امروز نیز منتظران باید پیوسته در اندیشه حمایت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند. اگر حمایت از حسین بن علی علیه السلام به حضور در جبهه جنگ نظامی بود، حمایت از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضور در جبهه های گوناگون فکری و فرهنگی است. منتظران، باید در مقابل هجوم فرهنگ بیگانه به فرهنگ دینی و قرآنی، هوشیار باشند تا بتوانند خود دیگران را در مقابل خطرات آن، حفظ کنند.

آری! حمایت از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حمایت از اهداف الهی اوست و همان طور

۱- در زیات حضرت صاحب الامر، می خوانیم: «السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره هلک»؛ «سلام بر تو، ای راه خدا که هر که غیر آن راه را برود هلاک شده است».

۲- در زیارت آل یاسین می خوانیم: «فالحق ما رضیتموه و الباطل ما اسخطتموه و المعروف ما امرتم به والمنکر ما نهیتم عنه»؛ «حق همانست که شما به آن راضی هستید و باطل همانست که شما بر آن خشم می گیرید و معروف آن است که شما به آن امر می کنید و منکر آنست که شما را از آن نهی می کنید».

که عاشورائیانِ سال ۶۱ هجری، بـا اخلاص تمـام، از امام خود حمایت کردنـد، منتظران هم بایـد مخلصانه در این میـدان پای گذارند و بدون هیچ چشم داشتی، تلاش کنند تا کارها به بار نشیند و ثمراتش ماندگار گردد.

۳. وفاداری به امام

درس بزرگ عاشورا، وفاداری کامل، نسبت به امام حسـین علیه السـلام بود؛ به گونه ای که هیـچ تشویق و تهدیـدی نتوانسـت حسـینیان را از مولایشان جـدا کنـد؛ تا آن جا که امام حسـین علیه السـلام به وفاداری ایشان گواهی داد و آنان را بی نظیر و بی مانند خواند.

در شب عاشورا، امام حسـین علیه السـلام، یاران خود را فراخوانـد و بیعت خویش را از آنان برداشت تا هر که تمایلی به ماندن نداشت، از معرکه کربلا بگریزد؛ اما هریک از آن شـیرمردان و نمونه های بی نظیر مردانگی، به بیانی و کلامی، اعلام وفاداری نمودند و آرزو کردند که کاش، هزار جان داشـتند تا در پای حسـین علیه السـلام نثار کنند. سرسلسـله آن اسطوره های عشق و ایثار، حضـرت اباالفضل علیه السـلام، اسوه بزرگ وفا و برادری بود که امان-نامه دشمن را با خشم و قهر رد کرد و همه هستی خود را فـدای مولای خویش نمود و جاودانه شد. منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز شایسـته است که هر روز با امام خود، تجدید عهد کنند و وفاداری خود را این گونه به امام، اثبات نمایند: «فابذل نفسـی و مالی و ولدی و اهلی و جمیع ما خوّلنی ربّی

بین یدیک» (۱)؛ «جان و مال و فرزندان و خاندانم و همه آن چه پروردگارم به من عطا فرموده را در پیشگاهت نثار می کنم». نشانه صداقت در این عهد و پیمان، آن است که هر لحظه، در خدمت امام و اهداف او باشند و جز به رضای او فکر نکنند.

۴. صبر و پایداری

از دیگر درس های مهم عاشورا، صبر و پایداری در حمایت از دین خدا و امام زمان است. کم نبوده اند کسانی که ادعای دین داری داشته اند؛ اما سختی های راه را تاب نیاورده اند و از میانه راه برگشته-اند. ولی عاشورائیان تا پای جان ایستادند و در حمایت و وفاداری، سنگ تمام گذاشتند.

منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم باید برای تحقق زمینه های ظهور، در جبهه انتظار، استوار و مقاوم بمانند و از زخم ها و نیش هایی که بر دل و جانشان می نشیند، خسته نشوند؛ بلکه از آن استقبال کنند؛ همان طور که حسینیانِ عاشورائی از زخمِ شمشیرها و نیزه ها نهراسیدند، بلکه در راه خدا از آن استقبال کرده و به روی شهادت، لبخند زدند (۲) و همان گونه که بانوان عاشورایی، سختی طاقت فرسای اسارت را به جان خریدند و به زیبایی، پیام کربلا را به شهرها و نسل های آینده رساندند.

۱- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام .

۲- حضرت قاسم بن حسن علیهما السلام در شب عاشورا فرمودند: «شهادت نزد من از عسل شیرین تر است».

در این میدان، الگوی صبر و استقامت، حضرت زینب کبری علیها السلام است که با اقتدا به مقتدای بزرگ خود، حضرت زین العابدین علیه السلام، به نیکوترین شیوه، رسالت خویش را انجام داد و کربلای حسین علیه السلام را در تاریخ، جاودانه ساخت. آن حضرت، با وجود آن همه مصیبت و سختی، در جواب یزید ملعون فرمود: «ما رأیت منه الاّ جمیلاً»؛ «من از خدای خود، جز زیبایی ندیدم» و به این ترتیب، درس بزرگی به همه تاریخ داد و آن، این که در راه حق و حقیقت، استواری و پایداری، مهم ترین وسیله برای رسیدن به پیروزی است.

آری! همان گونه که عاشورائیان برای نجات اسلام عزیز و حمایت از ولی خدا، هر گونه سختی را بر جسم و جان خریدند؛ اهل انتظار هم برای ترویج فضیلت ها و حفظ راه و رسم دین داری و تحقق ارزش ها در جامعه، باید صبور باشند؛ از کمی نفرات نلرزند و به خود ناامیدی راه ندهند که طلیعه ظهور، نزدیک است و صبح ظفر، قریب.

۵. فریاد علیه ظلم و ظالمان

حسینیان با اقتدا به امام خود، در برابر ظلم و ظالمین قیام کردند و این، خود، درس دیگری برای منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ تا در طول زمان غیبت، هر کجا فرصتی دست داد، در برابر ستمگران موضع بگیرند و بر سر ظالم، فریاد عدالت خواهی بزنند. همان گونه که در زیارت عاشورا می خوانیم: «فلعن الله امّه اسّست اساس الظّلم و الجور

علیکم اهـل البیت... برئت الی الله و الیکم منهم و من اشـیاعهم و اتبـاعهم و اولیائهم»؛ «خـدا لعنت کنـد امتی را که مبنای ظلم و ستم را بر شـما، اهـل بیت علیهم السـلام بنـا نهادنـد... من به سوی خـدا و به سوی شـما از ایشان و نیز از پیروان و دنباله روان و دوستان ایشان بیزاری می جویم». (۱)

تبرّی که از فروع دین است، جهت حرکت ما را مشـخص می کند و پیوسـته هشدار می دهد که نباید با ظالمان هم کاسه شد و دست در دست آن ها گذاشت و یا حتی در برابر ظلم و تباهی آن ها، ساکت نشست.

۶. اعلام دوستی و اظهار نسبت به امام

آدمی با عشق و محبت شـناخته می شود و دل بستگی ها و دوستی هایش، جهت زندگی و مرگش را ترسیم می کند. در جبهه عاشورا، یاران حسـین علیه السـلام بیشترین عشق و ارادت را به حسـین بن علی علیه السـلام داشـتند و آن را به خوبی به نمایش گذاردنـد. علاقه به فرزنـد، مهر مادری، محبت پـدری، ارتباط و علقه همسـری و نه هیـچ دوستی دیگری، مانع از آن نشـد که یاران امام، قلب خود را به امام خویش بسپارند و همه هستی خود را فدایش کنند.

منتظران عاشورایی هم به امام خود، عشق می ورزنـد؛ در عشق او می سوزنـد و بی صبرانه ظهور او را چشم به راهند: «مَتی تَرَانا و نَریکَ

۱- مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

وَ قَدْ نَشَرْتَ لِواءَ النّصرِ تُری اترانَا نَحُفُّ بِکَ وَ انتَ تامُّ الملأ»؛ (۱)«کی می شود که تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم؛ در حالی که پرچم پیروزی را بر افراشته ای؟! آیا [می شود که] ما را ببینی در آن حال که گرد وجودت حلقه زده ایم [و آماده جانبازی هستیم] و تو مردمان را رهبری می کنی؟!»

□□□

۱- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

زن در آینه قیام حسینی و قیام مهدوی

حجت الاسلام و المسلمین عباس خادمیان

حجت الاسلام و المسلمین عباس خادمیان (۱)

بـا آفرینش زن، برگ ظریفی به برگ هـای زرین عالمِ وجود افزوده شـد؛ چرا که زن، جلوه ای از صـفات جمال و جلال الهی بود که اراده خداوند بر آشـکار شدنش تعلق گرفته بود. این نور الهی از آغاز آفرینش تا کنون، اعصار تلخ و شـیرینی را سپری کرده و جز در موارد محدود، برفطرت خویش اسـتوار مانده است. تاریخ،به خوبی مؤید این مطلب است که زنان صالح، همراه بـا حرکت انبیای الهی و دوشادوش مردان صالـح، در طریق هـدایت و خـداپرستی گام برداشـته انـد.قرآن – این کتاب هـدایت بشری– در کنار هر مرد صالح و با ایمانی، از یک زن صالح و با ایمان یاد می کند؛ چنان چه از همسران آدم و ابراهیم، از

۱– محقق و پژوهشگر.

مادران موسی و عیسی علیهم السلام و... در نهایت تجلیل، یاد کرده است. قرآن، درباره مادر موسی علیه السلام می فرماید: «ما به مادر موسی وحی کردیم که کودک را شیر بده و هنگامی که بر جان او بیمناک شدی، او را به دریا بیفکن و نگران نباش؛ که ما او را به سوی تو باز خواهیم گرداند» (۱).

قرآن، هم چنین در موارد متعددی از مریم علیها السلام - مادر حضرت عیسی علیه السلام – به نیکی یاد می کند و تصریح می نماید که ملائکه همواره در محراب عبادت با او سخن می گفتند؛ از غیب برای او روزی می رسید و از لحاظ مقامات معنوی، آن گونه اوج گرفته بود که پیغمبر زمانش- زکریا علیه السلام - را در حیرت فرو برده بود. (۲)

در تاریخ اسلام نیز نمونه های فراوانی از زنان والامرتبه می توان یافت. خدیجه علیها السلام -همسر بزرگوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - نمونه اتمّ و اکمل یک زن شایسته است. چنان چه، امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف احوالات زمان شروع بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «آن روزها تنها سرپناهی که خانواده ای اسلامی را در خود جای داده بود، خانه پیامبر و خدیجه علیهما السلام بود و من سومین آنان بودم» (۳).

۱- سوره قصص، آیه ۷.

۲- سوره مریم، آیه ۱۷.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز در چنان مقام و مرتبه ای قرار دارند که قلم، از بیان فضایل ایشان عاجز است. بی تردید، هیچ کس - جز پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام - به مقام و منزلت ایشان نمی رسد؛ چرا که ایشان بر تمامی امامان و پیامبران- جز حضرت ختمی مرتبت- برتری دارد؛ تا جایی که فرزند گرامی اش حضرت حجت بن الحسن علیهما السلام می فرماید: «دختر رسول خدا، فاطمه زهرا علیها السلام برای من الگوی تمام عیار است» (۱).

الف. نقش زنان در قیام عاشورا

یکی از مهم ترین اتفاقات عظیم تاریخ اسلام، «حماسه جاودانه عاشورا» است. عاشورا، میدان نبرد جبهه حق و باطل بود و در آن ماجرا، زنان، چنان نقش کلیدی و اثرگذاری از خود نشان دادند که به جرأت می توان ادعا کرد که در آن عرصه، زن، نه در حاشیه، که در متنِ اصلی هنرنمایی می کرد. چه کسی می تواند نقش حضرت زینب علیها السلام و زنان و دختران امام حسین علیه السلام را در نهضت حسینی نادیده بگیرد؟ آیا حضور آنان، سبب پر رنگ شدن و ماندگاری قیام عاشورا نبود؟

آری! این گزارشگران و پیام آوران شیردل بودند که اصل قیام، حقانیت و مظلومیت حسینیان را زنده نگه داشتند؛ چراکه پس از واقعه حماسی و سوزناک عاشورا، رسالتِ سنگینِ بانوانِ کاروانِ

۱- لسان المیزان، ص ۳.

حسینی آغاز گردید. آنان با وجود شرایط سخت جسمی و روحی، می بایست از اندیشه، کلام و احساس خود، یاری بگیرند و بـا خطبه هـای پرشور خویش، مردمی را که در عمق وجود خود، اسـیر تارهـای عنکبوتی نـادانی و تمایلات نفسانی بودنـد، در پرتو نور حقانیت قیام امام حسین علیه السلام قرار دهند.

این جاست که به هـدف والای امام حسـین علیه السـلام از همراه کردن زنان و کودکان با کاروان خویش، پی می بریم. شـهید مطهری در این باره می فرماینـد: «ابا عبـد الله علیه السـلام اهل بیت خودش را حرکت می دهـد برای این که در تاریخ، رسالتی عظیم را انجـام دهنـد؛ برای این که نقش مسـتقیمی در سـاختن این تاریـخ عظیم داشـته باشـند؛ امـا بـا قافله سالاری زینب علیها السـلام و بـدون آن که از مدار خودشان خارج شوند. از عصـر عاشورا زینب علیها السـلام تجلی می کند و از آن به بعد، به او واگذار شده بود».

البته در این مختصـر، مجـال بیـان فضایـل آن بـانوی بزرگوار، نیست؛ به همین جهت، به بیان احوالات دیگر زنان قهرمان کربلا اکتفـا می کنیم. اگرچه نبایـد فراموش کرد که روشـنگری هـای تبلیغی و فرهنگی این بانوان نیز به رهبری و مـدیریت حضـرت زینب علیها السلام صورت گرفته است.

سخنرانی و خطابه های زنان در حماسه حسینی

پیـام رسـانی و افشـاگری جنایـات یزیـدیان، چه در سـفر اسـارت و چه پس از بـازگشت به مـدینه، به معنای پاسـداری و تثبیت فرهنگ زلال

عـاشورا بود که بـانوان خیـام حسـینی، این امر مهم را به دو شـیوه خطبه خوانی و گفتگوهـای پراکنـده، به نحو احسن، به انجام رساندنـد. مسـلماً اگر تلاش این بزرگواران نبود، امروز حادثه عاشورا به این روشـنی تجلی نمی کرد و چه بسا آن واقعه عظیم، در صـندوقچه تاریـخ مانـده بود. اگر نـدای حق طلبی و ظلم ستیزی شـهیدان کربلا از حنجره بانوان به اسارت گرفته شـده، بلند نمی شد جامعه خفته آن روز، متحول نمی شد.

به همین جهت است که سـخنرانی هـای بانوان هاشـمی را می توان مهم ترین عامل روشـنگری و در نتیجه، برانـدازی حکومت یزید به حساب آورد؛ چرا که آنان با اخطارها و هشدارهای خود، ضربه سنگینی به پیکر عناد و نفاق آل امیه وارد نمودند.

اسارت این بانوان، اگرچه اجباری و ناخواسـته و در قابل یک تهدید بود، ولی با مدیریت آگاهانه حضـرت زینب علیها السلام، این تهدید به فرصتی تبدیل شد که از طریق آن توانستند پیام خود را به گوش جهانیان برسانند.

آنان اسارت را به آزادی تبـدیل کردند و در قابل اسارت ظاهری، به اسـیران واقعی نفس، درس حریت و آزادگی دادند. تأمل درباره شخصـیت و موقعیت هر یک از این زنان، می توانـد عظمت و بزرگی اقدامات شایسـته آنان را جلوه گر نماید و درسـی برای تمامی زنان، به خصوص بانوان منتظر در عصر غیبت باشد.

شرح حالی از بانوان قهرمان کربلا

۱. رباب؛ همسر امام حسین علیه السلام

رباب، دختر «امرء بن عدی بن اوس» بود. او در کربلا حضور داشت و شاهد شهادت همسر و فرزند شیرخواره اش، علی اصغر، بود و پس از اتمام حادثه کربلا و اسارت، در میدنه ساکن شد. در برخی روایات آمده است که پس از بازگشت اسرا به مدینه، رباب دستور داد که سقف خانه اش را بردارند و خود و دخترش، سکینه، در خانه بی سقف روزگار می گذراندند. هرگاه به او گفته می شد که از زیر آفتاب سوزان برخیز؛ با گریه و شیون پاسخ می داد: «من با چشمان خود، حسین علیه السلام را دیدم، در حالی که گرمی آفتاب، بدنش را می گداخت». ایشان، به این شیوه، از ستم یزید و عمالش، افشاگری می کرد.

۲. ام البنین؛ مادر چهار شهید

فاطمه، دختر «حزام بن خالد»، از همسران بسیار با کمال امام علی علیه السلام و از خانواده شجاع «بنی کلاب» بود. عقیل، برادر علی علیه السلام او را برای آن حضرت، خواستگاری و تزویج کرد. او را هنگامی که از امام علی علیه السلام، دارای چهار پسر – عباس علیه السلام، عبدالله، جعفر و عثمان – شد، ام البنین (مادر پسران) کنیه دادند. تمامی پسران او در سپاه امام حسین علیه السلام جنگیدند و در رکاب ایشان به شهادت رسیدند.

ام البنین، وقتی خبر شهادت فرزاندنش را در ماجرای کربلا شنید، به سوگ نشست و تا آخر عمر، به یاد آن ها– به خصوص عباس

دلاور- عزادری نمود. نقل است که وی ضمن اشعاری می گفت: «ای کسی که فرزند رشیدم عباس را دیدی که همانند پدرش بر دشمنان می تاخت؛ فرزندان علی علیه السلام شیران بیشه شجاعت اند. شنیده ام بر سر عباس، عمود آهنین زدند، در حالی که دست های او را قطع کرده بودند. اگر دست در بدن پسرم بود، چه کسی جرأت داشت نزد او آید و با او بجنگد؟»

ام البنین به امام حسین علیه السلام علاقه وافری داشت؛ به گونه ای که وقتی بشیر به مدینه آمد و اخبار کربلا را به مردم رساند، ام البنین نزد او رفت و پرسید: «از امام حسین علیه السلام مرا خبر بده؛ فرزندانم و همه آن چه زیر آسمان کبود است، فدای حسین علیه السلام باد!» و وقتی خبر شهادت امام حسین علیه السلام را شنید، ناله اش بلند شد و گفت: «رگ های دلم را پاره کردی».

این علاقه، نشان از کمال معنویت او دارد که با وجود آن همه ایثارگری در راه امام، باز هم، تنها از امام سخن به میان می آورد (۱)

آری! این شیر زنان، با پرورش سربازانی دلیر و شجاع برای دفاع از دین و ولایت، حضور مؤثر خود را در میدان نبرد حق علیه باطل، خود نشان دادند.

۱- مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۹۲.

۳. مادر و همسر وهب؛ تازه داماد کربلا

کـاروان امام حسـین علیه السـلام در مسـیر حرکت به سوی کوفه، به سـرزمین سـرسبزی به نام «ثعلبیه» رسـید. در آن جا، چشـم حضـرت بـه خیمـه ای افتـاد و به سـمت آن رفتنـد. در خیمه، پیرزنی مسـیحی را یافتنـد که در انتظـار پسـر و عروسـش بـود که گوسـفندان را برای چرا برده بودند. امام از احوالات آن ها پرسـید و پیرزن، از کمبود آب آشامیدنی گفت. امام علیه السـلام - که همواره دلش برای نیازمندان می تپید- با نیزه خود، قسمتی از خاک زمین را کنار زد و ناگهان، آب از زمین جوشید. پیرزن که از این واقعه متحیر شـده بود، مجـذوب بزرگواری امام علیه السـلام شـد. امام علیه السـلام جریان مسافرتش را به او گفت و فرمود: «هرگاه پسرت آمد، به او بگو که اگر می خواهد به کمک ما بیاید».

پس از حرکت کاروان امام علیه السـلام، وهب به خیمه بازگشت. این جوان پاک دل، وقتی آب خوشـگوار را دیـد و از ماجرا مطلع شـد، مجـذوب امام علیه السـلام گردیـد و با این که تنها پنج – یا هفده - روز از عروسـی اش می گذشت، همراه مادر و همسر خود به خدمت امام علیه السلام رفت.

این خانواده نیک سـرشت، چنان به امام ایمان آورده بودنـد که پس از گفتگوی کوتاهی، همگی به اسـلام گرویدنـد. در روز عـاشورا، مـادر شـجاع وهـب، به او گفت: «به جـای شـیری که به تـو داده ام، از تـو می خـواهم که جـانت را در طبـق اخلاـص بگذاری وبا دشمن امام علیه السلام تا سر حدّ شهادت بجنگی». وهب گفت: «در مورد همسرم چه کنم؟»

مادر جواب داد: «عزیزم! جمال همیشگی را به جمال چند روزه، نفروش». سخنان مادر، وهب را دگرگون و قلبش رالبالب از عشق امام حسین علیه السلام کرد.

در هنگام وداع، همسرش به او گفت: «جان من و تو، هزاران بار فدای امام حسین علیه السلام باد! من از تو یک تقاضا دارم و آن، این که در حضور امام، با من تعهد کنی که تا وقتی به تو ملحق نشده ام، وارد بهشت نشوی». وهب قبول کرد و در حضور امام علیه السلام تعهّد خود را اظهار نمود.

سپس به میدان رفت و گروهی از دشمنان تبه کار را کشت و آن گاه، در حالی که از شمشیرش خون می چکید، نزد مادر آمد و گفت: «آیا از من خشنود شدی؟» مادر گفت: «از تو خشنود نخواهم شد، تا در پیشاپیش امام علیه السلام کشته شوی».

وهب دوباره به میدان تاخت و هم چنان جنگید تا به شهادت رسید. پس از شهادت او، همسرش، خود را به پیکر در خون تپیده او رساند و سرش را روی سینه او گذارد. در همان حال، کسی از سپاه یزید، عمودی آهنین بر فرق او کوبید و او را نیز به شهادت رساند.

هنگامی که بدن به خون آغشته وهب را نزد عمر بن سعد بردند، عمر نگاهی به او کرد و گفت: «حملات تو، چه سخت و شدید بود!». آن گاه دستور داد که سرش را از بدن جدا کردند و به سوی مادرش بیفکنند.

مادر، سرِ جوانش را برداشت و بوسید و گفت: «سپاس خداوندی را که با شهادت تو- در رکاب امام حسین علیه السلام - مرا رو سفید کرد». سپس غرش کنان برخاست و سرِ وهب را به سوی دشمن پرت کرد و گفت: «سری که برای دوست داده ایم، باز نمی ستانیم». آن گاه به خیمه آمد و ستون خیمه را برداشت و به جنگ دشمن شتافت. پس از آن که دو تن از دشمنان را کشت، امام حسین علیه السلام او را به خیمه بازگرداند و برای او دعا کرد و به او مژده بهشت داد. مادر وهب، خوشحال شد و گفت: «خدایا! امید بهشت را از من مگیر» (۱).

۴. همسر زهیر بن قین

زهیر،بزرگ طایفه بنی فزاره، به همراه عده ای از افراد قبیله اش، از کوفه به حج رفته بود. در مکه، ماجرای حرکت امام حسین علیه السلام را شنید، اما از آن جایی که آمادگی معنوی برای حمایت آن حضرت نداشت، در صدد بود کاروانش را در راه بازگشت، از مسیری حرکت دهد که با کاروان امام حسین علیه السلام برخورد نکند تا ناچار به یاری او شود. از این رو سعی او بر این بود که دور از کاروان امام حرکت کند و به ایشان و همراهانشان نزدیک نشود.

در یکی از منزلگاه ها -که زهیر و همراهانش مشغول خوردن غذا

۱- خواهران قهرمان، محمد محمدی اشتهاردی، ص ۱۷۰. اقتباس و تلخیص از: ریاض الانس، کاشانی، ج ۱، ص ۱۱؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۰۰.

بودند- فرستاده ای از طرف امام، نزد آنان آمد و خطاب به زهیربن قین گفت: «ای زهیر! امام علیه السلام خواسته است که نزد او بروی». در آن هنگام، هرکس که لقمه ای در دست داشت، از تعجب آن را انداخت و سکوت همه را فرا گرفت.

ناگهان از گوشه ای، صدای پرشور همسر زهیر بلند شد که: «ای زهیر! فرستاده امام به این جا آمده است. چرا جوابش را نمی دهی؟ چه می شود به حضور امام علیه السلام بروی و سخنش را بشنوی؟!» سخنان همسر زهیر، تأثیر به سزایی بر او گذاشت. به همین جهت به خدمت امام علیه السلام رسید. این ملاقات نورانی، محبت دنیا را از زهیر دور کرد و خورشید ایمان و عشق به آن حضرت را در وجود او پر فروغ تر نمود؛ تا جایی که به لشگر او پیوست و در روز عاشورا، عاشقانه از ایشان دفاع کرد و با شجاعتی بی نظیر، پس از کشتن عده ی زیاد به فیض شهادت نایل گردید (۱).

وقتی زهیر به شهادت رسید، امام حسین علیه السلام به بالین او آمد و فرمود: ای زهیر! خدا تو را در پیشگاهش جای دهد و دشمنانت را آن چنان لعن کند که به صورت بوزینه و خوک درآیند. (۲)

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - در زیارتی که سید بن طاووس رحمه الله، آن را

۱- لهوف، ص ۱۳۲.

۲- سیمای خواهران قهرمان، ص ۱۷۳.

منسوب به آن حضرت می دانـد- می فرماید: «درود بر زهیر بن قین که به امام حسـین علیه السـلام گفت: هرگز از تو دست بر ندارم، آیا پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در میان دشمنان بگذارم و بروم؟ خدا مرا برای آن روز نگذارد».

ب. نقش زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی دیگر از مهم ترین و سـرنوشت سازترین حرکت ها و وقایع جهان بشـری، انقلاب حضـرت مهـدی علیه السـلام است. لـذا سزاوار است بدانیم زنان در این قضـیه مهم، چه نقشـی ایفا می کنند و چه مسؤولیتی بر عهده دارند. بر اساس برخی از روایات، حضور و نقش این زنان از نظر زمان و موقعیت، چند صورت دارد:

حضور پنجاه زن در بین یاران امام

امام باقر علیه السـلام در بیان بعضـی از نشانه های ظهور، می فرماید: «و یجیء والله ثلاث مئه و بضـعه عشـر رجلا فیهم خمسون امرأه یجتمعون بمکه علی غیر میعـاد قزعاً کقزع الخریف یتبع بعضـهم بعضـها و هی الآیه التی قال اللّه: "أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیر (۱)"» (۲)؛ «به خـدا سوگند، **۳۱۳** نفر می آینـد که پنجاه تن از این عـده زن هسـتند و بدون هیچ قرار قبلی، در مکه کنار یک دیگر جمع خواهند شد. این است معنای آیه شریفه: هر جا باشید خداوند همه شما را

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

حاضر می کند، زیرا او بر هر کاری توانا است».

نکته شگفت در این روایت، این است که از ۳۱۳ نفر، پنجاه تن زن هستند. این افراد، جزء همان ۳۱۳ یار اصلی هستند؛ زیرا اولاً امام علیه السلام می فرماید: «فیهم» و اگر مقصود، همراهی خارج از این عده بود، امام علیه السلام می فرمود: «معهم»، دوم اینکه شاید تعبیر «مردان» بدین سبب باشد که بیشتر این افراد، مرد هستند و این کلمه از باب فزونی عدد مردان، چنین ذکر شده است.

رجعت زنان

این اعتقاد مسلم شیعه است که هم زمان با ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام، برخی از پیامبران (مانند حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم) و معصومین (همانند امیر مؤمنان علیه السلام و امام حسین علیه السلام) و برخی از مؤمنان حقیقی و پیروان اهل بیت علیهم السلام، به اذن پروردگار زنده خواهند شد و بار دیگر به دنیا باز خواهند گشت. بازگشت این عده، نه تنها غیرممکن نیست؛ بلکه از نظر قرآن کریم، این پدیده، امری مسلم قلمداد شده و در آیات متعددی، به آن سخن اشاره شده است (۱).

سید مرتضی رحمه الله در این باره می نویسد: «علت این که شیعه عقیده دارد خداوند در موقع ظهور امام زمان علیه السلام، برخی از مردگان را زنده می کند، این است که به ثواب یاری امام زمان علیه السلام نائل آیند و دولت حق

۱- ر ک: سوره بقره، آیه ۲۴۳ و ۲۵۹.

آل محمـد عجل الله تعالی فرجه الشریف را که در انتظار آن بوده انـد، از نزدیک شاهـد باشند و انتقام گیری از ظالمان را به چشم ببینند و از ظهور حق و اعتلای کلمه توحید، لذت ببرند» (۱).

در میان کسانی که به دنیا رجعت خواهند کرد، گروهی از زنان باایمان نیز هستند. در منابع معتبر اسلامی، نام سیزده زن ذکر شـده که به هنگام ظهور قائم آل محمـد عجل الله تعالی فرجه الشریف زنـده خواهند شد و در لشگر امام زمان علیه السلام به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران، خواهند پرداخت.

طبری در دلائل الامامه، از مفضل بن عمر نقل کرده که او گفت: «امام صادق علیه السلام فرمود: "همراه قائم آل محمـد علیهم السلام سیزده زن خواهنـد بود". من پرسیدم: "آنـان را برای چه کاری می خواهـد؟" فرمود: "به مـداوای مجروحان پرداخته و سرپرستی بیمـاران را به عهـده خواهنـد گرفت". عرض کردم: "نـام آنان را بیان فرماییـد". فرمود: "قنواء دختر رشـید هجری، ام ایمن، حبابه والبیه، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده ام خالد احمسیّه، ام سعید حنفیه، صیانه ماشطه، ام خالد جهنیه"» (۲).

امام صادق علیه السلام در این روایت از میان سیزده زن، فقط نام هشت نفر را ذکر می کند. در کتاب خصایص فاطمی به نام «نسیبه، دختر کعب

۱- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۱.
۲- دلائل الامامه، ص ۲۶۰.

مازنیه» و در کتاب منتخب البصائر به نام «وتیره» و «أحبشیه» نیز اشاره شده است.

نکته مهم این جاست که در معارف شیعی، رجعت، برای مؤمنان، یک مقام ممتاز و ویژه است و لذا، شامل هرکسی نمی شود؛ مگر این که لیاقت این سعادت عظیم را به دست آورده باشد.

این گروه نیز بهای این توفیق بزرگ را پرداخته اند. برخی از آنان همچون صیانه، مادر چند شهید بوده اند و خود با وضعی جان سوز به شهادت رسیده اند. برخی دیگر چون سمیه، در راه دفاع از عقیده اسلامی خود، سخت ترین شکنجه ها را تحمل نموده و تا پای جان از عقیده خود دفاع کرده اند. گروهی دیگر هم چون ام خالد، نعمت تندرستی پیکر را برای حفظ پیکر اسلام، بر خود حرام کردند و جانباز شدند.

آری! آنان دل سوختگانی اند که با انجام آن رشادت ها ثابت کردند که می توانند گوشه ای از بار سنگین حکومت جهانی اسلامی را بر دوش کشند. در ادامه به معرفی برخی از آنان می پردازیم.

۱. صیانه ماشطه

در کتاب خصائص فاطمیه آمده است: «در دولت مهدی علیه السلام سیزده زن برای معالجه زخمیان، زنده شده و به دنیا باز می گردند، که یکی از آنان صیانه است که همسر حزقیل و آرایشگر دختر فرعون بوده است.

شوهرش حزقیل پسر عموی فرعون و گنجینه دار وی بوده است. او مؤمن خاندان فرعون بود و به پیامبر زمانش موسی علیه السلام ایمان داشت» (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در شب معراج، در مسیر بین مکه معظمه و مسجد اقصی، ناگهان بوی خوشی به مشامم رسید که هرگز مانند آن را نبوییده بودم. از جبرئیل پرسیدم: این بوی خوش چیست؟ گفت: ای رسول خدا! همسر حزقیل به حضرت موسی بن عمران ایمان آورده بود و ایمان خود را پنهان می کرد. عمل او آرایشگری در حرمسرای فرعون بود. روزی مشغول آرایش دختر فرعون بود که ناگهان شانه از دستش افتاد و در هنگام برداشتن شانه، بی اختیار «بسم الله» گفت. دختر فرعون پرسید: «آیا پدر مرا ستایش می کنی؟» گفت: «نه؛ بلکه کسی را ستایش می کنم که پدر تو را آفریده است و او را از بین خواهد برد». دختر فرعون، شتابان نزد پدرش رفت و گفت: «زنی که در خانه ما آرایشگر است، به موسی ایمان دارد».

فرعون او را احضار کرد و گفت: «مگر به خدایی من اعتراف نداری؟» صیانه گفت: «هرگز؛ من از خدای حقیقی دست نمی کشم و تو را پرستش نمی کنم». پس فرعون دستور داد، تنوری مسی بر افروزند و چون آن تنور سرخ شد، همه بچه های او را در حضور او در آتش اندازند. زمانی که خواستند نوزاد شیرخوارش را که در بغل

۱- ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۱۵۳؛ خصائص فاطمیه، ص ۳۴۳.

داشت، بگیرنـد و در آتش افکننـد، صـیانه منقلب شـد و خواست که با زبان از دین، اظهار برائت و بیزاری کند که ناگاه به امر خـدا، آن کودک به سـخن آمد و گفت: «ای مادر! صبر کن که تو راه حق را می پیمایی». فرعونیان آن زن و بچه شـیرخوارش را نیز در آتش افکندنـد و سوزاندنـد و خاکسترشـان را در ایـن زمیـن ریختنـد و تـا روز قیـامت ایـن بـوی خـوش، از این زمین استشمام می شود...» (۱).

آری! او از زنانی است که زنده می شود و به دنیا باز می گردد و در رکاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام وظیفه می کند.

۲. سمیه؛ مادر عمار یاسر

سمیه، هفتمین نفری بود که به اسـلام گروید. بدین سـبب، دشـمن سخت به خشم آمد و بدترین شکنجه ها را بر او روا داشت. ابوجهل، او و شوهرش، یاسـر، را مجبور کرد که به پیامبر خـدا دشـنام دهنـد؛ اما آنان حاضـر به چنین کاری نشدنـد. او نیز زره آهنین به سـمیه و یاسر پوشانید و آن ها را در آفتاب سوزان نگه داشت. پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم که گاه از کنارشان عبور می کرد، آنان را به صبر و مقاومت سفارش می نمود و می فرمود: «صبراً یا آل یاسر فان موعدکم الجنه» (۲)؛ «ای خاندان یاسر!

۱- منهاج الـدموع، ص ۹۳؛ به نقل از: نجم الـدین طبسـی، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، ص ۷۱.

۲- اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۸۱؛ ریاحین الشریعه، ج ۴، ص ۳۵۳.

صبر پیشه سازید که وعده گاه شما بهشت است». سرانجام ابوجهل بر هر یک، ضربتی وارد ساخت و ایشان را به شهادت رساند.

خداوند، این زن را به پاداش صبر و مجاهدتی که در راه اعتلای اسلام، نشان داد و بدترین شکنجه ها را در راه خدا تحمل کرد؛ در ایام ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام زنده خواهد نمود تا تحقق وعده الهی را ببیند و در لشگر ولیّ خدا به یاوران آن حضرت خدمت کند.

۳. امّ خالد

هنگامی که استاندار عراق، یوسف بن عمر، زید بن علی را در شهر کوفه به شهادت رسانید، دستِ امّ خالد را نیز به جرم تشیع و تمایل به قیام زید، قطع کرد. ابو بصیر می گوید: «خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که امّ خالد با دست بریده شده آمد. حضرت فرمود: ای ابا بصیر! آیا میل داری سخن امّ خالد را بشنوی؟ عرض کردم: آری و به آن شادمان می گردم. امّ خالد به نزد حضرت مشرف شد و سخنانی عرضه داشت. من او را در کمال فصاحت و بلاغت یافتم. حضرت علیه السلام نیز در مسأله ولایت و برائت از دشمنان با او سخن گفت» (۱).

مسأله مهمی که می توان به روشنی از سرگذشت او حس کرد، این است که اراده خداوند متعال، بر این بوده که اگر کسی در کمال غربت و گم نامی به حق روی کرد و در دین خدا ثابت قدم ماند؛ خداوند نیز در کنار اجرها و پاداش های اخروی، او را شهره جهان

۱- معجم رجال الحدیث، ج ۱۴ صص ۲۳ و ۱۰۸ و ۱۷۶؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۸۱.

می گردانـد و جزء یاوران بزرگ ترین واقعه انسانی که همانا حکومت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف است، قرار می دهد.

آخرین سخن

با در نظر گرفتن اطلاق ادله انتظار فرج (افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل (۱)) و یا روایت امام صادق علیه السلام در دعای عهد – که زنان و مردان را به طور مساوی در بر می گیرد- زنان نیز همچون مردان در صف منتظران حضـرت حجت قرار دارند. آن چه از روایات و معارف دینی اسـتفاده می شود، آن است که انقلاب حضـرت حجت با حضور یاران و سربازان مـؤمن و عـاشق صورت می پـذیرد و بـا در نظر گرفتن نقش تربیت در امر پرروش نیروهـای انسـانی، روشن می شود که اگر بر فرض، هیچ زنی هم در نهضت و قیام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور نداشته باشد؛ تمام مردان آن صحنه، بـا تلاش و تربیت زنان، لیاقت حضور پیـدا کرده انـد و این را می توان علاوه بر نقش حضور شخصـی، یک حضور فعال برای تمامی زنان لحاظ کرد.

جـای دارد در این جا سـخن امام خمینی رحمه الله را زینت بخش کلام خود کنیم که: «زن، نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن، مظهر تحقق آمال بشر

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

است. زن، پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن، مرد به معراج می رود. دامن زن، محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است» (۱).

□□□

۱- کلام امام، دفتر سوم، زن، ص ۱۱۱.

بررسی سندی زیارت ناحیه مقدسه

حجت الاسلام والمسلمین نجم الدین طبسی

حجت الاسلام والمسلمین نجم الدین طبسی (۱)

روش بحث

به طور معمول، مبنای پژوهش های مهدوی، بررسی موضوعی احادیث است؛ چراکه حجم و تعداد احادیث وارده در این زمینه، بسیار بیشتر از آن است (۲) که مجال بررسی تجزیه ای و رسیدگی به تک تک احادیث فراهم باشد.

مقصود ما از روش موضوعی، کنکاش و بررسی موضوعات مطرح در مبحث مهدویت است؛ موضوعاتی چون حکومت های بعد از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، داستان حضرت نرجس خاتون علیها السلام، قیام های دوران

۱- استاد حوزه و پژوهشگر.

۲- در معجم احادیث الامام المهدی با وجود فشردگی زیاد و حذف مکررات و ادغام احادیث متشابه، حدود ۲۵۰۰ حدیث آمده است که اگر به این تعداد، مستدرکات آن را هم اضافه کنیم، بالغ بر ۳۵۰۰ حدیث مهدوی به دست می آید!

ص:۱۵۰

غیبت، جزیره خضراء و...

در این پژوهش قصد داریم تا به موضوع زیارت ناحیه مقدسه بپردازیم که منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در گام اوّل، متن زیارت را از قدیمی ترین منبع نقل می کنیم؛ در گام دوم، به بررسی منابع و مصادر آن، از گذشته تا کنون خواهیم پرداخت؛ زیرا در مباحث روایی، کثرت نقل یا عدم آن، دلیل و مؤیدی بر اعتنا یا عدم اعتنا به روایت است.

گام سوم، بررسی سندی است؛ یعنی بررسی سلسله و طرق نقل زیارت و میزان اعتبار آن. در گام چهارم، گفتار بزرگان در رد یا قبول متن و مضمون، مطرح و پس از آن، بحث، نتیجه گیری و جمع بندی می شود.

مقدمه

قبل از ورود به بحث، لازم است بدانیم که دو زیارت با عنوان «زیارت ناحیه» و منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده است؛ «زیاره الشهداء یوم عاشورا» و«زیاره الناحیه» (مشهور).

موضوع ما در این پژوهش، زیارت دوم است؛ اما به تناسب بحث، ابتدا نکاتی را در رابطه با زیارت اول، مطرح می کنیم.

سند زیارت اول

مرحوم ابن طاووس در دو کتاب خود، «الاقبال» و «مصباح الزائر»

هر دوی این زیارات را نقل کرده است. وی، زیارت اول را این گونه روایت می کند:

«روینا باسنادنا الی جدی ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی رحمه الله قال حدثنا الشیخ ابو عبد الله محمد بن احمد بن عیاش قال حدثنی الشیخ الصالح ابومنصور بن عبد المنعم بن النعمان البغدادی قال: خرج من الناحیه سنه اثنین و خمسین و مأتین علی ید الشیخ محمد بن غالب الاصفهانی حین وفات ابی و کنت حدیث السن و کتبت استأذن فی زیاره مولای ابی عبدالله علیه السلام و زیاره الشهداء ــ رضوان الله علیهم ــ. فخرج الی منه:

بسم الله الرحمن الرحیم. اذا اردت زیاره الشهدا ــ رضوان الله علیهم ــ فقف عند رجلی الحسین علیه السلام و هو قبر علی بن الحسین ــ صلوات الله علیهما ــ فا ستقبل القبله بوجهک فان هناک حومه الشهدا. و أوم و أشر الی علی بن الحسین و قل: السلام علیك یا اول قتیل من نسل خیر سلیل من سلاله ابراهیم الخلیل صلی الله علیك و علی أبیك اذ قال فیك: قتل الله قوما قتلوك یا بُنی ما أجرأهم علی الرحمن و علی انتهاک حرمه الرسول. علی الدنیا بعدك العفا! کأنی بک بین یدیه ماثلاً و للکافرین قائلا:

اناعلی بن الحسین بن علی

نحن و بیت الله أولی بالنبی

أطعنکم بالرمح حتی ینثنی

أضربکم بالسیف أحمی عن أبی

ضرب غلام هاشمی عربی

والله لایحکم فینا ابن الدعی

حتی قضیت نحبک ولقیت ربک. أشهد أنک أولی بالله و برسوله و أنک ابن رسوله و ابن حجته و أمینه حکم الله لک علی قاتلک مره بن منقذ بن النعمان العبدی لعنه الله و أخزاه و من شرکه فی قتلک» (۱)

شیخ مفید و سید مرتضی نیز این زیارت را با حذف سند، در قسمت زیارات عاشورا نقل کرده اند.

برخی از پژوهشگران به این زیارت، اشکال هایی را وارد کرده اند که در ادامه به طرح و بررسی آن ها خواهیم پرداخت:

الف. تاریخ صدور توقیع

گفته شده است که تاریخ صدور این توقیع، سه سال قبل از ولادت امام زمان علیه السلام است و لذا نمی تواند به آن حضرت، منسوب باشد. در جواب این اشکال می گوییم:

۱. ممکن است در نوشتن یا خواندن و قرائت تاریخ، اشتباهی رخ داده باشد و عدد شش را به اشتباه، پنج خوانده باشند؛ یعنی تاریخ صدور آن سال ۲۶۲ه باشد.

۲. ممکن است این زیارت، از امامین عسکریین علیهما السلام باشد؛ چون در سند، تصریح نشده که این زیارت، از ناحیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد و فقط تعبیرِ «عن الناحیه المقدسه» آمده است.

ب. وجود افراد مجهول در سند

۱- الإقبال بالأعمال الحسنه، ج۳، ص ۷۳؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۶۹.

گفته شده است که در سلسله سند این توقیع، برخی افراد، چون «محمدبن احمدبن عیاش»، «ابومنصور بغدادی» و «محمد بن غالب اصفهانی»، مجهول الحال هستند.

این اشکال نیز چند جواب دارد:

۱. این متن، در بر دارنده برخی معارف و اخلاقیات و نکات تاریخی است که با مضامین دیگر ادعیه و زیارات و نصوص معتبر، مطابقت دارد؛ لذا نمی توان تنها به دلیل ضعف سندی، به آسانی از آن دست کشید؛ فتأمل.

شاید این روایت، نظیر زیارت جامعه باشد که سندش از نظر فنی دچار مشکل است (۱)؛ ولی بزرگان، آن را تأیید کرده اند. برای مثال امام خمینی رحمه الله فرموده اند: «قطعاً این متن زیارت جامعه، از امام معصوم است» و آیت الله وحید خراسانی نیز می فرماید: «این لفظ، لفظ غیر معصوم نمی تواند باشد و قطعاً از امام است. ما بعضی جاها باید از چارچوب تضعیف و توثیقات نجاشی و کشی خارج شویم».

دعای افتتاح نیز توقیع است؛ ولی متن دعا به گونه ای است که نمی تواند از غیر معصوم صادر شده باشد. دعای ندبه و ادعیه بسیار دیگری نیز از این دست هستند. پس این زیارت را نیز می توان از این جمله، محسوب کرد.

۲. موضوع مورد بحث، زیارت است و نه یک بحث فقهی و کلامی؛

۱- در سلسله راویان زیارت جامعه، «محمد بن موسی نخعی»، مجهول است.

تا نیاز به بررسی سندی داشته باشد. در نتیجه علی المبنا، قاعده «تسامح در ادله سنن»، مشکل ضعف سند را حل می کند.

۳. این متن، تقریباً با نصوص تاریخیِ فریقین مطابقت دارد و تنها اختلاف آن، در تعداد شهدای کربلا می باشد که ۸۰ نفر را نام برده است. اما این مورد نیز نمی تواند مشکل جدی محسوب شود چرا که بعضی از مورخین، عدد شهدای کربلا را تا ۱۰۳ و ۱۱۳ نفر هم ذکر کرده اند. پس نه تنها به سبب این اختلاف نظر، نمی توان این توقیع را کنار گذاشت، بلکه بالاتر از آن، می بایست این توقیع را محور قرار بدهیم و یا دست کم بگوییم، عدد مذکور قولی از اقوال است.

۴. کتب علمای رجال، در مقام توثیق برخی از روات، به فراز هایی از این زیارت استناد کرده اند و این، نشانگر آن است که این زیارت را تلقی به قبول کرده اند.

اما زیارت ناحیه معروف

سند زیارت

این زیارت را مرحوم ابن المشهدی در «المزار الکبیر» و مرحوم ابن طاووس در «مصباح الزائر» نقل کرده اند. علامه مجلسی نیز در بحارالانوار (۱)، آن را ذکر کرده و فرموده است: «الظاهر أنها من تألیفات السید و المفید ولعله

۱- بحارالانوار، ج ۹۸، ص۳۱۷.

وصل إلیهما خبر فی کیفیه الصلاه فانّ الاختراع فیها غیر جائز» (۱)

ابن طاووس نیز تصریح کرده است که سید مرتضی، امام حسین علیه السلام را با این عبارات، زیارت می کرده است: «زیاره بالفاظ شافیه یذکر فیها بعض مصائب یوم الطف یزار بها الحسین علیه السلام ».

البته معنای این عبارت، این نیست که الفاظ و عبارات زیارت ناحیه از سید مرتضی باشد؛ زیرا مرحوم مجلسی اول (مولا محمد تقی) نیز در رابطه با زیارت جامعه، در کتاب خود، روضه المتقین گفته است: «من در مدتی که در عتبات عالیات بودم، فقط با این الفاظ، زیارت می کردم». آیا معنای این جمله آن است که عبارات از خود او است؟!

بحثی درباره کتاب المزار الکبیر

محدّث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل (۲) و در وصف المزار می گوید:

«قال فی البحار: «کتاب کبیر فی الزیارات تألیف محمد بن المشهدی کما یظهر من تألیفات السید بن طاووس و اعتمد علیه و مدحه و سمّیناه بالمزار الکبیر» و قال فی الفصل الاخر: «و المزار الکبیر یعلم من کیفیه اسناده انه کتاب معتبر و قد أخذ منه السیدان ابنا طاووس کثیرا من الاخبار و الزیارات و قال الشیخ منتجب

۱- بحارالانوار، ج۹۸، ص۲۵۱.

۲- خاتمه مستدرک الوسائل، ج۱، ص۳۵۸ _ ۳۶۴.

الدین فی الفهرست: «ابو البرکات محمد بن اسماعیل المشهدی فقیه محدث ثقه». و منه یظهر انه معدود فی زمره الفقهاء کما انه یظهر من صدر کتابه الاعتماد علی کل ما أودعه فیه و انّ ما فیه من الزیارات کلها مأثوره و ان لم یستند بعضها الیهم علیهم السلام فی محله. قال بعد خطبته: «فانی قد جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات للمشاهد و ما ورد فی الترغیب فی المساجد المبارکات و الادعیه المختارات و ما یدعی به عقیب الصلوات و ما یناجی به القدیم تعالی من لذیذ الدعوات فی الخلوات و ما یلجأ الیه من الادعیه عند المهمات مما اتصلت به من ثقات الروات الی السادات و حثنی الی ذلک ایضا...» (۱)؛

«]مرحوم مجلسی درباره این کتاب[در بحارالانوار می گوید: «کتاب بزرگی است درباره زیارات و چنان که از نوشته های سید بن طاووس به دست می آید، این کتاب از تألیفات محمد بن مشهدی است و ابن طاووس، بر این کتاب، اعتماد نموده و آن را مدح کرده است (۲)و ما (مرحوم مجلسی) آن را المزار الکبیر نامیدیم». و باز مرحوم مجلسی در فصل دیگری از بحارالانوار فرموده: «از وضعیت اسناد آن چنین فهمیده می شود که کتاب معتبری است و دو سید (رضی الدین و عبدالکریم) ابن طاووس، زیارات و روایات بسیاری از این کتاب نقل کرده اند و شیخ منتجب الدین در فهرست خود، درباره

۱- خاتمه مستدرک الوسائل، ج۱، ص۳۵۸ _ ۳۶۴.

۲- ابن طاووس، استاد علامه حلی، رجالی بزرگ و متبحر است و اعتماد ایشان بر این زیارت، نکته مهمی است.

ابن مشـهدی فرموده است: «ابوالبرکـات محمـد بن اسـماعیل مشـهدی، فقیه، محـدث و مورد وثاقت است». و از عبارات ریاض العلمـاء و دیگران چنین اسـتفاده می شود که ابن مشـهدی در زمره فقها بوده است. از مقـدمه کتاب المزار الکبیر چنین اسـتفاده می شود که تمام آن چه در کتاب خود آورده است، مورد اعتماد او است و تمام زیارات این کتاب، از معصومین رسیده است؛ هر چنـد بعضـی از آن ها را در جای خود، به امام معصوم، نسـبت نـداده است. مؤلف (ابن مشـهدی) پس از خطبه کتاب خود، چنین نوشـته است: «در این کتـاب، زیـارات مختلفی را دربـاره مشاهـد مشـرفه و نیز دربـاره تشویـق و ترغیب به مساجـد، ادعیه برگزیـده، تعقیب نمازها، مناجات با خداونـد، نمونه ای از دعاهای روح بخش و دعاهایی برای امور مهم و عظیم آورده ام. این ادعیه را به سند خود از راویان شیعه که به ائمه اطهار می رسند، نقل کرده ام».

مرحوم نوری در آخر باز هم تکرار می کند:

«و یظهر منه أنه ـ رحمه الله ـ من اعـاظم العلمـاء واسع الروایه، کثیر الفضل معتمـد علیه کما انه یظهر مما ذکرنا من خطبه کتابه أن کـل مافیه من الـدعوات و الزیارات، مأثوره عنهم علیهم السـلام و منها اعمال مسـجد الکوفه و الزیارات مختصه بأبی عبـدالله علیه السلام فی الأیام المخصوصه»؛

«از سـخنان مرحوم مجلسـی چنین بر می آیـد که او (مرحوم محمـد بن مشـهدی) از علمـای بزرگ و آگاه به روایت و صاحب فضل و مورد

اعتماد است. از مقدمه خطبه مؤلف نیز چنین بر می آید که تمام آن چه در این کتاب، از مجموعه زیارات و ادعیه آمده، از ائمه اطهار علیهم السلام رسیده است؛ از جمله اعمال مسجد کوفه و زیارت هایی که به امام حسین علیه السلام در روزهای ویژه اختصاص دارد».

محورهای بحث و تحقیق

پس از روشن شدن وثوق ابن مشهدی، در چهار محور، بحث را دنبال می کنیم: ۱. آشنایی با مؤلف؛ ۲. آشنایی با کتاب؛ ۳. بررسی شبهات؛ ۴. ذکر منابع.

۱. آشنایی با مؤلف

محمد بن جعفر بن علی مشهدی حائری، معروف به ابن المشهدی، در سال ۵۱۰ ه ولادت یافته است.او در سال ۵۷۳ ه کتاب «المزار» را به پایان رسانده و تا سال ۵۹۴ ه نیز در قید حیات بوده است. (۱)

او از محضر بیست و هفت استاد، کسب فیض کرده که همه از ثقات هستند. «ابن شهر آشوب»، «شاذان بن جبرئیل»، «عبدالله بن جعفر دوریستی»، «ابن زهره» و «ورام بن ابی فراس نخعی» از جمله اساتید وی می باشند.

«سید فخاربن معد موسوی» (راوی صحیفه سجادیه) و «ابن نما» (استاد محقق حلی) نیز از جمله کسانی هستند که در محضر ایشان،

۱- طبقات اعلام الشیعه، ج۳، ص۲۵۲.

شاگردی کرده اند.

از امتیازات ابن مشهدی این است که طریق کوتاهی به شیخ مفید دارد. او با سه واسطه و گاه با دو واسطه و بعضاً با یک واسطه به شیخ مفید می رسد. عمده طریق وی، «ابن منصور نقاش موصلی» از «[الشریف النقیب] محمدی» است. گاهی نیز از «شاذان بن جبرئیل» از «محمد بن موسی بن جعفر دوریستی» از «جعفر بن محمد دوریستی» نقل می کند. گاهی نیز در سلسله سند او به جای شاذان، «عدل بن دوریستی» است.

ایشان هم چنین طریق دیگری نیز به شیخ مفید دارد که عبارت است از «محمد طبری»، «حسن بن محمد» و «ابو جعفر».

مرحوم ابن مشهدی، از همان ابتدا به تحصیل علم پرداخت و در کمتر از ۲۰ سالگی، دروس عالیه را آغاز کرد و کتاب مقنعه را نزد استادش، ابن منصور نقاش خواند.

از مطالب فوق نتیجه می گیریم که وی یک شخصیت معمولی نیست؛ به ویژه، زمانی که اظهارات بزرگان را نیز در رابطه با او ملاحظه می کنیم، در می یابیم که او شخصیتی مورد وثوق است.

در ادامه به نمونه هایی از نظرات بزرگان در رابطه با ابن مشهدی اشاره می کنیم: (۱)

۱- بحارالانوار، ج۱۰۷، صص ۲۱، ۴۵؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج۱، ص۳۶۴.

شهید اول: «الشیخ الامام السعید». (۱)

شیخ حرّ عاملی: «کان فاضلا محدثا صدوقا». (۲)

مرحوم نوری: «الشیـخ الجلیل السـعید المتبحر مؤلف المزار المشـهور... الذی اعتمد علیه اصحابنا الابرار» (۳)؛ «یظهر منـه أنه من اعاظم العلماء واسعه الروایه کثیر الفضل معتمد علیه». (۴)

مرحوم شیخ عباس قمی: «الشیخ الجلیل السعید المتبحر عظیم المنزله والمقدار». (۵)

سید محسن امین: «شیخ جلیل متبحر محدّث صدوق». (۶)

مرحوم مدرس: «از کبار محدثین امامیه است؛ بسیار جلیل القدر و عظیم المنزله است». (۷)

آقا بزرگ تهرانی: «عالم جلیل واسع الروایه». (۸)

۱- اجازات بحارالانوار، ج۱۰۴، ص۱۹۶.

۲- امل الآمل، ج۲، ص۲۵۲؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج۱۹، ص۳۶۴.

۳- خاتمه مستدرک الوسائل، ج۲۱، ص۱۹.

۴- خاتمه مستدرک الوسائل، ج۱۹، ص۳۶۳.

۵- الکنی و الالقاب، ج۱، ص ۴۰۹.

۶- اعیان الشیعه، ج۹، ص۲۰۲.

۷- ریحانه الادب، ج۸، ص۳۰۸.

۸- طبقات اعلام الشیعه، ج۳، ص۲۰۲.

علامه مجلسی: «المزار الکبیر، یعلم من کیفیه أسناده انه کتاب معتبر و قد اخذ منه السیدان ابنا طاووس کثیراً من الأخبار و الروایات». (۱)

آیت الله وحید خراسانی: «اعتماد نا علی المزار المشهدی نتیجه لاعتماد السید عبد الکریم (ابن طاووس) و ولده علیه» (۲).

۲. آشنایی با کتاب

این کتاب، ظاهراً تلقی به قبول شده است؛ زیرا تا پیش از مرحوم آیت الله خویی، کسی در اعتبار آن، تشکیك نکرده بود.

علامه مجلسی در مقدمه «تحفه الزائر» می گوید: «به نظر قاصر رسیده که با وجود زیارات منقوله از ائمه، دیگر احتیاجی به زیارات مؤلَّف (غیر مأثوره) نیست. این مؤلف[ابن مشهدی] خواست که رساله ای تألیف کند که مأثور باشد بر ذکر زیارات و ادعیه و آدابی که به اسانید معتبره از ائمه دین علیهم السلام منقول گردیده است». (۳)

از این سخن مرحوم علامه مجلسی بر می آید که ایشان، مأثور بودن این کتاب را پذیرفته است؛ چنان چه در بحارالانوار نیز فرمود: «المزار الکبیر یعلم من کیفیه اسناده انه کتاب معتبر و قد اخذ منه السیدان

۱- بحار الانوار، ج۱، ص۳۵.

۲- صوم عاشورا، ص۴۸.

۳- تحفه الزایر، ص۳.

ابنا طاووس کثیرا من الاخبار و الروایات». (۱)

علاوه بر ایشان، بزرگان دیگری نیز این کتاب را توثیق کرده اند؛ از جمله:

مرحوم نوری: «اعتمد علیه اصحابنا الابرار... یظهر من صدر کتابه الاعتماد علی کل ما اودعه فیه أن ما فیه من الزیارات کلها مأثوره و ان لم یستند بعضها علیهم فی محله» (۲)

مرحوم امین: «اعتمد علیه الاصحاب». (۳)

مرحوم شیخ عباس قمی: «اعتمد علیه علمائنا الابرار، الملقب بالمزار الکبیر فی بحارالانوار». (۴)

مرحوم مدرس: «کتاب مزار، محل اعتماد أکابر است». (۵)

مرحوم آیت الله میلانی: «و نجد فی زیاره الامام المهدی وصفا دقیقا لما جری علی جده الحسین». (۶)

۱- بحارالانوار، ج۱، ص۳۵.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۹، ص۳۵۹-۳۶۰و ج۲۱، ص۱۹.

۳- اعیان الشیعه، ج۹، ص۲۰۲.

۴- الکنی و الالقاب، ج۱، ص۴۰۹.

۵- ریحانه الادب، ج۸، ص۲۰۸.

۶- قادتنا، ج۶، ص۱۱۵.

بررسی نظر علامه مجلسی در باره زیارت ناحیه

با وجود آن که علامه مجلسی، در عبارات و فرصت های گوناگون، ابن مشهدی و کتاب او، المزار را توثیق کرده اند، اما در رابطه با زیارت ناحیه، عبارتی دارند که برخی را به شبهه انداخته است. ایشان فرموده اند: «و الظاهر ان هذه الزیاره من مؤلفات السید والمفید رحمه الله و لعله وصل الیهما خبر فی کیفیه الصلاه فان الاختراع فیها غیر جائز». (۱)

به نظر ما، اگر مقصود علامه مجلسی این باشد که این زیارت، انشا و ابداع این دو بزرگوار است، صحیح نیست؛ چون مؤلف کتاب المزار، تمام زیارات آن را مأثور می داند و درباره زیارت ناحیه نیز می گوید: «زیاره اخری یختص بالحسین علیه السلام و هی مرویه باسانید و هی اول زیاره زار بها المرتضی علم الهدی».

شاید منشأ اشتباه علامه، همین عبارت باشد که گمان کرده است این زیارت، از تألیفات سید مرتضی است. ولی همان گونه که در ابتدای بحث، گفته شد، این عبارت، همانند عبارت مجلسی اول است که فرمود: «من در مدتی که در عراق بودم، فقط زیارت جامعه می خواندم». اما این، دلیل تألیف زیارت جامعه توسط او نیست.

این نکته در کلام سید بن طاووس وضوح بیشتری دارد: «فی

۱- بحارالانوار، ج۹۸، ص۲۵۱.

زیارات ابی عبدالله الحسین علیه السلام زیاره بالفاظ شافیه یذکر فیها بعض مصائب یوم الطف یزار بها الحسین زاره بها المرتضی علم الهدی. مشتمل علی آداب و کیفیات و الصلوه» (۱)؛ «در زیارات امام حسین علیه السلام، زیارتی است که با عبارات روشن، مصیبت های روز عاشورا را باز گو می کند و امام حسین علیه السلام را با این متن، زیارت می کنند. سید مرتضی علم الهدی نیز امام حسین را با این زیارت نامه زیارت کرد. این زیارت در برگیرنده آداب و روش و نماز زیارت است».

پس اگر علامه مجلسی چنین برداشتی داشته باشد، جای تأمل، بلکه غیر مقبول به نظر می رسد.

نکته شایسته دقت، این است که مرحوم قمی در کتاب گران سنگ خود، نفس المهموم، عباراتی از این زیارت را بدون هیچ تردیدی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داده و می فرماید: «فکان وصفه الامام المهدی: کنت للقرآن سنداً وللامه عضداً و للرسول ولداً»؛ «امام مهدی در توصیف امام حسین فرموده است: "تو پشتوانه قرآن و بازوی امت و فرزند رسول الله بودی"».

۱- مصباح الزائر، ص۱۶۴.

ص:۱۶۵

۳. بررسی شبهات

الف. عدم نقل در مفاتیح الجنان

گفته می شود: اگر این زیارت مأثور می باشد، چرا شیخ عباس قمی، آن را در مفاتیح الجنان نیاورده است؟

جواب:

۱. مرحوم قمی، این زیارت را در کتاب «نفس المهموم» آورده است.

۲. این زیارت، طبق نقل ابن مشهدی، از زیارت های روز عاشورا است و مرحوم قمی، در باب زیارت عاشورا، در مقام استقصای تمام زیارات عاشورا نبوده است؛ بلکه فقط دو زیارت را آورده و به همان دو اکتفا کرده است.

۳. آیا محدث قمی تعهد داده است که تمام زیارات صحیحه را در مفاتیح الجنان جمع کند؛ که اگر در آن، زیارتی نقل نشد، آن را غیر صحیح فرض کنیم؟ آیا اصلاً کتب اربعه چنین تعهدی داده اند؟!

۴. شاید مرحوم قمی، روال و مبنای خاصی برای تألیف مفاتیح الجنان داشته که این زیارت در آن چارچوب نمی گنجیده است. شریف رضی رحمه الله - مؤلف نهج البلاغه- نیز تمام خطبه های امیرالمؤمنین علیه السلام را در کتاب خود نیاورده؛ چراکه روش وی، جمع آوری خطبه هایی بوده است که جنبه بلاغی داشته باشند. شاید شیخ عباس قمی هم، مبنای خاصی برای تألیف مفاتیح الجنان داشته و برطبق آن، زیارت عاشورا را آورده و زیارت ناحیه را ذکر نکرده است؛ هر چند به آن مبنا

اشاره ای نکرده است.

۵. اصولاً مفاتیح الجنان، کتاب جامع و کاملی نیست؛ چراکه مرحوم قمی، تمام ادعیه و زیارات را نقل نکرده است. برای مثال، ایشان از ۵۴ دعای صحیفه سجادیه، فقط یک دعا را در مفاتیح گنجانده است. هم چنین اعمال شب قدر را به طور مختصر ذکر کرده؛ با وجود آن که ابن طاووس در «اقبال»، اعمال شب قدر را مفصل آورده است. در بحارالانوار نیز چندین زیارت آمده، که ایشان در کتاب خود، آن ها را نقل نکرده است.

پس شیخ عباس قمی، بنا نداشته است که کتاب کامل و جامعی در ادعیه و زیارات بنویسد؛ بلکه بنا بر نقلی معروف، وی مفاتیح الجنان را به صورت یادداشت هایی برای خود نوشته بود تا بتواند به همراه داشته باشد.

۶. شاید وی از اطاله پرهیز داشته و به دنبال اختصار بوده است؛ لذا زیارت ناحیه را- که با در نظر گرفتن اعمال خاص آن، بسیار طولانی می شود- ذکر نکرده است.

ممکن است گفته شود که ایشان، ادعیه و زیارات طولانی و مفصل دیگری را آورده است. جواب آن است که آن ادعیه و زیارات، بدل و جایگزینی نداشته؛ اما زیارت ناحیه، دو بدل داشته که ایشان در قسمت زیارات عاشورا نقل کرده است.

ب. عبارت «ناشرات الشعور»

گفته می شود: عبارت «ناشرات الشعور» – که در این زیارت آمده

است- را چگونه می توان پـذیرفت؟ آیـا می توان ادعا کرد زینب کبری علیها السـلام و سایر مخـدرات، پس از واقعه شـهادت امام حسین علیه السلام، با گیسوان پریشان و بدون حجاب، سراسیمه از خیمه ها بیرون آمدند؟ آیا این صحنه، با مقام زنان اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف سازگار است؟

جواب: گیسوی پریشان، با مکشوف و بدون حجاب بودن سر، هیچ تلازمی ندارد؛ چون ممکن است - و حتماً نیز همین است - که گیسوان خود را به نشانه عزا و حزن و مصیبت، زیر عبا و حجاب کامل، پریشان کرده باشند؛ چنان چه این شیوه، بین زنان عرب، رسم و عرف بوده است.

همین شـبهه را روزی از اسـتاد بزرگوارم، آیت الله وحید خراسانی (حفظه الله) پرسیدم و آن بزرگوار، پاسخی به همین مضمون بیان فرمود.

ج. نظر و اشکال مرحوم آیت الله خوئی

از علمای معاصر، تنها کسی که به کتاب المزار و مؤلف آن، نظر منفی دارد، مرحوم آیت الله خوئی است. روش وی در «معجم الرجـال» این است که افراد موجود در اسـناد کتب اربعه را- به تمـام نام ها و عناوین و الفاظی که با آن ذکر شـده انـد- نام می برد؛ ولی ترجمه و شرح حال و اظهار نظر درباره آن ها را در یک جا می آورد و این، برای تمیز مشترکات، بسیار مفید است.

به همین علت، در چند جا به مؤلف المزار اشاره کرده است:

الف. در مقدمه جلد اول، به اعتبار آن که می خواهد مبانی رجالی

خود را نقل کند، در زمینه توثیقات عام، از ابن مشهدی و کتاب او نیز نام می برد. ایشان سخن ابن مشهدی در مقدمه کتابش (۱) را نقل می کند و می گوید: «این سخن ابن مشهدی، در این که تمام راویان سلسله سند این کتاب (المزار) موثق هستند، صراحت دارد؛ ولی به دو دلیل، نمی توان به این سخن اعتماد کرد:

۱. اعتبار کتاب روشن نیست؛ چون شخصیت محمد بن مشهدی معلوم نیست؛ یعنی مجهول الوصف و بلکه، شخص او برای ما مجهول است. هرچند محدث نوری اصرار دارد که ثابت کند مؤلف کتاب، همان «محمدبن جعفربن علی بن جعفر المشهدی الحائری» است؛ لیکن این کلام، موجب ظن است، نه اطمینان.

۲. توثیقات متأخران، برای ما معتبر نیست؛ چون از روی حدس و اجتهاد گفته اند و آن چه از نظر ما معتبر است، حسّ می باشد.

ب. ایشان، هم چنین، شخصی را به نام «محمدبن جعفربن علی بن جعفر المشهدی الحائری» ذکر می کند و درباره او می فرماید: «الشیخ الجلیل السعید المتبحر ابو عبدالله المعروف بمحمد بن المشهدی و ابن المشهدی مؤلف المزار المشهور الذی اعتمد علیه اصحابنا الابرار الملقب بالمزار الکبیر فی بحار الانوار ذکره المحدث النوری فی عداد مشایخ محمد

۱- ابن مشهدی در مقدمه کتاب خود گفته است: «فأنی قد جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات للمشاهد المشرفات _ الی ان قال _ مما اتصلت به من ثقات الروات الی السادات».

بن جعفربن نما ای الثالث من مشایخه». (۱)

ج. وی در جلد ۱۵ کتاب خود، به نقل از «حرّ عاملی» می فرماید: «محمدبن جعفر المشهدی کان فاضلا محدّثا صدوقا له کتب یروی عن شاذان بن جبرئیل القمی». (۲)

د. ایشان در جای دیگری فرموده است: «محمدبن علی المشهدی ذکر صاحب الوسائل فی مقدمه الوسائل ان له کتاب المزار» (۳)

ه.. در جلد ۱۷ این کتاب نیز آمده است:

«محمدبن المشهدی له کتاب یعرف بالمزار و تقدم فی المدخل أنَّ المحدث النوری قد أصّر فی الفائده الثانیه من خاتمه مستدرکه التی شرح فیها حال الکتب المأخوذه عنها روایات المستدرک و حال مؤلفیها عن بیان حال کتاب المزار أنه محمدبن جعفربن علی ابن جعفرالمشهدی الحائری و ذکرنا أنَّ ما ذکره فی وجه ذلک لایورث الاالظن فانه لم یذکر دلیلا علی ذلک بل ینافیه کلام صاحب الوسائل فی مقدمه الوسائل من ان والده علی، و احتمال کونه من النسبه الی الجد یبعده أنَّ علیا المشهدی لم یکن من المعاریف بل لم یعلم انه کان من العلماء حتی ینسب حفیده الیه» (۴)؛

۱- معجم الرجال، ج۱۶، ص ۱۷۰.

۲- معجم الرجال، ج ۱۵، ص۱۷۶.

۳- معجم الرجال، ج ۱۷، ص ۵۶.

۴- معجم الرجال، ج ۱۷، ص ۲۵۹.

«ابن مشهدی کتابی دارد به نام مزار و در مقدمه کتاب اشاره کردیم که محدث نوری در خاتمه مستدرک- که شرح حال مؤلفان منابع کتاب مستدرک را آورده است- اصرار دارد که نویسنده کتاب مزار، محمدبن جعفربن علی بن جعفر مشهدی حائری است.

ما در پاسخ گفتیم: گفته وی ظن آور است، نه یقین آور؛ چون ایشان دلیلی ارائه نکرده است. بلکه با کلام حرّ عاملی - صاحب وسائل- منافات دارد که پدر ابن مشهدی را «علی» ذکر کرده است؛ در حالی که مرحوم نوری، نام پدر ابن مشهدی را «جعفر» می داند.

ممکن است گفته شود: علی، نام جدّ او است ولی مانند برخی، چون «علی بن بابویه»، در اثر شهرت، به جدش منسوب شده است. ولی در جواب می گوییم: اولاً جدّ او از معاریف نبوده است و ثانیاً معلوم نیست که او از علما بوده باشد، تا نوه اش را به او نسبت دهند» (پایان سخن آیت الله خویی).

ولی به نظر ما اعتماد امثال ابن طاوس، شهید اوّل، مجلسی، حرّ عاملی، مرحوم نوری، سید محسن امین و شیخ عباس قمی، موجب علم به وثاقت ابن مشهدی می شود و ما نیز همانند استاد خود حضرت آیت الله وحید خراسانی (حفظه الله) بر ابن مشهدی اعتماد کرده و او را معتبر می دانیم.

۴. منابع زیارت ناحیه

علاوه بر کتاب المزار، منابع دیگری نیز این زیارت را نقل کرده اند

که در ادامه، به طرح و بررسی منابع متقدم و متأخر این زیارت می پردازیم:

الف: متقدمان

۱. «مزار» (۱) شیخ مفید: مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار، زیارت ناحیه را به کتاب مزارِ شیخ مفید نسبت داده و می گوید: «قال الشیخ المفید رحمه الله فی کتاب المزار بعد ایراد الزیاره التی نقلناها من المصباح قال ما هذا لفظه زیاره اخری فی یوم عاشورا بروایه اخری اذا اردت زیارته بها فی هذا الیوم فقف علیه و قل السلام علی آدم صفوهالله... » (۲)

۲. «مصباح» سید مرتضی: علامه مجلسی نقل کرده که سید مرتضی در مصباح الزائر گفته است: «زیاره بالفاظ شافیه یذکر فیها بعض مصائب یوم الطف یزار بها الحسین علیه السلام زار بها المرتضی علم الهدی و سأ ذکر ها علی الوصف الذی اشار هو الیه قال: فاذا اردت الخروج من بیتک فقل: اللهم الیک توجهت... [سپس همین زیارت ناحیه را نقل می کند]».

روشن است که بر فرض عدم اثبات اعتبار کتاب مزار ابن مشهدی، نقل زیارت ناحیه از آن، توسط سید مرتضی و شیخ مفید، دلیلی بر

۱- امروزه، این کتاب در دسترس ما نیست.

۲- بحارالانوار، ج۹۸، ص۳۱۷.

اعتبار آن است.

ب. متأخران

۱. ابن طاووس در مصباح الزائر، این زیارت را از سید مرتضی نقل کرده؛ ولی اسم ایشان را نیاورده است.

۲. علامه مجلسی در چهار قسمت از کتاب خود، به کتاب سید مرتضی اشاره دارد و در جایی می گوید: «والظاهر انه سقط من النساخ الزیاره التی الحقناها من روایه السید».

۳. علامه مجلسی در تحفه الزائر نیز این زیارت را آورده است. (۱)

۴. این زیارت، در کتاب جامع احادیث الشیعه نیز آمده است. (۲)

۵. ابراهیم بن محسن فیض کاشانی نیز در الصحیفه الهادیه و التحفه المهدویه (۳) این زیارت را آورده است. (۴) وی در صفحه۳ این کتاب چنین گفته است: «چون به واسطه غایب بودن نور، سینه ام تنگ شده بود، بر تألیف کتابی همت گماشتم که مطالب آن، از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده باشد».

هم چنین قبل از نقل زیارت ناحیه، آن را این گونه توصیف نموده است: «زیارتی که از ناحیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی یکی از چهار نایب

۱- تحفه الزائر، ص۳.

۲- جامع احادیث الشیعه (زیر نظر آیت ا... بروجردی)، ج ۱۵، ص۴۰۵، ح۱۶.

۳- این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۱۸ ق به چاپ رسیده و شامل ادعیه و زیارات و توقیعاتی است که از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است.

۴- صحیفه مهدیه، ص۲۰۲.

صادر شده است».

ناگفته نماند که برای این زیارت، شروح متعددی نیز نوشته شده است؛ مانند کشف داحبه فی شرح زیاره الناحیه، الشمس الضاحیه (۱) و شرح زیارت ناحیه به زبان اردو (۲)

نتیجه

۱. این زیارت، از ناحیه امام زمان علیه السلام برای برخی از نواب صادر شده و پس از آن، به دست برخی از علما، چون شیخ مفید و ابن مشهدی رسیده است.

۲. این زیارت، دارای اسانید متعدد و معتبری می باشد؛ چنان که ابن مشهدی به آن، تصریح کرده است.

۳. سید مرتضی، در اولین تشرف به کربلا، این زیارت را خوانده است.

۴. بسیاری از عبارات این زیارت، با زیارات دیگر مطابق است.

۵. این زیارت مضامینی عالیه دارد و معنویت خاصی در آن، مشهود است.

۶. سید مرتضی، زیارت و آداب آن را این گونه آورده است:

«فأذا اردت الخروج من بیتک فقل: اللهم الیک توجهت... فأذا بلغت المنزل تقول: رب انزلنی منزلاـ مبارکا... فاذا رأی القبه فیقول: الحمدلله و

۱- الذریعه، ج۱۸، ص۳۴.

۲- الذریعه، ج۱۳، ص۳۰۸.

السلام علی عباده... فاذا قرب من المشهد یقول: اللهم الیک قصد القاصدون... فاذا بلغ موضع القتل یقول: اذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا... ثم تدخل القبه و تقف علی القبر و تقول: السلام علی آدم صفوهالله... ثم تحول الی عند الرأس و قل السلام علیک یا ابا عبدالله... ثم انکب علی الضریح و قبّل التربه و قل: السلام علیک یا اول مظلوم انتهک دمه.... ثم تحول الی جانب القبر و تستقبل القبله و ترفع یدیک و تقول: اللهم ان استغفاری ایاک...

و بعد نوبت توسل می شود که: اللّهم انا نتوسل بهذا الصدیق الامام... ثم تحول الی عند الرجلین و قل: السلام علیک یا ابا عبدالله... ذکر زیاره علی بن الحسین علیهما السلام ثم تحول الی عند رجلی الحسین فقف علی علی بن الحسین علیهم السلام و قل: السلام علیک ایها الصدیق... ثم تقول: صلوات الله علیکم... ثم انکب علی القبر و قل: زاد الله فی شرفکم... زیاره الشهداء رضوان الله علیهم. ثم تتوجه الی البیت الذی عند رجلی علی بن الحسین علیه السلام و تقول: السلام علیک یا ابا عبدالله... ثم تسلم علی الشهداء من اصحاب الحسین علیه السلام و تستقبل و تقول: السلام علیکم یا انصارالله... ثم عد الی موضع رأس الحسین صلوات الله علیه و استقبل القبله وصل رکعتین صلاه الزیاره تقرأ فی الاولی الحمد و سوره الانبیاء و فی الثانیه الحمد و سوره الحشر أوماتهیأ لک من القران فاذا فرغت من الصلوه فقل سبحان ذی القدره والجبروت... ثم قبّل الضریح و قل: السلام علیک ایها الامام الکریم.... فاذا اردت الوداع

فصل رکعتین و قل: السلام علیک یا خیر الانام... ثم انکب علی القبر و قل: یا مولای لاتروی النفس من مناجاتک...» (۱).

از تأکید مرحوم سید بر این آداب، به ویژه دستور به جا آوردن دو رکعت نماز، چنین استفاده می شود که این زیارت، مأثور و از بعضی از امامان اطهار رسیده است و اگر به این مطلب، قطع پیدا نشود، دست کم اطمینان و وثوق پدید می آید و همین امر، ما را کفایت می کند.

۷. سند این زیارت، از نظر ما بی اشکال است؛ به ویژه با توجه به تصریح ابن مشهدی در مقدمه کتاب المزار. بنابراین می توان به طور اکید و اطمینان بخش، این زیارت را به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف منسوب کرد.

□□□

۱- بحارالانوار، ج۹۸، صص ۲۳۱، ۲۴۹.

سوگ واره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

حجت السلام و المسلمین محمدرضا فؤادیان

حجت السلام و المسلمین محمدرضا فؤادیان (۱)

این زیارت بوی دیگر می دهد

بوی دلبر، پور کوثر می دهد

بوی مهدی، سرو هستی می دهد

بوی یاسین نای عرشی می دهد

بوی قائم، بوی امر و مقتدا

اشک قائم، بر شهید کربلا

زیارت «ناحیه مقدسه» (۲)، سوگ نامه تأثّرانگیز و مرثیه سوز ناک امام

۱- محقق و پژوهشگر عرصه مهدویت.

۲- در میان زیارت های سالار شهیدان حضرت حسین علیه السلام، دو زیارت از ناحیه مقدسه رسیده است: الف. زیارتی توسّط شیخ محمّد بن غالب اصفهانی، در سال ۲۵۲ ه_ برای ابومنصور بن عبدالمنعم بن نعمان بغدادی صادر شده، که در این زیارت نامه اسامی هشتاد نفر از اصحاب امام حسین علیه السلام آمده است. این زیارت نامه با توجّه به تاریخ صدور آن مربوط به امام هادی علیه السلام است و از موضوع مقاله ما خارج خواهد بود. متن این زیارت نامه در کتاب های زیر آمده است: اقبال، صص ۵۷۳ _ ۵۷۷؛ بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۶۵ _ ۷۳ و ج ۱۰۱، صص ۲۶۹ _ ۲۷۴؛ عوالم، ج ۱۷، صص ۳۳۵ _ ۳۴۰؛ ناسخ التّواریخ، ج ۳، ص ۱۷؛ کتاب الدعا والزیاره، صص ۶۵۴ _ ۶۵۷؛ رمز المصیبه، ج ۳، صص ۴ _ ۱۰؛ انصارالحسین، صص ۱۶۴ _ ۱۷۱. ب. زیارتی از ناحیه مقدسه توسط یکی از نوّاب آن حضرت رسیده است. این زیارت نامه در منابع زیر آمده است: شیخ مفید، مزار، مخطوط؛ المزار الکبیر، صص ۱۶۵ _ ۱۷۱؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، صص ۳۱۷ _ ۳۲۸؛ کتاب الدعا والزیاره، صص ۶۹۱ _ ۶۹۹؛ رمز المصیبه، ج ۳، صص ۱۰ _ ۳۸؛ الصحیفه الهادیه، صص ۲۰۳ _ ۲۲۷؛ الصحیفه المهدویه، صص ۲۸۴ _ ۳۲۵؛ کلمه الامام المهدی علیه السلام، صص ۴۴۰ _ ۴۵۴. برای این زیارت نامه شروحی نوشته شده که از آن جمله است: الذخیره الباقیه، محمدجعفر بن زین العابدین شاملی شیرازی، (فارسی)؛ الشمس الضّاحیه، جمعی از علماء، (فارسی)؛ تحفه قائمیه، حاج شیخ محمدباقر فقیه ایمانی (فارسی)؛ کشف داحیه، برخی از علماء هند، (اردو)؛ همره نور، شرح زیارت ناحیه مقدسه، سید هدایت اللّه طالقانی؛ سلام موعود، (بیان تحلیلی و توصیفی زیارت ناحیه مقدسه)، دکتر محمد رضا

سنگری. (این مطالب از کتاب نامه حضرت مهدی علیه السلام، صص ۴۳۵، ۸۲۰، تألیف علی اکبر مهدی پور، برداشت شده است).

مهدی علیه السلام در رثای امام حسین علیه السلام است که عاشقان و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام در روز عاشورا و غیر عاشورا آن را زمزمه می کنند. (۱)

امام زمان علیه السلام، زائر و مرثیه سرا و وارث حسین علیه السلام است؛ کسی که زمان در تحت اختیار او و تمام لحظه ها در مقابل نگاه او است و همواره با نگاهی نافذ، جای جای دشت بلا و لحظه به لحظه حماسه عاشورا و سختی و تلخی واقعه طف را مشاهده، و سوز عطش و سوزش سیلی و تازیانه را بر پیکر عاشورائیان لمس می کند.

زیارت شونده هم، کسی است که نامش رباینده دل، و صحن و سرایش، آتش افروز جان ها و حرمش، آرامگاه قلب و تماشاگه رازهاست.

در حقیقت، این زیارت، آموزه هایی از عشق، معرفت، عرفان، سوز،

۱- ر. ك: سید هدایت اللّه طالقانی، همره نور (شرح زیارت ناحیه مقدسه)، ص ۷۳. (از این کتاب ارزشمند، برای نوشتن این مقاله، بسیار استفاده شده است).

حماسه و توسل است. این زیـارت، در عین حـالی که مرثیه است و به بیـان عمق فـاجعه کربلاـ می پردازد، مسئولیت آفرین و حرکت ساز نیز می باشـد و از این رو، بر سـفیران هـدایت عاشورایی شایسـته و بایسـته است که با عنایت بیشتری به این زیارت توجّه کنند و جایگاه والای این زیارت را در مجالس حسینی متذکر شوند.

سیمای زیارت

این زیارت شامل ده بخش کلّی است:

۱. سلام

این نام الهی (۱) و زمزمه بهشتیان (۲)، رمز گشایش و سلامتی است. سلام، کم کردن فاصله ها و نشانه نزدیکی قلوب است؛ از این رو، در طلیعه تمامی زیارات، «سلام» وارد شده است.

سلام های این زیارت، از غالب زیارات دیگر، بیشتر است و در یک تقسیم بنـدی کلی، می توان آن ها را در چهار محور قرار داد (۳):

الف. سلام بر انبیا علیهم السلام

در ابتدای این زیارت، نام ۲۳ تن از انبیای الهی علیهم السلام ذکر شده است

۱- «إِنَّ السلام اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَل»؛ «سلام، نامی از نامهای خدا است»، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۲.
۲- «خالِدِینَ فِیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِیَّتُهُمْ فِیها سَلامٌ»؛ «به اذن پروردگارشـان در آن جـا جاودانه انـد و درودشان در آن جا سـلام است»، سوره ابراهیم، آیه ۲۳.
۳- نـاگفته نمانـد که سـلام هایی دیگر ماننـد سـلام بر ملائکه حرم امام حسـین علیه السـلام، فرزنـدان، برادران و اصـحاب آن حضرت و... نیز در این زیارت مطرح است که به جهت اختصار، آن ها را ذکر نکردیم.

که سلام بر آنها و اعتراف به مقامات و فضایل آنان، زائر را به جایگاه توحید و نبوت، رهنمون می سازد. در این رابطه، دقت به دو نکته، ضروری است:

یکم. معدن تمام حسن و جلالت ها، ذات اقدس الهی است و «نبوّت» رشته پیوند خلق و خالق است و استحکام آن، به امر «ولایت» می باشد که در دنباله، به آن اشاره شده است.

دوّم. اغلب صفات ذکر شده برای انبیا، یادآور رنج و محنت آن ها ست؛ مانند صبر ایوب و زکریا، شهادت یحیی و... علیهم السلام ؛ که هیچ کدام، قابل مقایسه با مصایب کربلا نیست.

ب. سلام بر اولیای دین علیهم السلام

امام زمان علیه السلام در سه قسمت از این زیارت، به زائر، درس و پیام امام شناسی می دهد:

یک. در اوایل زیارت؛ که بعد از سلام بر پیامبران آمده است: «السَّلَامُ عَلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأُخُوَّتِهِ السلام عَلَی فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ السلام عَلَی أَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِیِّ أَبِیهِ وَ خَلِیفَتِهِ السلام عَلَی الْحُسَیْنِ الَّذِی سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِه».

در این قسمت، نام چهار تن از اصحاب کسا علیهم السلام با ذکر برخی از خصوصیات آنان، بیان شده است:

 سلام بر امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام که تنها او شایستگی و افتخار برادری با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را داشت.

 سلام بر فاطمه علیها السلام که دختر و پاره تن رسول خدا بود.

 سلام بر امام حسن مجتبی علیه السلام که جانشین پدر بزرگوار خود بود.

 سلام بر حسین علیه السلام که خونش را به اسلام هدیه کرد.

دو. در قسمت دعا و مناجات؛ که در این قسمت، امام زمان علیه السلام امام شناسی را راه گشای توسل، معرفی می کنند. لذا زائر، خداوند تبارک و تعالی را به انوار طیبه معصومین علیهم السلام قسم می دهد و نام امامان نور را - از امام علی علیه السلام تا امام حسن عسگری علیه السلام - ذکر می کند و سپس درخواستش را عرضه می دارد.

سه. در دعای قنوتِ نماز این زیارت؛ که دوباره یاد ائمه علیهم السلام شکوفا می شود. ویژگی هایی که در این قسمت، برای پنج تن آل عبا ذکر می شود، بسیار حائز اهمیت است.

ج. سلام بر روح زیارت، امام حسین علیه السلام

در زیارات دیگر، سلام بر سالار شهیدان، یک جا و به صورت کلی آمده است؛ ولی در این زیارت، سلام، گاهی همراه با ذکر فضایل و عملکرد آن حضرت و گاه بر اعضا و جوارح ایشان بیان می شود.

ذکر فضایل و مناقب حضرت سیدالشهدا علیه السلام

«السَّلَامُ عَلَی مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِی سِرِّهِ وَ عَلَانِیَتِهِ»؛ «سلام بر کسی که در آشکار و نهان اطاعت خدا کرد».

«السَّلَامُ عَلَی مَنْ جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ فِی تُرْبَتِهِ»؛ «سلام بر آقایی که خداوند، شفا را در تربت او قرار داده است».

«السَّلَامُ عَلَی مَنِ الْإِجَابَهُ تَحْتَ قُبَّتِهِ»؛ «سلام بر بزرگواری که دعا زیر گنبد او اجابت می شود».

«السَّلَامُ عَلَی مَنِ الْأَئِمَّهُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ (۱)»؛ «سلام بر کسی که امامان از فرزندان او هستند».

«السَّلَامُ عَلَی ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاء»؛ «سلام بر فرزند خاتم پیامبران».

«السَّلَامُ عَلَی مَنْ بَكَتْهُ مَلَائِكَهُ السَّمَاء»؛ «سلام بر کسی که ملائکه آسمان، بر او گریه کردند».

سلام بر اعضا و جوارح امام حسین علیه السلام :

«السَّلَامُ عَلَی الشَّيْبِ الْخَضِيبِ»؛ «سلام بر محاسن به خون خضاب شده».

«السَّلَامُ عَلَی الْخَدِّ التَّرِيب»؛ «سلام بر گونه خاک آلود».

«السَّلَامُ عَلَی الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ»؛ «سلام بر لبی که با نی زده شد».

«السَّلَامُ عَلَی الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ »؛ «سلام بر سری که بالای نیزه رفت».

«السَّلَامُ عَلَی الْأَجْسَامِ الْعَارِيَهِ فِی الْفَلَوَات»؛ «سلام بر اجسادی که برهنه در بیابان رها شدند».

نکته قابل دقّت در این فرازها، تبیین عمق فاجعه و شدت ظلم

۱- در روایتی آمده است: «أَنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنَ ع مِنْ قَتْلِهِ أَرْبَعَ خِصَالٍ جَعَلَ الشِّفَاءَ فِی تُرْبَتِهِ وَ إِجَابَهَ الدُّعَاءِ تَحْتَ قُبَّتِهِ وَ الْأَئِمَّهَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ»؛ «به درستی که خداوند سبحان، در مقابل شهادت امام حسین علیه السلام، سه موهبت به او عنایت کرد: شفاء را در تربتش، اجابت دعا را در زیر گنبدش و ائمه علیهم السلام را از ذرّیه اش قرار داد». (امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۱۷؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۱). هم چنین نقل شده است که امام صادق علیه السلام و امام هادی علیه السلام به هنگام بیماری ، دستور دادند شخصی به کربلا برود و برای آن ها دعا کند. (بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۱۲)

یزیدیان و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام است و به راستی، شمشیر منتقم امام زمان علیه السلام در روز ظهور، پاسخ مناسبی برای این ظلم هاست.

د. سلام بر حسینیان

یاران امام حسین علیه السلام، اصحابی فداکار بودند که در رأس اصحاب و یاران تمام انبیا و اولیا علیهم السلام بوده و هستند؛ همان طور که امام حسین علیه السلام فرمود: «فَإِنِّی لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَی وَ لَا خَیْراً مِنْ أَصْحَابِی» (۱)؛ «من اصحابی با وفاتر و بهتر از اصحاب خود سراغ ندارم».

امام زمان علیه السلام بر صحابه پاک باز و سربازان مخلص امام حسین علیه السلام، سلام هایی دارد که به زائران می آموزد برای یاوری ولی زمان علیه السلام، چگونه باید بود:

«السَّلَامُ عَلَی النُّفُوسِ الْمُصْطَلَمَاتِ »؛ «سلام بر بدن های به زنجیر کشیده و اسیر شده».

«السَّلَامُ عَلَی الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ »؛ «سلام بر روح های به پنهانی برده شده».

«السَّلَامُ عَلَی الْأَجْسَادِ الْعَارِیَاتِ »؛ «سلام بر پیکرهای عریان».

«السَّلَامُ عَلَی الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ»؛ «سلام بر جسم های نحیف و رنگ باخته».

«السَّلَامُ عَلَی الْأَبْدَانِ السَّلِیبَه »؛ «سلام بر بدن های مسلوب و عریان».

«السَّلَامُ عَلَی الْمُجَدَّلِینَ فِی الْفَلَوَاتِ »؛ «سلام بر جنگاوران بیابان».

«السَّلَامُ عَلَی النَّازِحِینَ عَنِ الْأَوْطَان» «سلام بر دور افتادگان از وطن خویش».

۱- امالی طوسی، ص ۹؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲.

۲. دل دادگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به امام حسین علیه السلام

توفیق درک محضر امام حسین علیه السلام و یاری کردن او، از بزرگ ترین توفیقات الهی بود که نصیب برخی از خواص عصر امام حسین علیه السلام شد.

امام زمان علیه السلام نیز که عاشق جد بزرگوار خود و مشتاق خدمت به او است، چنین می فرماید:

«فَلَئِنْ أَخَّرَتْنِی الدُّهُورُ وَ عَاقَنِی عَنْ نُصْرَتِکَ الْمَقْدُورُ وَ لَمْ أَکُنْ لِمَنْ حَارَبَکَ مُحَارِباً وَ لِمَنْ نَصَبَ لَکَ الْعَدَاوَهَ مُنَاصِباً فَلَأَنْدُبَنَّکَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَأَبْکِیَنَّ عَلَیْکَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَما»؛ «اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و مقدّرات، مرا از یاری و نصرت تو در روز عاشورا باز داشت، اکنون، هر صبح و شام بر تو ندبه می کنم و به جای قطرات اشک، بر تو خون می گریم».

۳. اوصاف، ویژگی ها و سیرت امام حسین علیه السلام

امام زمان علیه السلام در این زیارت، امام حسین علیه السلام را دارای اخلاق نیکو (رَضِیَّ الشِّیَم)، سوابق درخشان (عَظِیمَ السَّوَابِق)، حسب و نسب شریف و ارزشمند (شَرِیفَ النَّسَب، مُنِیفَ الْحَسَب) و منقبت های فراوان (کَثِیرَ الْمَنَاقِب) معرفی می کند. در ادامه به بخشی از این فضایل اشاره می شود:

الف. فعالیت های اجتماعی

«اَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاهَ وَ آتَیْتَ الزَّکَاهَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ الْعُدْوَان... وَ سَنَنْتَ السُّنَنَ وَ أَطْفَأْتَ الْفِتَنَ وَ دَعَوْتَ إِلَی

الرَّشَادِ وَ أَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَاد... وَ لِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعاً وَ لِلطُّغْيَانِ قَامِعاً وَ لِلطُّغَاهِ مُقَارِعاً وَ لِلْأُمَّهِ نَاصِحا... تَحُوطُ الْهُدَی وَ تَنْصُرُهُ وَ تَبْسُطُ الْعَدْلَ وَ تَنْشُرُهُ وَ تَنْصُرُ الدِّينَ وَ تُظْهِرُهُ وَ تَكُفُّ الْعَابِثَ وَ تَزْجُرُهُ تَأْخُذُ لِلدَّنِيِّ مِنَ الشَّرِيفِ وَ تُسَاوِی فِی الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِیِّ وَ الضَّعِيف»؛

«ای حسین! گواهی می دهم که تو نماز را بر پا داشته و زکات را پرداخته ای؛ به نیکی ها امر کرده ای و از منکرات و دشمنی ها، نهی کرده ای. سنت ها را انجام داده ای و آشوب ها را فرو نشانده ای. مردم را به سوی رشد و تعالی فراخوانده ای و راه های صلاح را روشن و مبین ساخته ای. بر پا دارنده پایه و اساس دین، در هم کوبنده طغیان و سرکشی، تو بر طغیان گران، سخت گیر و بر امت، نصیحت گر، نگاهبان هدایت و یاور دین، گستراننده عدالت و یاری گر و نمایان گر دین بودی. کسی که دین را به بازی گرفته بود از کارش باز داشته و او را منع نمودی. حق زیر دستان را از موالیشان گرفتی و در قضاوت، بین قوی و ضعیف به مساوات رفتار کردی».

ب. مطیع بودن

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در این قسمت به زائر می آموزد که: باید مطیع مولای خود باشد:

«وَ كُنْتَ لِلَّهِ طَائِعاً وَ لِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ ص تَابِعاً وَ لِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعاً وَ إِلَی وَصِيَّهِ أَخِيكَ مُسَارِعا»؛

«شما همواره نسبت به خدا، فرمانبردار، نسبت به جدت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، پیرو و نسبت به فرموده پدرت، مطیع و شنوا بودی و وصیت و سفارش برادر را به انجام رساندی».

ج. در خدمت مردم و اسلام

«کُنْتَ رَبِیعَ الْأَیْتَامِ وَ عِصْمَهَ الْأَنَامِ وَ عِزَّ الْإِسْلَامِ وَ مَعْدِنَ الْأَحْکَامِ وَ حَلِیفَ الْإِنْعَامِ سَالِکاً فِی طَرِیقَهِ جَدِّکَ وَ أَبِیکَ... وَ لِلْإِسْلَامِ عَاصِماً وَ لِلْمُسْلِمِینَ رَاحِماً وَ لِلْحَقِّ نَاصِراً وَ عِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِراً وَ لِلدِّینِ کَالِئاً وَ عَنْ حَوْزَتِهِ مُرَامِیا»؛

«تو بهار یتیمان، ملجأ و پناهگاه مردم، عزّت اسلام، کانون احکام، هم پیمان بخشش و نیکو کاری و رهرو راه جدّ و پدرت بودی. حافظ اسلام، نسبت به مسلمین، مهربان و برای حق، یاور بودی. در هنگام بلا، صبور و بردبار، محافظ دین و نگهبان آن بودی».

د. عبودیت

«کُنْتَ لِلرَّسُولِ وَلَداً وَ لِلْقُرْآنِ سَنَداً وَ لِلْأُمَّهِ عَضُداً وَ فِی الطَّاعَهِ مُجْتَهِداً حَافِظاً لِلْعَهْدِ وَ الْمِیثَاقِ نَاکِباً عَنْ سَبِیلِ الْفُسَّاقِ تَتَأَوَّهُ تَأَوُّهَ الْمَجْهُودِ طَوِیلَ الرُّکُوعِ وَ السُّجُودِ زَاهِداً فِی الدُّنْیَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا نَاظِراً إِلَیْهَا بِعَیْنِ الْمُسْتَوْحِشِ مِنْهَا...»؛

«ای حسین! تو برای رسول خدا، فرزند، برای قرآن، سند و برای امت، بازوی پرتوان بودی. در اطاعت خدا، تلاش گر و نسبت به عهد و

پیمـان، حافـظ و مراقب بودی. از راه فاسـقان سـر بر می تـافتی و هر چه توان داشـتی، در راه احیـای احکـام خداونـد، بـذل می نمودی. آه می کشیدی؛ آه آدمی که به رنج و زحمت افتاده است. رکوع و سجود طولانی داشتی. نسبت به دنیا، زاهد و پارسا بودی و با دیده ی وحشت زده به آن نگاه می کردی».

امام زمان علیه السلام در این عبارت جامع، جد بزرگوار خود، امام حسـین علیه السـلام را با ده عنوان وصف کرده است که به نحو مستقیم یا غیرمستقیم، عبودیت حضرتش را بازگو می کند:

 امام حسین علیه السلام فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

 او سند و پشتوانه قرآن (یعنی روح قرآن) است.

 امامت، قوام اسلام است و امام حسین علیه السلام، بازوی پر توان امت و دین اسلام، در همه اعصار می باشد.

 در راه اطاعت پروردگار، سخت کوش و تلاش گر بود.

 با خدا و خلق او در عهد و پیمان، استوار و با وفا بود.

 از راه و روش فاسقان روی گردان بود و از راه مسامحه و مداهنه وارد نمی شد.

 آه امام حسـین علیه السـلام دردمنـدانه بود؛ماننـد کسـی که بار سـنگینی از غصه در دل دارد و درد سـینه اش جراحتی التیام ناپذیر است.

 آن حضرت رکوع و سجده های طولانی داشت.

 نسبت به دنیا زاهد و بی علاقه بود.

 در حالی که نظر دیگران به دنیا، نظر عاشقانه و دل پسندانه است،

نظر آن حضرت به دنیا، مانند انسان وحشت زده بود.

۴. طرح نهضت و زمینه قیام

هر واقعه و انقلابی که در جهان به وقوع می پیوندد، نتیجه علل و عواملی است که در به وجود آمدن آن، نقش به سزایی داشته اند. پیدایش پدیده عاشورا نیز مرهون علل و عواملی است که رهبر این قیام، امام حسین علیه السلام، این علل را بازگو فرموده؛ که فساد دستگاه خلافت و رهبری، ظهور بدعت ها، انحطاط اخلاقی و خطر بازگشت به جاهلیت، بی عدالتی و گسترش ظلم و منکرات (۱) و... از آن جمله، محسوب می شود.

امام زمان علیه السلام دراین خصوص، خطاب به جد بزرگوارش می فرماید:

«حَتَّی إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ وَ أَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنَاعَهُ وَ دَعَا الْغَیُّ أَتْبَاعَهُ وَ أَنْتَ فِی حَرَمِ جَدِّکَ قَاطِنٌ وَ لِلظَّالِمِینَ مُبَایِنٌ جَلِیسُ الْبَیْتِ وَ الْمِحْرَابِ مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَّاتِ وَ الْأَحْبَابِ تُنْکِرُ الْمُنْکَرَ بِقَلْبِکَ وَ لِسَانِکَ عَلَی حَسَبِ طَاقَتِکَ وَ إِمْکَانِک ثُمَّ اقْتَضَاکَ الْعِلْمُ لِلْإِنْکَار وَ أَلْزَمَکَ أَنْ تُجَاهِدَ الْکُفَّارَ فَسِرْتَ فِی أَوْلَادِکَ وَ أَهَالِیکَ وَ شِیعَتِکَ وَ مَوَالِیکَ وَ صَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَ الْبَیِّنَه وَ دَعَوْتَ إِلَی اللَّهِ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ أَمَرْتَ بِإِقَامَهِ الْحُدُودِ وَ طَاعَهِ الْمَعْبُودِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْخَبَائِثِ وَ الطُّغْیَانِ فَوَاجَهُوکَ بِالظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانِ»؛

۱- ر. ک: مقرم، مقتل الحسین، صص ۳۹، ۱۳۹، ۱۸۳؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۷.

«تا آن گاه که ظلم و بیداد، دست از آستین بیرون آورد و با سلاح به میدان آمد و گمراهان، در ضلالت خود غرق شدند؛ در حالی که تو در حرم جدت ساکن، و از ستمگران دوری گزیده بودی، در خانه و محراب به سر می بردی و از امیال و شهوات بر کنار و با قلب و زبان و به مقدار توان، از منکرات، نهی می کردی. آن گاه که موقعیت مقتضی گردید، پرچم مخالفت برداشته، و با مخالفان کارزار کردی. با فرزندان و خاندان و پیروان و دوستان به راه افتاده، و با حکمت و پند و اندرزهای نیکو، [مردم را] به سوی خداوند خوانده و به بر پا داشتن حدود و فرمانبری از معبود، امر نمودی و از پلیدی و سرکشی باز داشته و با ظلم و ستم مقابله کردی».

۵. توصیف صحنه کربلا

این بخش، نقطه اوج این مرثیه جان سوز است و هر انسانی که توصیف این صحنه ها را می شنود، سیل اشک و طوفان غم و اندوه، امان او را می بُرد. امام زمان علیه السلام در این قسمت می فرماید:

«فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِيعَازِ لَهُمْ وَ تَأْكِيدِ الْحُجَّهِ عَلَيْهِمْ فَنَكَثُوا ذِمَامَكَ وَ بَيْعَتَكَ وَ أَسْخَطُوا رَبَّكَ وَ جَدَّكَ وَ بَدَءُوكَ بِالْحَرْبِ... وَ أَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ فَمَنَعُوكَ الْمَاءَ وَ وُرُودَه... وَ رَشَقُوكَ بِالسِّهَامِ وَ بَسَطُوا إِلَيْكَ الْأَكُفِّ لِلِاصْطِلَام... فَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ وَ أَثْخَنُوكَ بِالْجِرَاحِ... حَتَّى نَكَسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ هَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ طَرِيحاً ظَمْآنَ جَرِيحاً تَطَؤُكَ

الْخُیُولُ بِحَوَافِرِهَا وَ تَعْلُوکَ الطُّغَاهُ بِبَواتِرِهَا... وَ الشِّمْرُ جَالِسٌ عَلَی صَدْرِکَ وَ مُولِغٌ سَیْفَهُ عَلَی نَحْرِکَ قَابِضٌ عَلَی شَیْبَتِکَ بِیَدِهِ ذَابِحٌ لَکَ بِمُهَنَّدِه...».

«پس از آن که آنان را از کار خود باز داشته و حجت و دلیل را برایشان تأکید نمودی؛ بیعتت را شکسته و بر پروردگار و جدّت خشم نموده و با تو جنگیدند... و آن شخص ملعون به لشگریانش دستور حمله داد. تو را از آب و وارد شدن به آن باز داشتند... تیرها و سنگ ها را به طرف تو پرتاب کرده و دست های جنایتکارشان را برای نابودیت گشودند... پس از هر سو تو را محاصره کرده و زخم های عمیق بر تو وارد ساختند... تا این که تو را از اسبت انداختند و تو، مجروح، بر زمین افتادی. اسب ها با سم هایشان بر تو تازیدند و ستمگران، شمشیرهای برّانشان را بر تو فرود آوردند... شمر بر روی سینه ات نشست و شمشیرش را بر گودی زیر گلوی تو فرو برد و در حالی که محاسنت را با دستش گرفته بود، سرت را با شمشیر خود برید».

۶. مرثیه و مصیبت بعد از عاشورا

«وَ رُفِعَ عَلَی الْقَنَاهِ رَأْسُکَ وَ سُبِیَ أَهْلُکَ کَالْعَبِیدِ وَ صُفِّدُوا فِی الْحَدِیدِ فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِیَّاتِ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ یُسَاقُونَ فِی الْبَرَارِی وَ الْفَلَوَاتِ أَیْدِیهِمْ مَغْلُولَهٌ إِلَی الْأَعْنَاقِ یُطَافُ بِهِمْ فِی الْأَسْوَاق»؛

«سرت بر بالای نیزه قرار داشت و خانواده ات همچون بندگان

اسیر، در غل و زنجیر قرار گرفتند. در فراز پالان های چهارپایان، چهره شان از گرمای ظهر تابستان می سوخت و در بیابان ها و دشت های پهناور، پیش برده می شدند، دست هایشان به گردن هایشان آویخته و در بازارها آنان را می گرداندند».

۷. بازتاب این واقعه در اسلام

وقتی که «اذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمه لا یسدها شیء»؛ جهان، پس از شهادت امام حسین علیه السلام چگونه خواهد بود؟!

امام زمان علیه السلام، این ضایعه عُظمی را مساوی با کشتن اسلام بیان می فرماید:

«فَالْوَیْلُ لِلْعُصَاهِ الْفُسَّاقِ لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِکَ الْإِسْلَامَ وَ عَطَّلُوا الصَّلَاهَ وَ الصِّیَامَ وَ نَقَضُوا السُّنَنَ وَ الْأَحْکَامَ وَ هَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِیمَانِ وَ حَرَّفُوا آیَاتِ الْقُرْآنِ وَ هَمْلَجُوا فِی الْبَغْیِ وَ الْعُدْوَانِ لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَوْتُوراً وَ عَادَ کِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَهْجُوراً وَ غُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرْتَ مَقْهُوراً وَ فُقِدَ بِفَقْدِکَ التَّکْبِیرُ وَ التَّهْلِیلُ وَ التَّحْرِیمُ وَ التَّحْلِیلُ وَ التَّنْزِیلُ وَ التَّأْوِیلُ وَ ظَهَرَ بَعْدَکَ التَّغْیِیرُ وَ التَّبْدِیلُ وَ الْإِلْحَادُ وَ التَّعْطِیلُ وَ الْأَهْوَاءُ وَ الْأَضَالِیلُ وَ الْفِتَنُ وَ الْأَبَاطِیل»؛

«پس وای بر سرکشان گنه کار که به کشتنت، اسلام را کشتند و نماز و روزه را بیهوده و مهمل گذاشتند. سنت ها و احکام را شکستند و پایه های ایمان را نابود کردند. آیات قرآن را تحریف، و در فساد و دشمنی، سخت تلاش نمودند. کتاب خدا رها شد و به حق، خیانت

گردید. با رفتن تو، تکبیر، تهلیل، تحریم، تحلیل، تنزیل و تأویل از میان رفت. پس از تو تغییر، تبدیل، بی دینی، کفر، خواهش های نفسانی، گمراهی ها، آشوب ها، بیهودگی ها و باطل ها آشکار شد».

۸. بازتاب این مصیبت در کائنات و موجودات

عظمت این مصیبت، به نحوی بود که سرتاسر هستی را عزادار کرد و به ماتم و سوز و ندبه نشاند. امام زمان علیه السلام در این رابطه می فرماید:

«فَانْزَعَجَ الرَّسُولُ وَ بَکَی قَلْبُهُ الْمَهُولُ وَ عَزَّاهُ بِکَ الْمَلَائِکَهُ وَ الْأَنْبِیَاءُ وَ فُجِعَتْ بِکَ أُمُّکَ الزَّهْرَاءُ وَ اخْتَلَفَ جُنُودُ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ تُعَزِّی أَبَاکَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ أُقِیمَتْ لَکَ الْمَأْتَمُ فِی أَعْلَی عِلِّیِّینَ وَ لَطَمَتْ عَلَیْکَ الْحُورُ الْعِینُ وَ بَکَتِ السَّمَاءُ وَ سُکَّانُهَا وَ الْجِنَانُ وَ خُزَّانُهَا وَ الْهِضَابُ وَ أَقْطَارُهَا وَ الْبِحَارُ وَ حِیتَانُهَا وَ الْجِنَانُ وَ وِلْدَانُهَا وَ الْبَیْتُ وَ الْمَقَامُ وَ الْمَشْعَرُ الْحَرَامُ وَ الْحِلُّ وَ الْإِحْرَام...»؛

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، آشفته خاطر شد و قلب داغ دارش گریست و فرشتگان و پیامبران به او تسلیت گفتند. به خاطر تو مادرت زهرا علیها السلام، سوگوار و مصیبت زده شد. فرشتگان مقرب، برای سوگواری و تسلیت گفتن به پدرت امیرمؤمنان علیه السلام، نزد او می رفتند و برای تو در اعلی علّیین، مجلس عزا و ماتم بر پا شد. فرشتگان عزادار شدند و آسمان و ساکنانش، بهشت و خزانه دارانش، و کوه های گسترده بر روی زمین و

کرانه هـایش، و دریاهـا و ماهیـانش، و جنیان و فرزنـدانشان و خانه خـدا و مقام ابراهیم و مشـعر الحرام و حلّ و احرام، برای تو گریستند».

خلق را نام حسینی به زبان می بینم

هر کجا نام حسین، آه و فغان می بینم

همه گویند حسین و همه دارند خروش

از غمش ولوله در کون و مکان می بینم

همه گویند حسین و همه نالند ز درد

با حسین این همه را عشق نهان می بینم

همه گویند که شد کشته بیداد، حسین

همه را نوحه کنان، تعزیه خوان می بینم

۹. نیایش و دعا در پیشگاه خداوند

چه زیبا و پر بها است که عرض ارادت به ساحت مقـدس سالار شـهیدان علیه السلام، وسـیله ای برای ارتباط و انس با خداوند متعـال قرار داده شود. «دعـا»، موجب بینش و معرفت عمیق، زمینه آرامش و سـکون نفس، ملاـک تشـخیص رذایـل از فضایـل، محرک به سوی خوبی ها، باز دارنده از کژی ها، سازنده روح و روان و ایجاد کننده روح تعهدات اجتماعی است. انگاره های یاد شده، در این بخش از این زیارت مقدس، موج می زند.

امام زمان علیه السـلام ضـمن دعا به ما می آموزد که توسل به ائمه اطهار علیهم السـلام تنها راه رسیدن به خدا است. با سیر در این دعا می آموزیم که محور دعا چیست و چگونه باید دعا کنیم.

۱۰. نماز زیارت

شایان توجّه است که مکمل این زیارت ــ خصوصاً قسـمت اخیر آن ــ نماز خاص زیارت است که با سوره انبیا و حشر خوانده می شود و

دارای یک دعای بسیار عالی، در قنوت است.

دو پرسش و پاسخ:

۱. چرا زیارت ناحیه در مفاتیح نیامده است؟

هر مؤلفی، با دید خاصی به تدوین کتاب می پردازد؛ مثلا سید رضی- که سخنان حضرت علی علیه السلام را جمع آوری نموده- بیشتر در ادبیات و فصاحت و بلاغت خطبه ها، متمرکز بوده؛ لذا برخی از سخنان حضرت را نیاورده است.

مؤلف مفاتیح الجنان نیز تمامی ادعیه و زیارات را جمع ننموده؛ مثلا از ۵۴ دعای صحیفه سجادیه، فقط دعای «مکارم الاخلاق» را در مفاتیح الجنان، آورده است. البته محدث عالی مقام، شیخ عباس قمی رحمه الله در کتاب نفس المهموم به فرازی از این زیارت، استناد و اشاره کرده است. (۱)

بنابراین شاید به خاطر طولانی بودن این زیارت و ذکر «زیارت عاشورا» در مفاتیح الجنان، ایشان ذکر این زیارت را لازم ندانسته است. (۲)

۲. آیا زیارت ناحیه مستند است؟

بله، این زیارت از طریق یکی از نایبان خاص امام زمان علیه السلام به دست برخی از اساتید شیخ مفید، و سپس به شیخ مفید و سید مرتضی و ابن مشهدی رسیده است. زیارت ناحیه، دارای سندهای مختلف و

۱- نفس المهموم، ص ۲۳۳.

۲- ر. ك: همره نور، صص ۱۲۱ _ ۱۲۳.

معتبر بوده که در کتاب های این سه بزرگوار، ثبت و ضبط گردیده است. متأخرین، از سیدبن طاووس تا زمان حال نیز، آن را نقل و صریحاً تأیید کرده اند.

ضمن آن که مضامین این زیارت، همسو با روایات و سایر زیارت ها است و عبارات گویا و معانی عمیق و دقیقش، شاهد صدقی است که این زیارت از ناحیه معصوم، صادر شده است. چنان چه ابن مشهدی در کتاب المزار الکبیر، این زیارت را نقل نموده و در مقدمه کتابش فرموده است: «فقط احادیث مستند و صحیح را در این کتاب می آورم». (۱)

□□□

۱- همره نور، صص ۱۲۱ _ ۱۲۳.

ص:۱۹۷

پرسش ها

جایگاه جامعه آرمانی در چشم انداز عاشورا و انتظار

۱.عصر ظهور را در یک جمله، چگونه می توان معنا کرد؟

الف) عصر تجلی عبودیت حق تعالی، در گستره جهان

ب) عصر حکومت عادلانه بر مردم

ج) عصر پایان جنگ های جهانی

۲.گرایش به جامعه آرمانی که در آن، توحید کامل در گستره جهان هستی ظهور می یابد...

الف) از آرمان های مسلمانان است.

ب) از گرایشهای فطری بشر است.

ج) وعده مصلحان به مؤمنان است.

۳.ظهور منجی آخر الزمان...

الف) وعده همه پیامبران است.

ب) یکی از میثاق هایی است که پیامبران با خدا بسته اند.

ج) الف و ب

۴.در عصر ظهور، پیامبران رجعت می کنند تا...

الف) بر مردم قوم خود، حکومت و داوری کنند.

ب) مردم قوم خود را دعوت به اسلام کنند.

ج) تحت ولایت ولیّ اعظم باشند.

۵.عاشورا.....

الف) کامل ترین عبادت تاریخی بشر است.

ب) کامل ترین شکل تقابل میان حق و باطل است.

ج) الف و ب

اهداف انقلاب حسینی و انقلاب مهدوی

۶.نقطه پیوند و اهداف مشترک دو انقلاب حسینی و مهدوی عبارتند از:

الف) آگاهی، آزادی، عدالت

ب) صبر، جهاد، شهادت

ج) آزادی، صبر، کمال طلبی

۷.عدالت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عدالتی کامل است؛ زیرا:

الف) رنگ الهی دارد.

ب) فقط فقرا و مساکین را مد نظر دارد.

ج) خود حضرت، متولی آن است.

۸.امام صادق علیه السلام یکی از علل قیام امام حسین علیه السلام را چه می داند؟

الف) جنگ و جهاد با دستگاه یزید

ب) تلاش برای تبیین حق از باطل و آگاهی دادن به مردم

ج) اقامه نماز و حج و امر به معروف

انتظار وتربیت نیرو

۹.در آیه درباره مادگی مطرح شده در آیه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه»، کدام گزینه صحیح است؟

الف) برای آمادگی، اذن امام معصوم شرط است

ب) برای آمادگی، اذن امام معصوم شرط نیست

ج) هرکس باید نظر مجتهد خود را ببیند.

۱۰.برای رسیدن به این هدف که جامعه، پذیرای امام معصوم باشد، باید......

الف) از راه فرهنگی وارد شد.

ب) ایجاد روحیه جهاد کرد.

ج) منتظر امام زمان علیه السلام شد.

۱۱.کدام سخن امام حسین علیه السلام، بیان هدف قیام ایشان است؟

الف) خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی صلی الله علیه و آله و سلم

ب) ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر

ج) الف و ب

ص:۱۹۹

تفسیر ارگانیک از عاشورا و غیبت

۱۲.رخداد عاشورا، تقیه امامان علیهم السلام و غیبت امام مهدی علیه السلام، همه از نتایج واقعه... است.

الف) سقیفه

ب) صلح امام علی علیه السلام با معاویه

ج) حرکت مرموزانه یهودیت

۱۳.رخدادهای مهم تاریخ شیعه کدام هستند؟

الف) بعثت، غدیر، عاشورا، غیبت

ب) غدیر، عاشورا، غیبت، ظهور

ج) غدیر، عاشورا، ظهور، رجعت

۱۴.این جمله از کیست؟ «ظهور امام دوازدهم، که در پایان عصر ما روی خواهد داد، کلیه مکنونات منزلات الهی را آشکار خواهد کرد».

الف) ابن ابی الحدید

ب) هانری کربن

ج) گاندی

۱۵.حرکت تاریخ از دیدگاه اسلام چگونه است؟

الف) حرکت خطی و رو به پیشرفت است، نه حرکتی دوری

ب) حرکتی دوری و متکامل است.

ج) حرکتی حلزونی و یکنواخت است.

۱۶.به گفته حمید عنایت، کدام مفاهیم با فرهنگ شیعه گره خورده است؟

الف) شهادت، تقیه

ب) شهادت، دفاع

ج) شهادت، انتظار

۱۷.معنای این عبارت چیست؟ «الاسلام محمدی الصدور و حسینی البقاء»

الف) اسلام محمدی صادر شده است و نهضت امام حسین علیه السلام باقی است

ب) اسلام محمدی در صدر همه مکاتب است و بقای آن به امام حسین علیه السلام است.

ج) اسلام به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تاسیس شد، اما دوام آن به وسیله امام حسین علیه السلام بود.

۱۸.آیا این عبارت درست است: «در مبانی کلامی شیعه، همان طور که واقعه عاشورا از عوامل تاریخی رخداد غیبت است، عصر ظهور نیز تفسیر دوباره عاشورا و بازگشت به اهداف امام حسین علیه السلام تقلی می شود.

الف) درست است.

ب) نادرست است.

ج) کلام اهل سنت است.

ص:۲۰۰

۱۹.چه کسی موضوع غیبت امام مهدی علیه السلام را دائمی ترین عنصر تاریخ اندیشه شیعی می داند؟

الف) هانری کربن

ب) حامد الگار

ج) عبدالفتاح عبدالمقصود

دو قیام حق طلبانه

۲۰.براساس تحلیل فلسفی- تاریخی، نهضت امام حسین علیه السلام در امتداد.....می باشد.

الف) قیام پیامبران و صالحان

ب) خلقت آدم علیه السلام

ج) تکامل تاریخ بشر

۲۱.مهمترین شاخصه و ویژگی قیام مهدوی... خواهد بود.

الف) حق طلبی و تلاش برای حاکمیت خیر و ایمان و حق

ب) مبارزه با باطل و اجرای حدود الهی در جامعه

ج) عدالت محوری و مبارزه با حکومت های استبدادی

۲۲.امام حسین علیه السلام مهم ترین اختلاف خود با بنی امیه و یزید را در رابطه با....می دانست.

الف) عدالت

ب) حق

ج) معاد

۲۳.محورهای مهم حق گرایی حق طلبی در نظر امام حسین علیه السلام عبارت است از:

الف) توحید، امامت و ولایت

ب) احیای نشانه های راستین دین خدا، از بین بردن بدعت ها، اصلاح جامعه فاسد

ج) الف و ب

۲۴.براساس دیدگاه اسلام در فلسفه نظری تاریخ:

الف) حق و ایمان با قیام امام حسین علیه السلام تحقق یافت.

ب) سپاه ظلمت و حکومت کفر با شهادت امام حسین علیه السلام مستحکم شد.

ج) حق و ایمان با قیام و پیروزی امام مهدی علیه السلام به طور کامل تحقق خواهد یافت.

۲۵.این حدیث، تأویل کدام آیه است؟ «هنگام خروج حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، حق آل محمد علیهم السلام تثبیت می شود و باطل، از بین می رود».

الف) جاء الحق و زهق الباطل

ب) لیحق الحق و یبطل الباطل و لو کره المجرمون

ج) الف و ب

ص:۲۰۱

۲۶.سرّ خون خواهی امام حسین علیه السلام توسط امام مهدی علیه السلام در چیست؟

الف) انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام

ب) تشفی قلوب شیعیان

ج) عدم ماندگاری باطل

۲۷.پیام ها و اهداف نهضت مهدوی چیست؟

الف) حق گرایی، عدالت گری، ظلم ستیزی

ب) هدایت گری، ارشاد بشر، احیای آموزه های دین، تشکیل حکومت

ج) الف و ب

دلایل پیوند عاشورا و انتظار

۲۸.امام علی علیه السلام در تأویل آیه شریفه «و النهار اذا تجلها» چه فرموده اند؟

الف) منظور از آن، قائم آل محمد علیهم السلام است که زمین را پر از قسط و عدل می کند.

ب) منظور از آن، صبح قیامت است که همه چیز را آشکار می گرداند.

ج) منظور از آن، روشنی حق است که باطل را نابود خواهد ساخت.

۲۹.این روایت نورانی از کیست؟ «اکون اول من نیشق الارض عنه فاخرج»؛ «من اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می شود و رجعت می کنم».

الف) امام علی علیه السلام

ب) حضرت فاطمه علیها السلام

ج) امام حسین علیه السلام

۳۰.این روایت، به کدام یک از جهات پیوند مکتب عاشورا و انتظار، ناظر است؟ «قام القائم و لیس فی عنقه بیعه لأحد» «قائم قیام می کند در حالیکه در قبال هیچ کسی بیعتی ندارد».

الف) استراتژی سازش ناپذیری و عدم بیعت در برابر طاغوتیان و ستم گران، در هر دو مکتب وجود دارد.

ب) اهداف و انگیزه ها در هر دو مکتب، یکی است.

ج) رهبری هر دو مکتب، با امام معصوم است و آن دوبزرگوار از خاندان واحدی می باشند.

ص:۲۰۲

درس های عاشورا برای منتظران

۳۱.بهترین عاملی که بین منتظران حضرت مهدی علیه السلام و آن بزرگواران، پیوند برقرار می کند، چیست؟

الف) یاد کردن آن حضرت و صدقه دادن برای سلامتی ایشان.

ب) دعا برای تعجیل در فرج آن امام

ج) معرفت امام

۳۲.این فراز از زیارت حضرت صاحب الزمان علیه السلام چه درسی برای منتظرانش دارد؟ «فأبذل نفسی و مالی و ولدی و جمیع ماخولنی ربی بین یدیک».

الف) صبر و پایداری تمام در راه آن حضرت

ب) فریاد بر علیه ظلم و طغیانگری با جان و مال

ج) وفا داری و صداقت در عهد و پیمان

زن در آینه قیام حسینی و قیام مهدوی

۳۳.حضرت مهدی علیه السلام چه کسی را به عنوان الگوی شایسته و تمام عیار برای خود، معرفی فرموده اند؟

الف) حضرت ابراهیم علیه السلام

ب) پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام

ج) دختر رسول خدا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

۳۴.بنابر حدیث امام باقر علیه السلام چند نفر از یاران خاص امام زمان علیه السلام از زنان می باشند؟

الف) ده نفر

ب) دوازده نفر

ج) پنجاه نفر

۳۵.این سخن از کیست؟ «زن نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است.از دامن زن، مرد به معراج زن می رود. دامن زن جایگاه تربیت زنان و مردان بزرگ است»

الف) حضرت امام خمینی قدس سره

ب) شهید بهشتی رحمه الله

ج) شهید مطهری رحمه الله

۳۶.خانواده مسیحی که در راه سفر امام حسین علیه السلام به کوفه، فیض تشرف به اسلام و همراهی با امام علیه السلام نصیبشان گشت، کدام است؟

الف) زهیر بن قین و همسرش

ب) حر ریاحی و فرزند و برادرش

ص:۲۰۳

ج) وهب و مادر و همسرش

سوگ واره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳۷.در رابطه با زیارت ناحیه، کدام گزینه صحیح است؟

الف) زیارتی است که امام سجاد علیه السلام به هنگام زیارت قبر امیر المومنین علیه السلام بیان فرمودند.

ب) زیارتی است که امام صادق علیه السلام آن را برای زیارت امام حسین در روز اربعین به صفوان جمال تعلیم دادند.

ج) سوگنامه تاثیر انگیز و مرثیه سوزناک امام مهدی علیه السلام برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا است.

۳۸.در ابتدای زیارت ناحیه مقدسه، نام چند تن از انبیاء الهی ذکر شده است؟

الف) نام ۵ پیامبر اولوالعزم الهی به جهت مقام و منزلت ویژه ای که دارند.

ب) نام ۲۳ تن از انبیای الهی که اعتراف به مقام و فضایل آنان، زائر را به جایگاه توحید و نبوت رهنون می سازد.

ج) تنها نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده است؛ زیرا نام او نام همه انبیای الهی است.

۳۹.این کلام نورانی مربوط به کدامیک از ائمه هدی علیهم السلام می باشد؟ «فإنی لأعلم أوفی و لا خیراً من اصحابی».

الف) امام حسین علیه السلام در توصیف یاران خود

ب) امام عصر علیه السلام در توصیف یاران

ج) امام صادق علیه السلام در توصیف شاگردان مکتبشان

۴۰.این فراز از زیارت ناحیه مقدسه چه پیامی دارد؟ «و کنت لله طائعاً و لجدک محمد صلی الله علیه و آله و سلم تابعاً و لقول ابیک سامعاً و الی وصیه اخیک مسارعاً».

الف) باید مطیع مولای زمان بود.

ب) باید به وصیت مسلمانان عمل کرد.

ج) باید حرمت بزرگان را نگاه داشت.

۴۱.آیا زیارت ناحیه مقدسه، درکتاب شریف مفاتیح الجنان آمده است؟

الف) بله، این زیارت در بخش پایانی مفاتیح آمده است.

ب) خیر، زیرا در سند این زیارت تردید است.

ج) خیر، به خاطر طولانی بودن این زیارت و ذکر زیارت عاشورا، مولف، ذکر

آن را لازم ندانسته است.

۴۲.بنابر روایات، ملاک سنجش ایمان چیست؟

الف) حسن امانت و راستی در گفتار

ب) طول رکوع و سجود و زیادی روزه

ج) حضور شجاعانه در میدان جهاد حق علیه باطل

ص:۲۰۵

نام و نام خانوادگی: .... نام پدر: ....

تاریخ تولد: ....صادره: ....

نشانی و شماره تلفن:

....

....

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹